

تفسیر تطبیقی آیه تطهیر از دیدگاه مذهب اهل بیت (ع) و اهل سنت

حجت الاسلام والمسلمین ایلقار اسماعیل زاده*

چکیده

آیه تطهیر (احزاب آیه ۳۳)، از مهم‌ترین ادله قرآنی در خصوص فضیلت و برتری اهل بیت (ع) محسوب می‌گردد مفسران و دانشمندان مذهب اهل بیت و اهل سنت در طول تاریخ درباره این آیه بخش‌های زیادی کرده‌اند. با توجه به اهمیت این موضوع، آیه را به صورت تطبیقی از دیدگاه مذهب اهل بیت (ع) و اهل سنت بررسی می‌کنیم و به شبهات، ابهامات و سؤالات مربوط، پاسخ خواهیم داد.

البته تا کنون در این خصوص کتابهایی نیز نوشته شده است. از این میان، می‌توان از کتابهای مجمع الانوار یا آیه تطهیر و حدیث کساء، نوشته سید حسین موسوی کرمانی، آیه التطهیر فی احادیث الفریقین، نوشته آیت الله سید علی موحد ابطحی، اهل البیت یا چهره‌های درخشان در آیه تطهیر؛ نوشته آیت الله شهاب الدین اشراقی و آیت الله محمد فاضل لنکرانی، همچنین اهل البیت فی آیه التطهیر، نوشته علامه سید جعفر مرتضی عاملی و آیه تطهیر در کتب دو مکتب، نوشته علامه سید مرتضی عسکری نام برد. اما با وجود این، در هیچ یک از کتب مذکور، همه شبهات، ابهامات و سؤالات مربوط به آیه تطهیر جمع بندی و نقد و بررسی

* فارغ التحصیل کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث مدرسه عالی امام خمینی (ره).

نشده است. که ما در این اثر به این نکته، توجه کرده‌ایم. بنابراین این، مباحث ارائه شده در این نوشتار شامل این بخشهاست:

بخش اول: تفسیر و تبیین اجمالی آیه تطهیر؛ بخش دوم: آیه تطهیر از دیدگاه روایات فریقین؛ بخش چهارم: نقد و بررسی شبهات، ابهامات و سوالات مربوط به آیه تطهیر؛ بخش پایانی: نتایج به دست آمده از مباحث گذشته.

واژه‌های کلیدی: آیه تطهیر، تفسیر تطبیقی، اهل بیت (ع)، اهل سنت، روایات.

بخش اول: تفسیر و تبیین اجمالی آیه تطهیر

آیه تطهیر، در واقع، در قسمت پایانی آیه ۳۳ از سوره احزاب قرار گرفته است که از سوره‌های مدنی به حساب می‌آید. سوره احزاب دارای ۷۳ آیه نورانی است و خداوند متعال در آن، از معارف بلند اسلامی، احکام، مواعظ و قصص سخن گفته و درباره همسران پیامبر اسلام (ص) دستورهای مهمی را بیان فرموده است.

بررسی مهم‌ترین لغات آیه تطهیر

خداوند متعال در این سوره چنین می‌فرماید:

...إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا^۱

«خدا فقط می‌خواهد پلیدی و [گناه] را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.»

با توجه به اختصاص این نوشتار به همین بخش از آیه، مهم‌ترین واژه‌های آن را بررسی

می‌کنیم:

۱. إِنَّمَا:

لفظ «إِنَّمَا» در زبان عربی بیان‌کننده حصر و انحصار مطلبی است که پس از آن ذکر می‌شود.

همین مطلب را می‌توان از آیات متعدد قرآن کریم نیز به دست آورد. به عنوان مثال، خداوند متعال می‌فرماید:

قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهُهُ وَاحِدٌ وَإِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ^۲

بگو اوست تنها معبود یگانه و من از آنچه برای او شریک قرار

می‌دهید، بیزارم.

طهر

شماره ۸ و ۹

▽

۱۱۲

بدون شک یگانه بودن معبود و بیزاری پیامبر خدا (ص) از شرک مشرکان مطلبی است که در آن به طور روشن حصر و انحصار به چشم می‌خورد.^۳ آیه شریف تطهیر نیز با توجه به اینکه با لفظ «إِنَّمَا» شروع شده، دارای دو انحصار است که عبارت اند از:

الف - انحصار اراده و خواست خداوند متعال در تطهیر و دور کردن پلیدی؛
ب - انحصار این عصمت و دوری از پلیدیها و عیوب در اهل بیت.^۴

۲. اراده:

راغب اصفهانی چنین می‌گوید:

فمقی قیل: اراد الله کذا، فمعناه: حکم فیه انه کذا و لیس بکذا؛^۵

هر گاه گفته شود: اراد الله؛ خدا اراده کرده است، معنایش آن است که خدا حکم کرده چنین باشد، در حالی که چنین نبوده است.

آیت الله سید علی اکبر قرشی می‌نویسد: «رود: طلب کردن، خواستن؛ اراده به معنای قصد از همین ماده است.»^۶

به طور کلی، آنچه از دیدگاه واژه شناسان قرآن و زبان عربی به دست می‌آید، این است که واژه اراده در مورد انسانها به معنای طلب کردن، اختیار و قصد نمودن و درباره خداوند متعال به معنای اراده، حکم و دستور به کار می‌رود.

۳. رجس:

احمد بن محمد الفیومی می‌گوید:

الرجس: القدر، و قال النقاش: الرجس: النجس؛^۷

رجس بمعنای پلیدی است، و نقاش می‌گوید: رجس (به معنای) نجس است.

همچنین راغب اصفهانی در مفردات خود می‌نویسد:

رجس، چیز پلید است، و آن بر چهار گونه است: رجس طبعی، رجس

عقلی، رجس شرعی و رجسی که جامع همه اینهاست، مانند میت.^۸

در آیات نورانی قرآن کریم نیز واژه رجس در معانی متضاد و مختلف به کار رفته است که در اینجا به موارد آن اشاره می‌کنیم:

۱. رجس در معنای شراب، قمار، بتها و ازلام (نوعی بخت آزمایی) سوره مائده، آیه ۹۰؛

۲. رجس در معنای نفاق، توبه، آیه ۹۵؛

۳. رجس در معنای کفر و بی ایمانی، انعام، آیه ۱۲۵، و نیز اعراف، آیه ۷۱؛

۴. رجس در معنای مردار، خون بیرون ریخته و گوشت خوک، انعام، آیه ۱۴۵.

با توجه به آیات مذکور می‌توان نتیجه گرفت که واژه «رجس» از دیدگاه قرآن کریم در دو مورد مادی (مانند خوک، شراب و...) و غیر مادی (مانند کفر، نفاق و...) به کار رفته است. بدون شک، با توجه به اطلاق آیه شریف تطهیر، و نیز «الف و لام» همراه کلمه رجس، این واژه شامل همه انواع پلیدیهای مادی و معنوی و عیوب ظاهری و باطنی و حتی نواقص و کمبودهای آشکار و پنهان می‌شود.

۴. تطهیر:

ابو عبد الرحمن خلیل بن احمد الفراهیدی می‌نویسد: «تطهر (به معنایی) پاکی و تنزه و خویشتن داری از گناه و معصیت است.»^۱

راغب اصفهانی در مفردات خود چنین می‌نویسد: «طهارت دو گونه است: طهارت و پاکی جسم، و طهارت و پاکی نفس که عامه آیات قرآن کریم بر این دو معنا حمل می‌شود.»^۲

۵. تطهیراً:

کلمه «تطهیراً» که در پایان آیه تطهیر به صورت مصدر ذکر شده، طبق قواعد زبان عربی بیان کننده نوعی تأکید است و به تطهیر اهل بیت (ع) مربوط می‌شود. بنا بر این، منظور از «يُطَهِّرُكُمْ تَطْهِيراً» در آیه مورد بحث، تطهیر جسمی و روحی کامل اهل بیت (ع) مورد خطاب است. در اینجا یک سؤال مطرح می‌شود: اراده خداوند در آیه تطهیر شامل کدام یک از انواع اراده الهی می‌شود؟ در پاسخ می‌گوییم: اراده الهی را می‌توان به سه نوع تقسیم کرد:

۱. اراده تکوینی که به فعل خود مرید، یعنی به تکوین، تحقیق و ایجاد آن تعلق می‌گیرد.
۲. اراده تشریحی که به فعل دیگری تعلق می‌گیرد؛ بدین اعتبار که وی آن را به اختیار خود انجام می‌دهد.^۳
۳. اراده لطیفه که بر دو رکن اساسی مبتنی است که یک رکن آن به بنده و رکن دیگر آن به خداوند مربوط می‌شود. این نوع اراده را می‌توان با یک آیه قرآنی بهتر تبیین نمود. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهَبَنَّ لَهُمْ سُلَيْمَاتٍ؛^۴ و آنها که در راه ما (با خلوص

نیت) جهاد (و تلاش) کنند، قطعاً به راههای خود هدایتشان خواهیم کرد.

بدون شک، اگر جهاد و تلاش آنها نبود، خداوند هم آن را به راههای خود هدایت نمی‌کرد. بنا بر این، منظور از اراده الهی در آیه تطهیر، اراده لطیفه است که از طرفی لیاقت و تلاش اهل بیت (ع) و از طرف دیگر عنایات خاص الهی این تطهیر را محقق می‌سازد.

طهری

۳
۲
۱
۴

▽

۱۱۴

نگاهی به سیاق آیه تطهیر

آیه تطهیر در بین آیاتی از سوره احزاب قرار گرفته است که مربوط به همسران رسول گرامی اسلام (ص) است؛ چون خداوند متعال در آیات ۲۸ الی ۳۴ این سوره، همسران پیامبر اسلام (ص) را مورد خطاب قرار داده و دستورهای مهمی به آنها داده است.

اما نکته قابل توجه این است که در آیات مذکور، پس از خطابات تأنیث (إِنْ كُنْتُمْ - تُرِدْنَ - فتعالین - اَمْتَعَنَّ - اسرحکن - منکن - لها - تعمل - نوتها - أجرها - لستن - ان تفتین - فلا تخضعن - و قلن - و قرن - بیوتکن - لا تبرجن - و اقمن - و آتین - و اطعن) یکباره خطابات مذکر (عنکم - یطهرکم) آمده و سپس به دنبال آن باز یک خطاب تأنیث (و اذکرن) ذکر می‌شود.

برخی با توجه به مسئله سیاق، آیه تطهیر را نیز شامل همسران پیامبر (ص) دانسته‌اند، در حالی که مسئله سیاق قاعده‌ای استثنا ناپذیر نیست. با توجه به روایات متواتر مفسر آیه تطهیر و نیز دلایل و قرائن دیگر (و از جمله آنها خطابات مذکر) چنین روشن می‌شود که آیه تطهیر هیچ ربطی به همسران پیامبر اکرم (ص) ندارد و مسئله سیاق در این خصوص کاربرد نمی‌یابد.

حضرت امام صادق (ع) در حدیثی می‌فرماید:

یا جابر! وَ لَيْسَ شَيْءٌ أَبْعَدَ مِنْ عُقُولِ الرِّجَالِ مِنْهُ، إِنَّ الْآيَةَ لَتُنزِلَ

أُولَئِكَ فِي شَيْءٍ وَأَوْسَطَهَا فِي شَيْءٍ وَأَخْرَجَهَا فِي شَيْءٍ؛^{۱۳} ای جابر! هیچ چیزی

مثل آن (قرآن) از عقل (و قیاس) مردم دور نیست، زیرا اول آیه درباره یک چیز و وسط آن درباره چیز دیگر و آخر آن درباره چیز سوم فرود می‌آید.

بنابر این، در صحت و استحکام سخن مذکور نمی‌توان شک و تردید کرد و دست به توجیهاات نادرست زد.

دیدگاهها و اجتهادها درباره مصداق یا مصادیق اهل بیت در آیه تطهیر

آیه تطهیر، همچون برخی از آیات معروف قرآن، از جهت مصداق، مورد اختلاف قرار گرفته و درباره آن دیدگاههای مختلفی ارائه شده است:

۱. منظور از اهل بیت در آیه تطهیر صرفاً همسران پیامبر اسلام (ص) است. که این دیدگاه به عکرمه، عبد الله بن عباس، سعید بن جبیر و عروة بن زبیر نسبت داده شده است.^{۱۴}

۲. منظور از آن، اهل کساء (پیامبر اسلام (ص)، علی، فاطمه، حسن، و حسین) و همسران رسول خدایند.^{۱۵}

۳. منظور از آن، تنها پیامبر اسلام (ص) است.^{۱۶}

۴. منظور از آن به طور خاص امام علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام است. این قول به کلی نسبت داده شده است.^{۱۷}

۵. منظور از آن، اهل بیت نسبی است و شامل بنی هاشم، بنی عباس و سایر عموهای پیامبر اکرم (ص) می‌شود. این قول به زید بن ارقم نسبت داده شده است.^{۱۸}

۶. منظور از اهل بیت آنان اند که در پایین‌ترین جد پیامبر اکرم (ص) با آن حضرت (ص) نسبت دارند.^{۱۹}

۷. مراد از آن همسران رسول اکرم (ص) و نیز کسانی‌اند که صدقه بر آنها حرام گردیده است.^{۲۰}

۸. مراد از آن، اهل بیت الله الحرام اند که پرهیزگاران اند.^{۲۱}

۹. منظور از آن، اهل مسجد النبی (ص) در مدینه است.^{۲۲}

۱۰. منظور از اهل بیت در آیه تطهیر صرفاً پیامبر اسلام (ص)، علی، فاطمه، حسن، حسین و نه امام معصوم از اولاد امام حسین (ع)^{۲۳} است. این دیدگاه دانشمندان و مفسران مذهب اهل بیت (ع) است.

شأن نزول آیه تطهیر

اگر به منابع تفسیری و حدیثی فریقین نگاه کنیم، خواهیم دید که تعداد قابل توجهی از روایات مربوط به آیه تطهیر درباره اختصاص آیه به افراد خاص و کیفیت نزول آن سخن می‌گویند. بر اساس این روایات متواتر و صحیح، آیه تطهیر در اواخر زندگی پیامبر اسلام و در خانه ام المؤمنین، ام سلمه (ره) نازل شد.

پیامبر اسلام (ص) پس از نزول این آیه، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام را نزد خود فرا خواند و سپس عباى خویش را به آنان پوشاند و چنین گفت: «اللهم هؤلاء أهل بیتی؛ خدایا، اینان اهل بیت من اند.» در این هنگام، ام سلمه (رض) از پیامبر اکرم (ص) پرسید: ای رسول خدا! من در چه مقامی هستم؟ آیا من هم در شمار اهل بیت جای دارم؟ پیامبر اکرم (ص) در جواب او چنین فرمود: «أنتِ فی خیر و الی خیر؛ تو در (راه) خیر هستی، (تو جایگاه خود را داری) و به راه خیر و نیکی هستی.»

علامه سید محمد حسین طباطبایی در این باره می‌نویسد:

این روایات بسیار و بیش از هفتاد حدیث است. بیشتر آنها از طریق اهل سنت نقل شده که این خود بیشتر از چیزی است که از طریق شیعه روایت شده است. اهل سنت آن را تقریباً از چهل طریق و شیعه آن را از بیش از سی طریق نقل کرده است.^{۲۴}

طهری

۳
۵
۷
۹
۱۱



با توجه به اینکه در بخش دوم درباره روایات مربوط به شأن نزول آیه تطهیر به طور گسترده بحث خواهیم کرد، از ذکر نمونه روایات در اینجا پرهیز می‌کنیم.

بخش دوم: آیه تطهیر از دیدگاه روایات فریقین

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

و انزلنا إلیک الذکر لتبین للناس ما نزل الیهم و لعلهم یتفکرون؛^{۲۵} و

ما این ذکر (قرآن) را بر تو نازل کردیم تا آنچه را که به سوی مردم نازل شده است، برای آنها روشن سازی و شاید اندیشه کنند.

و ما آتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتوا؛^{۲۶} و آنچه را رسول

(خدا) برای شما آورده، بپذیرید (بپذیرید و اجرا کنید) و از آنچه نهی کرده،

خودداری کنید.

با توجه به آیات مذکور می‌توان دو مسئله اساسی را استدلال و استنتاج کرد:

۱. رسول گرامی (ص) مفسر و مبین اصلی و حقیقی آیات قرآن کریم است.
 ۲. بر امت اسلامی فرض است که گفته‌ها و دستورهای رسول خدا (ص) را بپذیرند و در مقابل آنها سر فرود آورند.
- آیه تطهیر نیز از جمله آیاتی است که رسول گرامی خدا (ص) در مقام تفسیر و تبیین آن بر آمده و مصداق یا مصادیق اهل البیت در آیه تطهیر را به طور روشن بیان فرموده است. همچنین در روایات اصحاب و تابعین نیز در مورد آیه تطهیر توضیحات لازم داده شده است که این هم اهمیت آن را می‌رساند.

قبل از ذکر روایات مربوط بهتر است با دیدگاه چند تن از دانشمندان معروف در خصوص تعداد روایات مربوط به آیه تطهیر آشنا شویم:

۱. ابوبکر احمد بن موسی ابن مردویه (م ۴۱۰ هـ) می‌گوید: «به بیش از صد طریق روایت رسیده است که آیه (تطهیر) درباره محمد، علی، فاطمه، حسن، حسین (ع) (نازل شده) است.»^{۲۷}
۲. محدث مشهور، مولی محسن فیض کاشانی (۱۰۰۷ - ۱۰۹۱ هـ) می‌گوید: «روایات مربوط به نزول آیه (تطهیر) درباره پنج تن آل عبا، از طریق (مذهب اهل بیت) و اهل سنت بیش از آن است که شمرده شود.»^{۲۸}

۳. سید هاشم بن سلیمان البحرانی (م ۱۱۰۷ هـ) در کتاب *غایة المرام و حجة الخصام* در خصوص اختصاص آیه تطهیر به پنج تن آل عبا (ع) حدود هشتاد حدیث و روایات نقل می‌کند که ۴۱ حدیث آن از طریق برادران اهل سنت و ۳۴ حدیث آن از طریق مذهب اهل بیت (ع) می‌باشد.^{۲۹}

۴. همچنین علامه سید محمد حسین طباطبایی (ره) در تفسیر المیزان تعداد این روایات را بیش از هفتاد حدیث می‌داند که بیشتر آنها از طریق برادران اهل سنت نقل شده است.^{۲۰}

گفتنی است که در میان راویان این روایات و احادیث، افرادی همچون ام سلمه، عایشه، ابوسعید خدری، و ائمه بن اسحاق، ابو حمرا، عبدالله بن عباس، ثوبان، سعد، عبدالله بن جعفر، امام علی(ع)، حسن بن علی(ع)، ابوذر غفاری، ابو لیلی، ابو الاسود دؤلی، عمرو بن میمون الاودی، سعد بن ابی وقاص و نیز امام باقر(ع) و امام صادق(ع) دیده می‌شوند.

همچنین بر اساس شواهد و قرائن موجود، روایات مزبور به حد تواتر رسیده و بر همین علت احتمال جعل در احادیث وجود ندارد. البته ممکن است در سند یا متن قسمتی از آنها مشکل وجود داشته باشد که در بخشهای بعدی به آن اشاره خواهد شد.

پس از بیان این مطالب، در این بخش روایات مربوط به آیه تطهیر را دسته بندی می‌کنیم. این روایات را می‌توان به پنج دسته تقسیم نمود:

۱. روایات مربوط به شأن نزول آیه تطهیر؛
۲. روایاتی که آیه تطهیر را به اهل بیت (ع) مرتبط می‌سازد؛
۳. روایات تسلیم (سلام دادن پیامبر اکرم (ص) به اهل البیت)؛
۴. روایاتی که بر عصمت اهل بیت (ع) دلالت دارد؛
۵. احتجاج کنندگان به آیه تطهیر درباره فضیلت اهل بیت (ع).

روایات مربوط به شأن نزول آیه تطهیر

طهر

بر اساس تعدادی از روایات که از طریق مذهب اهل بیت و اهل سنت نقل شده است، آیه تطهیر درباره پنج تن آل عبا (ع) و یا خمس طیبه (ع) نازل شده و شامل دیگران نمی‌شود.

الف) منابع مذهب اهل بیت (ع)

۱. ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی (ره) در حدیثی صحیح چنان نقل می‌کند که حضرت امام صادق (ع) فرمود:

... فلو سکت رسول الله (ص) فلم یبین من اهل بیته لادعاهها آل

فلان و آل فلان ولكن الله عزوجل انزله فی کتابه تصدیقاً لنبیه (ص)؛ *انما*

یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا، فکان علی و

الحسن و الحسین و فاطمة علیهم السلام، فأدخلهم رسول الله (ص) تحت

الکساء فی بیت ام سلمة، ثم قال: اللهم ان لكل نبی اهلاً و ثقیلاً و هؤلاء

۴
۳
۲
۱

▽

۱۱۸

اهل بيٲى و ثقلى، فقالت ام سلمة: ألتست من اهلك؟ فقال: انك الى خير و لكن هؤلاء اهل بيٲى و ثقلى؛^{۳۱} اگر پیامبر خدا (ص) ساكت نشست، اهل بيت خود را مشخص نمى كرده، خاندان فلان و خاندان فلان آن را برای خود ادعا مى كرده؛ ولى خداوند - عزوجل - در كتاب خود جهت تصديق پیامبرش (ص) آیه تطهير را نازل فرمود: «همانا خدا فقط مى خواهد پليدى و گناه را از شما اهل بيت دور كند و كاملاً شما را پاك سازد.» (در آن هنگام) على، حسن، حسين و فاطمه (ع) حضور داشتند. پیامبر اكرم (ص) آنها را در خانه ام سلمه زير «كساء» قرار داد و سپس گفت: خدايا، همانا برای هر پیامبرى اهلى و خاندانى است و اينان اهل بيت و خاندان من هستند. ام سلمه گفت: آيا من از اهل بيت تو نيستم؟ پیامبر (ص) فرمود: تو بر خير هستى ولى اينان اهل بيت و خاندان من اند.

۲. ابو جعفر محمد بن حسن طوسى (ره) از حضرت امام رضا (ع) و آن حضرت از پدران گرانقدرش و امام زين العابدين (ع) چنين نقل مى كند:

عن ام سلمة قالت: نزلت هذه الآية في بيٲى و فى يومى، كان رسول الله (ص) عندى فدعا علياً و فاطمة و الحسن و الحسين و جاء جبرئيل فمدّ عليهم كساءً فدكياً ثم قال: اللهم هؤلاء اهل بيٲى، اللهم اذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهيراً. قالت ام سلمة: فقلت يا رسول الله! و انا من اهل بيتك و جئت لادخل معهم، فقال: كوفى مكانك يا ام سلمة، انك الى خير انت من ازواج نبى الله؛^{۳۲} ام سلمه مى گويد: اين آيه در خانه من و در روز مربوط به من نازل شد. هنگام نزول آن، پیامبر خدا (ص) نزد من بود. آن حضرت (ص) على، فاطمه، حسن و حسين را فراخواند و جبرئيل (هم) آمد، سپس عباى فدكى را بر روى آنها كشيده و گفت: خدايا، اينان اهل بيت من هستند. خدايا، پليدى و گناه را از آنان دور كن و آنها را كاملاً پاك ساز. ام سلمه مى گويد: گفتيم: اى پیامبر خدا، من نيز از اهل بيت تو هستم، و آدمم تا همراه آنها (زير عبا) بروم. اما پیامبر اكرم (ص) فرمود: اى ام سلمه، تو در جاي خود باش. همانا تو بر خير و نيكى هستى؛ تو از همسران پیامبر خدا هستى.

همچنين روايات و احاديث مربوط به شأن نزول آيه تطهير را به همين مضمون مى توان در

منابع ذيل يافت:

۱. السأمالی، شیخ طوسی (۳۸۵ - ۴۶۰ هـ)، ص ۲۴۸، حدیث ۴۳۸، و ص ۲۶۳، حدیث ۴۸۲، و ص ۳۶۸، حدیث ۷۸۳؛
۲. السأمالی، شیخ صدوق (۳۰۵ - ۳۸۱ هـ) ص ۳۸۱، حدیث ۴؛
۳. الخصال، شیخ صدوق، ص ۴۰۳، حدیث ۱۱۳، و ص ۵۸۰، حدیث ۱؛
۴. تفسیر الفرات الکوفی، فرات بن ابراهیم الکوفی، ص ۳۳۶، حدیث ۴۵۷؛
۵. تأویل الآیات الظاهرة، سید شرف الدین الاستر آبادی، ص ۴۵۱؛
۶. غایة المرام و حجة الخصاص، سید هاشم البحرانی، ج ۳، ص ۲۰۱، حدیث ۲۱، و ج ۳، ص ۲۰۶، ح ۲۶، ج ۳، ص ۲۰۸، حدیث ۲۷؛
۷. کفایة الاثر، علی بن محمد القمی الرازی، ص ۶۶ و ۱۵۶؛
۸. تفسیر القمی، علی بن ابراهیم القمی، ج ۲، ص ۱۹۳؛
۹. تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، محمد بن محمد رضا المشهدی القمی، ج ۱۰، ص ۳۷۴ و ص ۳۷۷ - ۳۷۸؛
۱۰. تفسیر الصافی، مولی محسن فیض کاشانی، ج ۴، ص ۱۸۷؛
۱۱. تفسیر نور الثقلین، عبد علی بن جمعة الحویزی، ج ۴، ص ۲۷۰ حدیث ۸۴ و ۲۷۳، حدیث ۹۴؛
۱۲. علل الشرائع، شیخ صدوق، ص ۲۰۵، حدیث ۱ و ...

طهری

پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

(ب) منابع اهل سنت

۱. ابو جعفر محمد بن جریر طبری در تفسیر خود چنین نقل می کند:
عن ابی سعید الخدری قال: قال رسول الله (ص): نزلت هذه الآية في
خمسة: في و في علي رضي الله عنه و حسن رضي الله عنه و حسين رضي
الله عنه و فاطمة رضي الله عنها (انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل
البيت و يطهركم تطهيرا)؛^{۳۳} از ابو سعید خدری نقل شده است که گفت:
پیامبر خدا (ص) فرمود: این آیه درباره پنج تن نازل شده است که عبارتند از:
من و علی و حسن و حسین و فاطمه - رضی الله عنهم -
۲. ابو عبدالله حاکم نیشابوری چنین نقل می کند:

شماره ۹

▽

۱۲۰

عن ام سلمة رضى الله عنها قالت: في بيتي نزلت هذه الآية (ثم)
 يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت و يطهركم تطهيراً. قالت:
 فارسل رسول الله (ص) الى على و فاطمة و الحسن و الحسين رضوان الله
 عليهم اجمعين فقال: اللهم هؤلاء اهل بيتي؛^{٣٣} ام سلمه (رض) مى گوید: اين
 آيه در خانه من نازل شد و پيامبر خدا (ص) على، فاطمه، حسن و حسين -
 رضوان الله عليهم اجمعين - را نزد خود فرا خواند و چنين گفت: خدايا، اينسان
 اهل بيت من اند.

جناب حاکم نیشابوری در ذیل این حدیث شریف چنین می گوید:

هذا حدیث صحیح علی شرط البخاری و لم یخرجاه؛^{٣٥} این حدیث با
 شرط بخاری (برای صحت حدیث) موافق و صحیح است؛ ولی وی آن را
 نیاورده است.

گفتنی است که در منابع ذیل که همگی از منابع معروف اهل سنت به شمار می آیند، تقریباً
 همین مضمون یاد شده در خصوص نزول آیه تطهیر و اختصاص آن به پنج تن آل عبا (ع) موجود
 است:

١. جامع البیان عن تأویل آی القرآن، طبری (م ٣١٠ هـ)، ج ١٢، جزء ٢٢، ص ٦ - ٨؛

٢. تفسیر القرآن العظیم، ابن ابی حاتم (م ٣٢٧ هـ)، ج ٩، ص ٣١٣٢، حدیث ١٧٦٧٧ و

١٧٦٧٩؛

٣. تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر الدمشقی (م ٧٧٤ هـ)، ج ٣، ص ٤٩٤؛

٤. اسباب النزول، الواحدي النیشابوری (م ٤٦٨ هـ)، ص ٢٩٥؛

٥. سنن الترمذی، محمد بن عیسی الترمذی (٢٠٩ - ٢٩٧ هـ)، ج ٥، ص ٦٦٣ ح ٣٧٨٧ و

ج ٥، ص ٣٥١، ح ٣٢٠٥؛

٦. الدر المنثور فی التفسیر المأثور، جلال الدین سیوطی (م ٩١١ هـ)، ج ٦، ص ٦٠٣ و ٦٠٤؛

٧. المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری (م ٤٠٥ هـ)، ج ٣، ص ١٤٧، و ج ٢، ص ٤١٦؛

٨. شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، حاکم حسکانی (م ٤٧١ هـ)، ج ٢، ص ٢١، حدیث ٦٥٥

و ص ٢٢، حدیث ٦٥٧؛

٩. مناقب علی بن ابی طالب (ع)، علی بن محمد بن مغزلی شافعی (م ٤٨٣ هـ)، ص ٣٠٤، ح ٣٤٨؛

١٠. خصائص امیر المؤمنین (ع)، احمد بن شعیب النسائی (٢١٥ - ٣٠٣ هـ)، ص ٣٣ - ٣٥، ح ١١؛

۱۱. مناقب علی بن ابی طالب (ع)، احمد بن موسیٰ ابن مردویه (م ۴۱۰ هـ)، ص ۳۰۳، ج ۴۸۳؛

۱۲. المناقب، الموفق بن احمد المکی الخوارزمی (م ۵۶۸ هـ)، ص ۶۱ ج ۳۰ و ...

بررسی و جمع بندی روایات

- پس از ملاحظه روایات مربوط به شأن نزول آیه تطهیر می‌توان نتایج ذیل را به دست آورد:
۱. این آیه اختصاص به پیامبر اسلام (ص)، امام علی، حضرت فاطمه، حسن و حسین (ع) دارد.
 ۲. آیه تطهیر به هیچ وجه شامل همسران پیامبر و یا کسانی غیر از اهل بیت مذکور نمی‌شود.
 ۳. دعای پیامبر اسلام (ص) در خصوص اهل کساء و تلاوت آیه تطهیر، به خوبی نشان می‌دهد که منظور از اهل بیت مورد نظر در آیه تطهیر چه کسانی اند.
 ۴. جمع کردن امام علی، فاطمه، حسن و حسین (ع) در زیر عبا، نیز به خوبی بر اختصاص آیه تطهیر به اهل کساء دلالت دارد.
 ۵. به نظر می‌رسد که قسمت آخر آیه ۳۳ سوره احزاب که با عنوان «آیه تطهیر» معروف است، به صورت جداگانه بر پیامبر اسلام (ص) نازل شده است.

روایاتی که آیه تطهیر را به اهل بیت (ع) مرتبط می‌سازد

در بخش دیگری از احادیث، بدون اشاره و تصریح به شأن نزول آیه تطهیر، صرفاً بر اختصاص آیه تطهیر به اهل بیت (ع) تأکید می‌شود. در اینجا تعدادی از این روایات را از منابع فریقین ارائه می‌دهیم:

طهر

روایات مذهب اهل بیت (ع)

۱. عن التمیمی قال: دخلت علی عائشة فحدثتنا انها رأت رسول الله (ص) دعا علیاً و فاطمة و الحسن و الحسين (ع) فقال: اللهم هؤلاء اهل بیق، فأذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهیراً؛^{۳۶} تمیمی نقل می‌کند: نزد عایشه رفتم و او برای من چنان نقل کرد که (روزی) پیامبر اکرم (ص) را دیده‌ام که علی، فاطمه، حسن و حسین (ع) را فرا خواند و سپس گفت: خدایا، اینان اهل بیت من اند، رجس و پلیدی را از آنها دور کن و آنها را کاملاً پاک گردان.

۲. عن عبد الرحمن بن ابی لیلی قال: قال ابی: عن النبی (ص) انه قال

لعلی (ع): انا اول من یدخل الجنة و انت بعدی تدخلها و الحسن و الحسين

و فاطمة. اللهم انهم اهلي، فاذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهيراً؛^{۳۷} عبد الرحمن بن ابی لیلی انصاری از پدرش نقل می‌کند که پیامبر اکرم (ص) خطاب به علی (ع) فرمود: من نخستین کسی هستم که وارد بهشت می‌شوم و تو بعد از من داخل آن می‌شوی و حسن و حسین و فاطمه (پس از تو وارد آن می‌شوند). خدایا، همانا آنها اهل بیت (من اند، رجس و پلیدی را از آنان دور کن و آنها را کاملاً پاک گردان.

روایات اهل سنت

۱. عن ام سلمة: ان النبي (ص) جلل على الحسن الحسين و علی و فاطمة كساءً ثم قال: اللهم هولاء اهل بيتي و خاصتي، اذهب عنهم الرجس و طهرهم و تطهيراً. فقالت ام سلمة: و انا معهم يا رسول الله؟ قال: انك الي خير؛^{۳۸} ام سلمه می‌گوید: پیامبر اکرم (ص) بر حسن، حسین، علی و فاطمه کسایی پوشاند، سپس گفت: خدایا، اینان اهل بیت و خواص من هستند، پلیدی را از آنان دور کن و آنها را کاملاً پاک گردان. ام سلمه گفت: ای پیامبر خدایا آیا من نیز با آنها هستم؟ حضرت (ص) فرمود: همانا تو بر خیر و نیکی هستی.

ابو عیسی محمد بن عیسی ترمذی در ذیل این حدیث می‌نویسد:

هذا حدیث حسن و هو احسن شی روی فی هذا الباب؛^{۳۹} این حدیث حسن است و آن بهترین حدیثی است که در این باب (باب فضل فاطمه بنت محمد (ص)) روایت شده است.

۲. عن صفیة بنت شیبة: قالت عائشة: خرج النبي (ع) غداة و علیه مرط من شعر أسود، فجاء الحسن بن علی فأدخله، ثم جاء الحسين فدخل معه، ثم جائت فاطمة فأدخلها، ثم جاء علی فأدخله، ثم قال: انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت و يطهرکم تطهيراً؛^{۴۰} صفیة، دختر شیبه، نقل می‌کند که عایشه گفت: پیامبر اکرم (ص) هنگام با مداد با عبایی از پشم سیاه بیرون شد. حسن بن علی رسید، او را داخل عبا کرد. سپس حسین آمد و همراه او داخل (عبا) شد. سپس فاطمه آمد، او را داخل فرمود. پس از آن علی آمد و او را نیز داخل عبا کرد. سپس گفت: خدا فقط می‌خواهد پلیدی را از شما اهل بیت دور کند و شما را کاملاً پاک سازد.

بررسی و جمع بندی روایات

۱. فراخوانی علی، فاطمه، حسن و حسین (ع) و قرار دادن آنها در زیر کساء، نشان دهنده اختصاص آیه تطهیر به خمسه طیبه است.

۲. در هیچ یک از روایات صحیح و متواتر نقل نشده است که پیامبر اکرم (ص) چنین رفتاری را با یکی از همسران و یا سایر خویشاوندان خود (غیر از خمسه طیبه) انجام داده و یا آیه تطهیر را به آنها مرتبط نموده باشد.

۳. قرائت آیه تطهیر و یا دعا برای اهل کسا با استفاده از واژگان آیه تطهیر، به معنای اختصاص آیه به خمسه طیبه و تفسیر و تبیین اهل بیت مورد اشاره در آیه تطهیر توسط پیامبر (ص) است.

روایات تسلیم (سلام پیامبر به اهل بیت(ع))

قسمت دیگری از روایات مربوط به آیه تطهیر، روایات تسلیم است. در آیه ۱۳۲ سوره طه آمده است: «*و أمر اهلك بالصلاة واصطبر عليها*؛ و خانواده خود را به نماز فرمان ده، و بر انجام آن شکیبا باش.» بر اساس روایات متعدد، پیامبر (ص) نیز بر اساس همین دستور الهی، هر روز قبل از اقامه نماز به در خانه علی و فاطمه (ع) می‌رفت و پس از فراخوانی آنها به نماز، آیه تطهیر را خطاب به آنها می‌خواند.

البته در تعداد دفعات آمدن پیامبر اکرم (ص) به در خانه امام علی و فاطمه و سلام دادن به آنها و فراخواندن آنها به نماز و نیز قرائت آیه شریف تطهیر، اختلافاتی وجود دارد. در روایات مختلف چنین آمده است:

الف) پیامبر اکرم (ص) هر روز هنگام نماز صبح این کار را انجام می‌داد.

ب) پیامبر اکرم (ص) چهل روز، هنگام صبح، این کار را انجام داده است.

ج) پیامبر اکرم (ص) این کار را شش ماه هنگام نماز صبح انجام می‌داد.

د) پیامبر اکرم (ص) هشت ماه هنگام رفتن به نماز صبح این کار را انجام داده است.

ه) پیامبر اکرم (ص) این کار را نه ماه هنگام رفتن به نماز صبح انجام می‌داد.

و) پیامبر اکرم (ص) نه ماه و در هر روز پنج بار (هنگام نمازهای پنج‌گانه) این کار را انجام داده است.

اما این اختلافها چندان مهم نمی‌نماید و به نظر می‌رسد در مشاهده راوی حدیث ریشه دارد. بنابراین، تعیین مدت و تعداد تکرار این کار توسط پیامبر اکرم (ص)، با استفاده از این روایات ممکن نیست. آنچه مهم می‌نماید، این است که پیامبر عظیم‌الشان اسلام (ص) این کار را انجام داده است. در اینجا با استفاده از منابع فریقین نمونه‌هایی از روایات تسلیم را ذکر می‌کنیم:

طه

شماره ۸ و ۹

▽

۱۳۴

منابع مذهب اهل بیت (ع)

۱. عن علی (ع) قال: کان رسول الله (ص) یأتینا کسل غداة فیقول: الصلاة رحمة الله الصلاة؛ انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً؛^{۳۱} حضرت علی (ع) نقل می کند که پیامبر خدا (ص) هر روز صبح نزد ما آمده، می فرمود: نماز، خداوند شما را رحمت کند، نماز؛ «خدا فقط می خواهد پلیدی را از شما اهل بیت دور کند و شما را کاملاً پاک سازد».
۲. عن ابی سعید الخدری قال: کان رسول الله (ع) یأتی باب علی (ع) اربعین صباحاً، فیقول: السلام علیکم و رحمة الله و برکاته اهل البیت. انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً. انا حرب لمن حاربتهم و سلم لمن سالمتم؛^{۳۲} ابوسعید خدری نقل می کند که پیامبر اکرم (ص) به مدت چهار روز به در خانه علی (ع) آمده، چنین می فرمود: ای اهل بیت، سلام، رحمت و برکات خداوند بر شما باد. خدا فقط می خواهد پلیدی را از شما دور کند و شما را کاملاً پاک سازد. من با جنگ کننده با شما می جنگم و با کسانی که با شما دوست اند دوست می باشم.

منابع مذهب اهل سنت

۱. عن انس بن مالك ان رسول الله (ص) کان یر بیاب فاطمة ستة اشهر اذا خرج الی صلاة الفجر؛ یقول: الصلاة یا اهل البیت. انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً؛^{۳۳} انس بن مالک نقل می کند که پیامبر اکرم (ص) به مدت شش ماه هنگام رفتن به نماز صبح بر در (خانه) فاطمه گذر می کرد و چنین می گفت: نماز؛ (ای) اهل بیت، خدا فقط می خواهد پلیدی را از شما اهل بیت دور کند و شما را کاملاً پاک سازد.

ابو عیسی محمد بن عیسی ترمذی در ذیل این حدیث، آن را «حدیث حسن» معرفی کرده است.^{۳۴} ابو عبدالله حاکم نیشابوری نیز پس از نقل این حدیث می نویسد: «هذا حدیث صحیح علی

شرط مسلم و لم یخرجاه؛^{۳۵} این حدیث طبق شرط (صحت حدیث) مسلم (نیشابوری) موافق و صحیح ۱۲۵ است، ولی آن را نیاورده است.»

۲. عن ابی الحمراء قال: رأیت النبی (ص) اذا طلع الفجر جاء الی باب علی و فاطمة فقال: الصلاة، الصلاة، انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس

اهل البيت و يطهرکم تطهیراً؛^{۳۶} ابو حمراء نقل می‌کند: پیامبر (ص) را دیدم که هنگام طلوع فجر در (خانه) علی و فاطمه آمده، چنین گفت: نماز، نماز، خدا فقط می‌خواهد پلیدی را از شما اهل بیت دور کند و شما را کاملاً پاک سازد.

۳. عن ابی سعید الخدری قال: جاء رسول الله اربعین صباحاً الی باب علی بعد ما دخل بفاطمة فقال: السلام علیکم اهل البيت و رحمة الله و برکاته، الصلاة و رحمکم الله، انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البيت و يطهرکم تطهیراً؛^{۳۷} ابو سعید خدری می‌گوید: پیامبر خدا (ص) چهل صبح در (خانه) علی آمده، پس از دیدن فاطمه چنین می‌گفت: سلام بر شما ای اهل بیت و رحمت و برکات خداوند بر شما باد؛ نماز، رحمت خداوند بر شما فرو بارد. خدا فقط می‌خواهد هر گونه پلیدی را از شما اهل بیت دور کند و شما را کاملاً پاک سازد.

بررسی و جمع بندی روایات

۱. روایات تسلیم که جزئی از روایات مربوط به آیه تطهیر است، از اصحاب نسامداری همچون عبدالله بن عباس، ابو سعید الخدری، انس بن مالک، ابوالحمراء و نیز امامان معصوم مانند امام علی (ع)، امام صادق (ع) نقل شده است و اسناد تعدادی از آنها از نظر فریقین صحیح و قابل قبول است. بنابراین، با وجود اختلاف در تعداد دفعات این کار، می‌توان گفت که این کار اصولاً از حوادث مسلم و غیر قابل انکار است.

۲. آمدن به در خانه‌ای که در آن تنها علی و فاطمه و حسن و حسین (ع) بودند و تلاوت آیه تطهیر پس از فراخواندن اهل خانه به نماز، به خوبی منظور از اهل بیت در آیه تطهیر و نیز آیه ۱۳۲ سوره طه را روشن می‌سازد.

۳. در هیچ یک از روایات صحیح و قابل قبول نیامده است که پیامبر اکرم (ص) چنین رفتاری را با دیگری داشته باشد. بنابراین، روایات تسلیم نیز بر اختصاص آیه تطهیر به خمسۀ طیبه دلالت و تأکید روشنی دارند.

روایات مربوط به عصمت و طهارت اهل بیت (ع)

در تعداد دیگری از روایات بر عصمت و طهارت اهل بیت (ع) تصریح می‌شود که در اینجا برخی از آنها را می‌آوریم:

طه

تفسیر آیه ۱۳۲ سوره طه

▽

۱۲۶

منابع مذهب اهل بیت (ع)

۱. قال رسول الله (ص): انا و علی و الحسن و الحسين و تسعة من ولد الحسين مطهرون معصومون؛^{۴۸} پیامبر اکرم (ص) فرمود: من، علی، حسن و حسین و نه تن از اولاد حسین، مطهر و معصوم هستیم.
۲. قال رسول الله (ص): الائمة بعدی اثنا عشر عدد نقباء بنی اسرائیل کلهم أمناء اتقیاء معصومون؛^{۴۹} پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود: امامان پس از من (مانند) عدد نقبا (و رهبران) بنی اسرائیل دوازده نفرند که همه آنها امین، پرهیزگار و معصوم اند.

منابع مذهب اهل سنت

۱. قال رسول الله (ص): انا و اهل بیتی مطهرون من الذنوب؛^{۵۰} پیامبر اکرم (ص) فرمود: من و اهل بیت من از همه گناهان پاک و مطهر هستیم.
۲. قال رسول الله (ص): انا اهل بیت قد اذهب الله عنا الفواحش ما ظهر منها و ما بطن؛^{۵۱} پیامبر اکرم (ص) فرمود: و همانا ما اهل بیتی هستیم که خداوند از ما زشتیها (و گناهان) ظاهری و باطنی را دور کرده است.
۳. قال رسول الله (ص): نحن اهل بیت طهرهم الله من شجرة النبوة و موضع الرسالة؛^{۵۲} پیامبر اکرم (ص) فرمود: ما اهل بیتی هستیم که خداوند آنها را از (گناهان) پاک نموده است و (ما اهل بیت) از شجرة نبوت هستیم.

بررسی و جمع بندی روایات

۱. اگر به کتب حدیثی و تفسیری فریقین نگاه کنیم، خواهیم دید که پیامبر اسلام (ص) تنها خود و اهل بیت خود را که شامل حضرت فاطمه (س) و امامان دوازده گانه است معصوم و مطهر از همه گناهان معرفی می کند و این بر اختصاص آیه تطهیر به اهل بیت (ع) و ویژگی عصمت آنان دلالت دارد.

۲. همان گونه که از روایات مذکور به دست می آید، عصمت، یک ویژگی شخصی نیست، بلکه علاوه بر استعداد شخص، عنایت الهی نیز برای به دست آوردن آن لازم است.
۳. برای رهبری همه جانبه امت اسلامی کسانی لایق تر و مقدم اند که علاوه بر دارا بودن ویژگی الهی عصمت، و از هر گونه عیوب ظاهری و باطنی و نقصان و کمبود، پاک و منزّه باشند. پیامبر اسلام (ص) و اهل بیت (ع) آن حضرت چنین ویژگی الهی را دارا بودند.

احتجاج کنندگان به آیه تطهیر درباره فضیلت اهل بیت (ع)

در تعداد دیگری از روایات مربوط به آیه تطهیر، سخن از احتجاج افراد خاص به آیه تطهیر جهت اثبات برتری و فضیلت اهل بیت (ع) به میان آمده است. در اینجا نمونه‌هایی از این روایات را از منابع فریقین ذکر می‌کنیم:

منابع مذهب اهل بیت (ع)

۱. احتجاج امام علی (ع) به آیه تطهیر

قال امیر المؤمنین علی (ع): ان الله عزوجل فضلنا اهل البيت و كيف لا يكون كذلك و الله يقول في كتابه: *انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت و يطهرکم تطهیراً*. فقد طهرنا الله من الفواحش ما ظهر منها و ما بطن، فنحن علی منهاج الحق؛^{۵۳} حضرت امیر المؤمنین علی (ع) فرمود: همانا خداوند عزوجل ما اهل بیت را برتری بخشیده است و چگونه چنین نباشد، در حالی که خداوند - عزوجل - در کتاب خود می‌فرماید: خدا فقط می‌خواهد پلیدی را از شما اهل بیت دور کند و شما را کاملاً پاک سازد، پس خداوند ما را از زشتیها (و گناهان) ظاهری و باطنی تطهیر فرموده است و ما بر راه حق هستیم.

۲. امام علی (ع) در احتجاج دیگر خود خطاب به ابوبکر فرمود:

فأتشذك بالله و الی و لأهلئ و ولدی آیه التطهیر من الرجس ام لك و لأهل بیتك؟ قال: بل لك و لأهل بیتك؛^{۵۴} آیا آیه تطهیر از پلیدیها برای من، اهل بیت و فرزندان من است یا برای تو و خانواده‌ات؟ (ابوبکر در جواب) گفت: بلکه برای تو و اهل بیت توست.

احتجاج دیگر امام علی (ع) در روز شورا (روز تعیین خلیفه سوم بعد از مرگ عمر بن خطاب) خطاب به حاضران انجام شد و حضرت جهت اثبات برتری خود، فاطمه، حسن و حسین (ع) به آیه تطهیر استدلال فرمود.^{۵۵}

۴. احتجاج امام حسن (ع) به آیه تطهیر جهت اثبات برتری اهل بیت (ع) که پس از پذیرش صلح با معاویه ایراد شد.^{۵۶}

۵. احتجاج امام زین العابدین (ع) به آیه تطهیر در برابر طعن پیرمردی به هنگام ورود اسرای کربلا به شهر دمشق نیز موردی دیگر است. آن حضرت (ع) خود را مصداق اهل بیت مورد اشاره در آیه تطهیر دانسته است.^{۵۷}

طهر

شماره ۸ و ۹

▽

۱۲۸

۶ از موارد دیگر، احتجاج ام سلمه (رض) به آیه تطهیر جهت اثبات برتری امام علی، فاطمه، حسن و حسین (ع) است و خطاب به عمره الهمدانیه بیان شده است.^{۵۸}

۷. احتجاج زید بن علی الحسین (ع) به آیه تطهیر در خصوص عدم شمولیت آیه تطهیر به همسران پیامبر اکرم (ص)، از نمونه‌های دیگر است.^{۵۹}

منابع مذهب اهل سنت

۱. احتجاج امام حسن بن علی (ع) به آیه تطهیر در منابع اهل سنت نقل شده است. ابو عبدالله حاکم نیشابوری در کتاب المستدرک علی الصحیحین نقل می‌کند که حضرت امام حسن (ع) پس از شهادت امام علی (ع) خطبه ای خواند و چنین فرمود:

ایها الناس! من عرفنی فقد عرفنی و من لم یعرفنی فأنا الحسن بن علی و انا من اهل البيت الذی اذهب الله عنهم الرجس و طهرهم تطهیراً؛^{۶۰} ای مردم، هر کس مرا شناخت، همانا مرا شناخته است و هر کس مرا نمی‌شناسد، من حسن پسر علی هستم و من از اهل بیتی هستم که خداوند پلیدی را از آنها دور کرده و آنان را کاملاً پاک گردانیده است.

۲. حافظ عبد الرحمن بن ادریس بن ابی حاتم و دیگر مفسران و محدثان اهل سنت نقل می‌کنند که حضرت امام حسن (ع) پس از به خلافت رسیدن، هنگام خواندن نماز، با خنجر مردی زخمی شد. آن حضرت پس از آن حادثه منبر رفت و چنین فرمود:

یا اهل العراق! اتقوا الله فینا، فانا امرؤکم و ضیفانکم و نحن اهل البيت الذی قال الله: انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البيت و یطهرکم تطهیراً. قال (ابو جمیل): فما زال یقولها حتی ما بقی احد من اهل المسجد الا هو یحکم بکاء؛^{۶۱} ای اهل عراق، درباره ما از خدا بترسید. همانا ما رهبران و میهمانان شما هستیم و ما اهل بیتی هستیم که خداوند فرمود: «خدا فقط می‌خواهد پلیدی را از شما اهل بیت دور کند و شما را کاملاً پاک سازد». (ابو جمیل) گفت: آن حضرت (ع) بیوسته این سخنان را می‌گفت تا این که در مسجد همه گریان شدند.

۳. احتجاج امام زین العابدین (ع) به آیه تطهیر نیز در منابع اهل سنت آمده است. محمد بن جریر طبری، ابو الفدا اسماعیل بن کثیر و دیگران چنین نقل می‌کنند:

عن ابی الدیلم قال: قال علی بن الحسین رضی الله عنهما لرجل من اهل الشام: اما قرأت فی الاحزاب: انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل

البيت و يطهرکم تطهیراً؛ قال: نعم و لأنتم هم؟ قال (رضی الله عنه):

نعم؛^{۶۲} ابو الدلیلم می گوید: علی بن الحسین - رضی الله عنهما - به مردی از

اهل شام گفت: آیا در سوره احزاب خوانده‌ای: «خدا فقط می خواهد پلیدی را

از شما اهل بیت دور کند و شما را کاملاً پاک سازد». آن مرد گفت: آری

(خوانده‌ام). آیا شما آنان هستید؟ حضرت گفت: آری.

۴. مورد دیگر، احتجاج ام مؤمنین ام سلمه (رض) به آیه تطهیر جهت اثبات برتری امام علی،

فاطمه، حسن و حسین (ع) خطاب به عمره همدانیه است.^{۶۳}

۵. احتجاج وائله بن الاسقع لیشی به آیه تطهیر جهت اثبات برتری امام علی (ع) در حضور

تعدادی از مسلمانان، نمونه‌ای دیگر است.^{۶۴}

۶. احتجاج عبدالله بن عباس به آیه تطهیر جهت اثبات برتری امام علی، فاطمه، حسن و حسین

(ع) هنگام مناظره با گروهی از مردم نیز در منابع اهل سنت آمده است.^{۶۵}

۷. احتجاج سعد بن ابی وقاص به آیه تطهیر جهت اثبات برتری امام علی، فاطمه، حسن و

حسین (ع) هنگام سخن گفتن با معاویه هم موردی دیگر برشمرده می‌شود.^{۶۶}

بررسی و جمع بندی روایات

آنچه به طور کلی از روایات مذکور - در خصوص احتجاج به آیه تطهیر - به دست می‌آید، ایسن

است که در طول تاریخ احتجاج کنندگان به آیه تطهیر یا خود اهل بیت (ع) بوده‌اند و یا دیگران به

این آیه شریفه احتجاج کرده‌اند و به وسیله آن جهت اثبات برتری و فضیلت اهل بیت (ع) تلاش

نموده‌اند. همه اینها نشان دهنده اختصاص آیه تطهیر به اهل بیت عصمت و طهارت (ع) است.

در تاریخ اسلام غیر از اهل بیت (ع) کسانی را سراغ نداریم که پس از نزول آیه تطهیر خود را

مصدق آن معرفی کرده باشند.

بخش سوم: آیه تطهیر از دیدگاه مفسران فریقین

پس از تبیین و تفسیر اجمالی آیه تطهیر و بررسی آن از دیدگاه احادیث و روایات فریقین، در

این بخش با رعایت اختصار، آیه را از دیدگاه مفسران مذهب اهل بیت (ع) و اهل سنت بررسی

می‌کنیم و سپس به جمع بندی دیدگاهها می‌پردازیم. با توجه به اینکه ذکر همه یا بیشتر دیدگاههای

مفسران فریقین در این اثر ممکن نیست، در این بخش تنها دیدگاه معروفترین مفسران را با رعایت

اختصار بیان خواهیم کرد.

طهر

۱۳۰

▽

۱۳۰

آیه تطهیر از دیدگاه مفسران مذهب اهل بیت (ع)

۱. شیخ طوسی (۳۸۵ - ۴۶۰ هـ) در تفسیر خود، در ذیل آیه تطهیر پس از نقل روایات مربوط به آن و تصریح به اختصاص آن به خمسه طیبه (ع)، نتیجه می‌گیرد که آیه شریفه تطهیر بر عصمت و پاکی اهل بیت (ع) از گناهان دلالت می‌کند.^{۶۷}

۲. شیخ علی بن ابراهیم قمی از علمای قرن سوم و چهارم هجری در تفسیر خود، ابتدا با نقل حدیثی از امام باقر (ع) در مورد شأن نزول آیه تطهیر، بر اختصاص آیه به اصحاب کسا و عدم شمولیت آن به همسران پیامبر، تصریح می‌نماید و سپس با استدلال به مسئله ضامئ مذكر و مؤنث در آیه تطهیر، اختصاص آن به خمسه طیبه را اثبات می‌کند.^{۶۸}

۳. شیخ طبرسی (م ۵۴۸ هـ) در تفسیر مجمع البیان، در ذیل آیه تطهیر و پس از بررسی و بحث

ادبی می‌نویسد:

و قد اتفقت الامة بأجمعها على أن المراد بأهل البيت في الآية، أهل

بیت نبینا (ص)؛ همانا امت (اسلامی) به طور کلی اتفاق نظر دارند که منظور

از اهل بیت در آیه، اهل بیت پیامبر (ص) ماست.

ایشان در ادامه با ذکر چند روایت متعدد به یکی از شبهات مربوط به آیه تطهیر جواب

می‌دهد.^{۶۹}

۴. شیخ محمد جواد مغنیه (۱۹۰۴ - ۱۹۷۹ م) در التفسیر الکاشف ذیل آیه شریفه تطهیر، بحث

مفصل و جالبی را مطرح می‌کند و چنین می‌نویسد:

و قد استدل الشيعة بهذه الآية على عصمة اهل البيت و لا معنى

للعصمة الا الظهارة من الذنوب؛ همانا شیعیان به وسیله همین آیه به

عصمت اهل بیت استدلال کرده‌اند و منظور از عصمت چیزی جز طهارت و

پاکی از گناهان نیست.

ایشان در ادامه به نقل روایاتی از منابع اهل سنت پرداخته است که در آنها بر اختصاص آیه

تطهیر به خمسه طیبه تأکید می‌شود و سپس یکی از شبهات مربوط به آیه تطهیر را مورد بررسی و

نقد قرار می‌دهد.^{۷۰}

۵. علامه سید محمد حسین طباطبایی نیز در تفسیر المیزان در خصوص آیه شریفه تطهیر،

بحث مفصلی را مطرح می‌کند و پس از تبیین ادبی آیه و نتیجه‌گیری از آنها، با نقل روایات مربوط

چنین می‌گوید:

بسیاری از این روایات و به خصوص آنچه از ام سلمه - که آیه در خانه

وی نازل شده - روایت شده است، تصریح دارد که آیه مخصوص همان پنج

تن (پیامبر، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام) است و شامل
همسران رسول خدا (ص) نیست.^{۷۱}

بررسی و جمع بندی دیدگاهها

۱. مفسران مذهب اهل بیت، منظور از اهل بیت در آیه تطهیر را اهل بیت نبوت می‌دانند و بر اساس ادله و شواهد متعدد تصریح دارند که هنگام نزول آیه تطهیر، این آیه مخصوص پنج تن آل عبا (ع) بوده است.
۲. نباید فراموش کرد که خود پیامبر اسلام (ص) نیز یکی از مخاطبان آیه تطهیر بوده است. بنابراین، دیدگاه مرحوم شیخ طبری که منظور از اهل بیت در آیه تطهیر را اهل بیت پیامبر اسلام (ص) می‌داند، دارای اشکال اساسی است؛ چون بر اساس روایات متعدد، خود پیامبر اکرم (ص) نیز مورد خطاب همین آیه بوده است.
۳. مفسران مذهب اهل بیت (ع) آیه تطهیر را دلیل اساسی بر عصمت اهل بیت مورد اشاره آیه تطهیر می‌دانند و معتقدند که آنان هیچ گاه دچار اشتباه و گناه نمی‌شوند.
۴. مفسران مذهب اهل بیت (ع) مسئله سیاق را یک اصل مطلق و بدون استثنا نمی‌دانند و با استدلال به ادله، شواهد و قرائن متعدد و غیر قابل انکار، آیه تطهیر را مختص به خمه طیبه (ع) می‌شمارند.

آیه تطهیر از دیدگاه مفسران مذهب اهل سنت

۱. محمد بن جریر طبری (۲۲۴ - ۳۱۰ هـ) در تفسیر جامع البیان - معروف به تفسیر الطبری - در ذیل آیه تطهیر، ابتدا به تبیین اجمالی آیه می‌پردازد و سپس به دو دیدگاه مربوط به آیه تطهیر اشاره می‌کند که یکی از آنها اختصاص آیه به پنج تن آل عبا (ع) و دیگری اختصاص آن به همسران رسول خدا (ص) است.
- گفتنی است که طبری در ذیل دیدگاه اول چهارده روایت را می‌آورد، ولی در ذیل دیدگاه دوم تنها به نقل یک روایت از عکرمه می‌پردازد. طبری دیدگاه خود را در این خصوص بیان نکرده، ولی چنین به نظر می‌رسد که وی متمایل به دیدگاه اول و اختصاص آیه به خمه طیبه است که در همین خصوص تعداد قابل توجهی روایت نیز نقل کرده است.^{۷۲}
۲. فخر رازی (۵۵۴ - ۶۰۴ هـ) در تفسیر خود و در ذیل آیه چنین می‌نویسد:

دیدگاهها درباره اهل بیت مختلف است و بهترین قول این است که گفته شود: منظور از آن فرزندان و همسران پیامبر است و حسن و حسین از آنان اند و علی نیز از آنان است؛ چون به سبب معاشرت با دختر پیامبر (ص) و همراهی با آن حضرت (ص)، جزء اهل بیت بوده است.^{۷۳}

طبری

تفسیر
جامع
الطبری

▽

۱۳۲

۳. ابو عبدالله محمد بن احمد قرطبی (م ۶۷۱ هـ) در تفسیر خود و در ذیل آیه تطهیر، پس از بیان چند دیدگاه درباره آیه چنین می‌گوید: «آنچه از آیه (تطهیر) روشن می‌شود، این است که آیه تطهیر شامل همه اهل بیت - اعم از همسران پیامبر و دیگران می‌شود.»^{۷۴}

۴. ابوالفداء اسماعیل بن کثیر دمشقی شافعی (۷۰۱ - ۷۷۴ هـ) در تفسیر القرآن العظیم، بحث مفصلی درباره آیه تطهیر می‌آورد و با رد اختصاص آن به همسران رسول خدا (ص)، چنین نتیجه می‌گیرد که آیه تطهیر شامل اهل کسا (خمسه طیبه) و نیز همسران رسول خدا (ص) است که علت اصلی آن نیز مسئله سیاق - مربوط بودن آیات قبل و بعد آیه تطهیر به همسران - است.^{۷۵}

۵. ابو سعید عبدالله بن عمر بیضاوی (م ۷۹۱ هـ) نیز در تفسیر خود، پس از توضیح و تبیین مختصر آیه، ضمن نقل یک روایت مربوط به آیه تطهیر که در آن به ارتباط آیه تطهیر به خمسه طیبه (ع) تصریح می‌شود، دیدگاه مذهب اهل بیت (ع) در خصوص اختصاص آیه تطهیر به پنج تن آل عبا (ع) را نقد می‌کند و نتیجه می‌گیرد که آیه تطهیر هم شامل خمسه طیبه (ع) و هم شامل همسران رسول خدا (ص) است. دلیل بیضاوی در این خصوص، مسئله سیاق است.^{۷۶}

بررسی و جمع بندی دیدگاهها

۱. طبری در تفسیر خود تلویحاً بر اختصاص آیه تطهیر به خمسه طیبه (ع) اشاره می‌کند، ولی از چنین مفسر بزرگی انتظار می‌رفت که همچون تفسیر سایر آیات قرآنی، دیدگاه خود را به صراحت بیان می‌نمود و از پنهان کاری پرهیز می‌کرد.

۲. دیدگاه فخر رازی، قرطبی، ابن کثیر و بالاخره بیضاوی، مطلبی است که به طور صریح با آیات نورانی قرآن کریم، روایات صحیح و متواتر و نیز سایر شواهد و قرائن مخالف و متضاد است که در بخش چهارم درباره آن به طور مفصل سخن خواهیم گفت.

۳. مسئله سیاق که مفسران اهل سنت درباره آیه تطهیر به آن استدلال نموده‌اند، قاعده استثنای ناپذیری نیست که بتوان در هر موردی به آن استدلال و تکیه نمود.

۴. با این حال، به طور کلی بیان همین مقدار از حقیقت که آیه تطهیر شامل خمسه طیبه نیز می‌شود، در جای خود بسیار امید بخش است.

بخش چهارم: نقد و بررسی شبهات، ابهامات و سؤالات مربوط به آیه تطهیر

آنچه در سه بخش گذشته درباره آن بحث شد، شامل مطالبی بود که بر اختصاص آیه تطهیر به پنج تن آل عبا (ع) تأکید می‌کرد. در این بخش به نقد و بررسی شبهات، ابهامات و سؤالاتی خواهیم پرداخت که از زمانهای گذشته تاکنون از سوی افرادی درباره دیدگاه مذهب اهل بیت (ع) در خصوص آیه تطهیر مطرح شده است.

۱. آیه تطهیر و همسران پیامبر اکرم (ص)

یکی از شبهات مهم درباره دیدگاه مذهب اهل بیت (ع) در خصوص آیه تطهیر، این است برخی ادعا می‌کنند که آیه تطهیر اختصاص به همسران پیامبر اکرم (ص) دارد و شامل دیگران نمی‌شود. مدعیان این دیدگاه به چند روایت ضعیف و چه بسا جعلی استدلال می‌کنند که آنها را در اینجا ذکر می‌کنیم:

۱. عکرمه از عبد الله بن عباس نقل می‌کند که درباره آیه تطهیر گفت: این آیه به طور خاص درباره همسران رسول خدا نازل شده است.^{۷۷}

۲. علقمه روایت می‌کند که عکرمه در بازار فریاد می‌زد که این آیه به طور خاص درباره همسران پیامبر خدا نازل شده است.^{۷۸}

۳. از عروة بن زبیر نقل شده است که می‌گوید: منظور از اهل بیت در آیه تطهیر همسران پیامبر است و آیه در خانه عایشه نازل شده است.^{۷۹} گفتنی است که چنین ادعایی به سعید بن جبیر نیز نسبت داده شده است.^{۸۰}

نقد و بررسی

۱. نص صریح قرآن کریم شمولیت آیه تطهیر بر همسران پیامبر اکرم (ص) را شدیداً انکار می‌کند. در برخی از آیات قرآن، بعضی از همسران رسول خدا (ص) مورد سرزنش و تهدید قرار گرفته‌اند که در اینجا به دو نمونه اشاره می‌شود:

الف) سورة تحریم، آیات چهارم و پنجم:

ان تتوبا الی الله فقد صغت قلوبكما و ان تظاهرا علیه فان الله هو

مولاه و جبریل و صالح المؤمنین و الملائكة بعد ذلك ظهیراً، عسی ربه ان

طلقن ان بیدله ازواجاً خیراً منکن... اگر شما [دو تن از همسران پیامبر] از

کار خود توبه کنید، [کاری از پیش نخواهید برد]؛ زیرا خداوند یاور اوست و

همچنین جبرئیل و مؤمنان صالح و فرشتگان بعد از آنان پشتیبان او هستند.

امید است اگر او [پیامبر] شما را طلاق گوید، پروردگارش به جای شما

همسرانی بهتر برایش قرار دهد.

بر اساس روایات و اعترافات دانشمندان فریقین، این آیات درباره عایشه دختر ابو بکر، و حفصه دختر عمر، نازل شده است که آنها به آزار و اذیت رسول خدا (ص) روی آوردند و با نزول آیات فوق مورد تهدید و سرزنش قرار گرفتند.^{۸۱}

طهری

تفسیر
سوره
۸۰
۹

▽

۱۳۴

ب) سورة حجرات، آية يازدهم:

يا ايها الذين آمنوا لا يسغروا قوم من قوم... و لا نساء من نساء
عسى ان يكن خيراً منهن؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نباید گروهی از
مردان شما گروه دیگر را استهزا کنند... و نه زنانی از زنان دیگر [به استهزا]
یاد کنند. شاید آنان بهتر از اینان باشند.

همچنین بر اساس روایات موجود و اعتراف مفسران فریقین، قسمت مربوط به نهی از استهزای
زنان در این آیه درباره عایشه و حفصه نازل شده است آن دو ام المؤمنین ام سلمه را به خاطر لباس
یا به جهت کوتاهی قدش مورد استهزا قرار می‌دادند که خداوند متعال این آیه را نازل نمود و آنها را
از این کار نهی فرمود.^{۸۲}

رسول گرامی اسلام (ص) می‌فرماید:

ان علی کل حق حقیقة و علی کل صواب نوراً، فما وافق کتاب الله
فخذوه و ما خالف کتاب الله فدعوه؛^{۸۳} همانا برای هر حقی و برای هر
صوابی نوری است. پس آنچه را با کتاب خدا [کتاب] موافق بود، بگیرید و
آنچه را با کتاب خدا مخالف است، ترک کنید.

آیه تطهیر از عصمت و بی‌گناهی اهل بیت مورد خطاب سخن می‌گوید و از طرف دیگر برخی
از همسران رسول خدا (ص) مورد سرزنش و تهدید قرآن کریم قرار گرفته‌اند و حتی در آیه سوره
تحریم، همسران مورد خطاب بهتر از زنان دیگر شناخته نشده‌اند، لذا روایات منقول و یا منسوب به
افرادى همچون عبد الله بن عباس عکرمه، عروة بن زبیر و سعید و بن جبیر چنان اهمیتی ندارد و
حتی در صورت صحیح و مورد اعتماد بودن سند آنها - که چنین هم نیست - در برابر صریح آیات
نورانی تضعیف و کنار گذاشته می‌شوند.

۲. حقایق انکار ناپذیر تاریخی که مورد قبول فریقین است، مانع می‌شود که آیه تطهیر
همسران پیامبر اسلام (ص) را شامل گردد و ذکر یک نمونه در این خصوص کافی است. همان گونه
که می‌دانید، در زمان خلافت امام علی (ع) در شهر بصره و در سال ۳۶ هـ جنگی به نام جمل رخ
داد. این جنگ به رهبری یکی از همسران پیامبر اسلام (ص)، ام المؤمنین، عایشه بنت ابی بکر،
اتفاق افتاد و در جای خود موجب خونریزی و تلفات بسیاری شد که بهتر است در این خصوص
دیدگاه مورخان مشهور را بدانیم.

۱. محمد بن جریر طبری (۲۲۴ - ۳۱۰ هـ)، در تاریخ خود تعداد کشته شدگان جنگ جمل را ده هزار نفر می‌نویسد.^{۸۴}

۲. احمد بن سهل بلخی (م ۳۲۲ هـ) تعداد کشته‌های جنگ جمل را دوازده هزار نفر می‌داند.^{۸۵}

۳. علی بن الحسین مسعودی (م ۳۴۶ هـ) در این خصوص رقم سیزده هزار نفر را نوشته است.^{۸۶}

۴. عبد الرحمن بن علی جوزی (م ۵۹۷ هـ) در این باره رقم ده هزار نفر را ذکر نموده است.^{۸۷}

۵. ابن اثیر (۵۵۵ - ۶۳۰ هـ) در تاریخ خود، تعداد کشتگان جنگ جمل را ده هزار نفر داشته است.^{۸۸}

۶. جلال الدین سیوطی (م ۹۱۱ هـ) در این خصوص رقم سیزده هزار نفر را ذکر نموده است.^{۸۹}

آیه تطهیر از عصمت و بی‌گناهی اهل بیت مورد خطاب سخن می‌گوید و از طرف دیگر، قیام علیه خلیفه بر حق مسلمانان و ریختن خون مسلمانان و ایجاد فتنه و آشوب، بدون استتار کار حرام و گناه بزرگ به حساب می‌آید. از این رو، آیه تطهیر به هیچ وجه نمی‌تواند شامل همسران رسول خدا (ص) شود.

۳. با عنایت به اصل حجیت ظواهر قرآن کریم، بسیار بعید است که آیه تطهیر شامل همسران رسول خدا (ص) باشد. چون در آیه تطهیر بر خلاف آیات قبل و بعد، تنها ضمایر مذکر به کار رفته است و به جای «عنکن» و «یطهرکن»، عبارتهای «عنکم» و «یطهرکم» آمده است که این هم همسران پیامبر اکرم (ص) را از دایره شمولیت آیه تطهیر خارج می‌سازد.

۴. طبق اعتراف فریقین، پیامبر اسلام (ص) مفسر و مبین حقیقی آیات قرآن کریم است. بر اساس روایات صحیح و متواتر فریقین، پیامبر اکرم (ص) آیه تطهیر را هنگام نزول و بعد از آن برای امت خود به خوبی تفسیر نموده و مصداق و مصادیق اهل بیت در آیه تطهیر را روشن ساخته است که به هیچ وجه شامل همسران پیامبر اسلام (ص) نمی‌شود. اگر چنین احتمالی وجود داشت، پیامبر اسلام (ص) به ام المؤمنین ام سلمه (رض) اجازه ورود به داخل کسا را می‌داد و او نیز جزئی از اهل بیت مورد اشاره در آیه تطهیر می‌شد.^{۹۰}

۵. همان گونه که در قسمت آخر بخش دوم ذکر شد، در طول تاریخ تنها امامان معصوم (ع) برای اثبات برتری خود به آیه تطهیر احتجاج و استدلال کرده‌اند. همچنین دیگران نیز جهت اثبات و اختصاص آیه تطهیر به اهل البیت (ع) احتجاج و استدلال نموده‌اند که این هم قرینه مهمی برای اختصاص آیه تطهیر به اهل کساء (ع) است.

طبری

۱۳۶

▽

۱۳۶

ع در خصوص روایات منقول و یا منسوب به ابن عباس، سعید بن جبیر، عروة بن زبیر و عکرمة باید گفت که عبد الله بن عباس و سعید بن جبیر در واقع بی گناهان متهم به حساب می آیند که دیگران جهت رسیدن به هدف شوم خود به نام آنها دست به جعل روایت زده اند. چون عبدالله بن عباس از جمله اصحابی به حساب می آید که در خصوص اختصاص آیه تطهیر به خمس طیه (ع) روایات بسیاری را نقل کرده است.^{۹۱}

همچنین سعید بن جبیر نیز از بی گناهان متهم به شمار می آید و تنها در روایتی با عنوان «من طریق سعید بن جبیر عن ابن عباس» آمده است که گویا ابن عباس آیه تطهیر را مخصوص زنان پیامبر اسلام (ص) دانسته است.^{۹۲} بنابراین، نمی توان سعید بن جبیر را دارای چنین عقیده ای دانست و بدون شک این روایت هم از روایات جعلی است.

اما مسئله در مورد عروة بن زبیر و عکرمة کمی فرق می کند.

عروة بن زبیر از دشمنان بنی هاشم و اهل بیت (ع) به شمار می آید و نسبت به امام علی (ع) بدگویی می کرد و حتی برخی از دانشمندان رجالی وی را از تابعینی شمرده اند که در مقابل اخذ پول از معاویه درباره امام علی (ع) احادیث زشت می ساختند.^{۹۳}

درباره عکرمة، برده آزاد شده عبد الله بن عباس، نیز دو دیدگاه مطرح شده است:

۱. در یک دیدگاه منفی، بر اساس شواهد موجود، عکرمة از افراد کینه توز اهل بیت (ع) است و در مورد وی اتهام خارجی بودن و داشتن عقاید خوارج و نیز اتهام جعل حدیث مطرح شده است.^{۹۴}
۲. در یک دیدگاه مثبت، عکرمة از این اتهامات دور بوده و دشمنان اهل بیت (ع) جهت بدنام کردن او دست به جعل حدیث زده اند.^{۹۵}

درباره عکرمة و عروة هر دیدگاهی را بپذیریم و حتی اگر روایات آنها گرچه صحیح السند هم باشد - که چنین نیست - باز به اختصاص آیه تطهیر به خمس طیه و عدم دلالت آن بر همسران پیامبر اسلام (ص) خللی وارد نخواهد شد. ضمناً نباید فراموش کرد که عروة تنها دو نفر از تابعان اند و دیدگاه آنها نمی تواند روایات صحیح و متواتر پیامبر (ص)، ائمه (ع) و اصحاب و سایر تابعین را مورد خدشه قرار دهد.

۲. آیه تطهیر، همسران و اهل بیت پیامبر اکرم (ص)

بر اساس دیدگاه اکثر مفسران مذهب اهل سنت، آیه تطهیر علاوه بر خمس طیه (ع) شامل همسران پیامبر اکرم (ص) نیز می شود عمده ترین دلیل آنها در این خصوص دو چیز است:

الف) سیاق آیه تطهیر، دلیل نخستین است. آیات قبل و بعد از آیه، مخصوص همسران پیامبر اکرم (ص) و خطاب به آنهاست، مفسرانی همچون فخررازی، قرطبی، ابن کثیر دمشقی، و ثعالبی مالکی در تفاسیر خود به آن تصریح نموده‌اند.^{۹۶}

ب) چند روایت منقول از ام سلمه (ره) دلیل دیگر است. وی پس از نقل حادثه نزول تطهیر و جمع کردن علی، فاطمه، حسن و حسین (ع) در زیر کساء، از آن حضرت (ص) می‌پرسد: یا رسول الله! آیا هم من از اهل بیت هستم؟ و پیامبر اکرم (ص) در جواب او می‌فرماید: آری انشاء الله.^{۹۷}

نقد و بررسی

در اینجا ابتدا مسئله سیاق آیه تطهیر را بررسی می‌کنیم و سپس به نقد و بررسی روایات مذکور خواهیم پرداخت.

سیاق آیه تطهیر

۱. همان گونه که قبلاً گفته شد، مسئله سیاق موضوعی نیست که بتوان به طور مطلق و بدون استثنا به آن استدلال نمود. چون بر اساس روایات منقول از اهل بیت (ع)، ممکن است اول آیه درباره چیزی، وسط آن درباره چیز دیگر و آخر آن درباره چیز سومی نازل شده باشد.^{۹۸}
۲. طبق گفته شیخ طبرسی، این از عادت فصاحت است که در کلام خود از یک خطاب به خطاب دیگر روند و دوباره به آن خطاب اولی برگردند قرآن کریم مملو از این موارد است.^{۹۹}
۳. همان گونه که از روایات مربوط به شأن نزول آیه تطهیر استفاده می‌شود، قسمت «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً» که با عنوان آیه تطهیر شهرت یافته است، به صورت مستقل نازل شده است. اما طبیعی است که بعداً با دستور پیامبر اسلام (ص) در لابه لای آیات مربوط به همسران پیامبر اکرم (ص) آمده است.
۴. یکی از معصر در مقام بیان علت قرار گرفتن آیه تطهیر در میان آیات مربوط به همسران پیامبر اسلام (ص) مفسران می‌نویسند:

قرآن می‌خواهد به همسران پیامبر (ص) بگوید: شما در میان خانواده‌ای قرار دارید که گروهی از آنان معصوم‌اند. کسی که در زیر سایه درخت عصمت و درد کانون معصومان قرار گرفته، سزاوار است که بیش از دیگران مراقب خود باشد.^{۱۰۰}

۵. ممکن است علت قرار گرفتن آیه تطهیر در میان آیات مربوط به همسران پیامبر اکرم (ص) به جهت یکی از دو مورد ذیل باشد. البته این جواب نیز از جهتی مؤید جوابهای پیشین است:

طبرسی

تفسیر
طبرسی
۱۰۰



الف) التفات

التفات یکی از شیوه های بیانی است که مردم در مکالمات خود از آن بهره می‌برند و موجب زیبایی و رونق کلام می‌شود. شاید بهترین مثال برای مسئله التفات سوره فاتحه باشد که در ابتدای این سوره به صیغه غایب از خداوند سخن می‌گوید و به دنبال آن با عبارت «ایاک نعبد و ایاک نستعین»، خداوند متعال مورد خطاب قرار می‌گیرد. آیات مربوط به همسران پیامبر اکرم (ص) و آیه تطهیر نیز می‌تواند نمونه دیگر این مطلب باشد.

ب) جمله معترضه

همچنین می‌توان آیه تطهیر را به عنوان جمله معترضه در میان آیات مربوط به همسران پیامبر اکرم (ص) به حساب آورد. استفاده از جمله معترضه در قرآن کریم بی سابقه نیست و می‌توان برای آن نمونه های متعددی در قرآن کریم یافت.^{۱۰۱}

بررسی روایات منقول از ام المؤمنین ام سلمه (ره)

در خصوص چند روایت منقول از ام سلمه (ره) که مدعیان شمولیت آیه تطهیر به همسران پیامبر اکرم (ص) به آن روایات استدلال نموده اند، به چند نکته اشاره کنیم:

۱. خود این پرسش - «آیا من هم از اهل بیت هستم؟» - که ام سلمه (رض)، مطرح کرده، نشان دهنده آنست که کلمه اهل البیت مورد بحث در آیه تطهیر، برای ورود وی در مدلول آیه تطهیر کفایت نمی‌کند و اگر چنین بود، سؤال بی مورد می‌نمود.

۲. این چند روایت، در مقام نخست، مخالف با روایات متواتر و احیاناً صحیحی است که در آنها پیامبر اکرم (ص) به ام سلمه (رض) جهت ورود به داخل کسا جواب منفی می‌دهد و بر عدم شمولیت آیه تطهیر به ام سلمه (رض) تأکید می‌ورزد. از طرف دیگر، راوی این روایت، خود ام سلمه (رض) است. حتی در برخی روایات آمده است که ام سلمه می‌گوید:

پس از اتمام دعای پیامبر اکرم (ص) درباره اهل کسا عیا را بلند کردم تا همراه آنها داخل شوم، اما پیامبر (ص) آن را از دست من کشید و فرمود: همانا تو برخیر و نیکی هستی.^{۱۰۲}

۳. در سند روایات مورد اشاره کسی وجود دارد که حتی مورد قبول دانشمندان اهل سنت نمی‌باشد و آن شریک بن عبد الله بن ابی نمراس است که در سلسله سند روایات ابن مغزلی و خوارزمی قرار گرفته است و ابو عبدالله ذهبی در رجال خود او را قوی ندانسته و ابن حجر عسقلانی درباره وی کلمه «یخطی» - خطا و اشتباه می‌کند - را به کار برده است.^{۱۰۳}

همچنین دومین روایت که در تفسیر الجامع لاحکام القرآن قرطبی نقل شده است، به جهت

نداشتن سند کامل، نیازی به بحث و بررسی ندارد و از اعتبار ساقط است.

۴. حدیث مذکور در دو مورد کتاب المستدرک علی الصحیحین، از طریق شریک بن ابی نمر نقل شده است که در آنها هیچ مطلبی در خصوص شمولیت آیه به ام سلمه (ره) و جواب مثبت پیامبر اکرم (ص) به وی وجود ندارد و هر دو روایت بنا بر تصریح حاکم نیشابوری، با شرط صحت بخاری مطابق است.^{۱۰۴}

گفتنی است که در روایت اول، پیامبر اکرم (ص) در پاسخ به ام سلمه (ره) که می‌پرسد: آیا من نیز از اهل بیت هستم، می‌فرماید: «آری تو اهل من هستی، ولی اینها اهل بیت من [و مخاطب آیه تطهیر] هستند.» اما در روایت دوم هیچ اشاره ای به پرسش ام سلمه (رض) نشده است.
۵. چنین روایاتی در برخی منابع حدیثی و تفسیری ما نیز با اندکی تفاوت وجود دارد که در برخی از این منابع آمده است:

ام سلمه گفت: [گفتم]: ای پیامبر خدا! آیا من از اهل تو نیستم؟ پیامبر فرمود: آری. سپس آن حضرت (ص) پس از تمام شدن دعای خود درباره امام علی، فاطمه، حسن و حسین (ع) مرا زیر کسا وارد نمود.^{۱۰۵}

بنابراین، پیامبر اکرم (ص) تا پایان دعای خود درباره اهل کسا (ع)، ام سلمه را زیر کسا جای نداد تا بدین وسیله او را در آیه تطهیر شریک نسازد و بعداً برای خوشنودی ام سلمه (ره) به وی جواب مثبت داد و او را پس از پایان دعای خود به در آمدن در زیر کسا اجازه فرمود. بر اساس ادله فوق، سیاق آیه تطهیر و چند روایت انگشت شمار نمی‌تواند آیه تطهیر را علاوه بر خمسة طیبه (ع)، شامل همسران پیامبر اکرم (ص) نیز کند.

۳. عمومیت لفظ «اهل البیت»

برخی از دانشمندان اهل سنت در دفاع از نظریه ورود همسران پیامبر در محدوده آیه «تطهیر» و جای گرفتن آنها در کنار خمسة طیبه (ع)، به توجیه اختلاف ضمائر به کار رفته در آیه از لحاظ مذکر و مؤنث بودن، روی آورده و لفظ «اهل البیت» را لفظی عام و فراگیر دانسته‌اند که از آن جمله می‌توان از ابولیت نصر بن محمد سمرقندی (م ۳۷۵ هـ)، نام برد.^{۱۰۶} برخی از آنان نیز جهت اثبات این مدعا از آیات نورانی قرآن کریم، از جمله آیات ۱۲ و ۲۹ سوره قصص، و آیه ۳۳ عنکبوت بهره گرفته‌اند.^{۱۰۷}

یکی از آیاتی که مورد استدلال در این خصوص قرار گرفته، آیه ۷۳ سوره هود است:
قالوا اتعجبین من امر الله و رحمت الله و برکاته علیکم اهل البیت

انه حمید مجید؛ (وقتی که فرشتگان الهی به همسر ابراهیم (ع) در سن پیری تولد اسحاق و بعد از او تولد یعقوب را بشارت دادند، وی به شگفتی آمد

طهری

۱۰۶
۱۰۷



و فرشتگان الهی) گفتند: آیا از فرمان خدا تعجب می‌کنی؟ این رحمت خدا
و برکاتش بر شما اهل بیت است، چرا که او ستوده و والا است.

جناب علی احمد سالوس در کتاب خود به یک روایت منقول از انس استدلال می‌کند:
خرج النبي (ص) فانطلق الى حجرة عائشة فقال: السلام عليكم اهل

البيت و رحمة الله... فتقرى حجر نسائه كلهن يقول لمن كما يقول

لعائشة...^{۱۱۸} پیامبر (ص) از خانه [زینب بنت جحش] خارج شد و به سوی

خانه عائشه آمد و گفت: سلام بر شما اهل بیت و رحمت خداوند [بر شما

باد]... سپس به همه خانه های همسران خود سرزد و همان گونه که به

عائشه می‌گفت، به آنان نیز می‌فرمود...

وی در ادامه سخنان خود چنین نتیجه می‌گیرد که استعمال قرآنی و نبوی، همسران

پیامبر را از دایره شمولیت آیه تطهیر خارج نمی‌سازد.^{۱۱۹}

نقد و بررسی

۱. استعمال واژه «اهل» در قرآن کریم در معانی و موارد متفاوت است که در اینجا به ذکر

خلاصه آنها اشاره می‌شود:

الف) استعمال واژه «اهل» به طور عام که مردان و زنان را شامل می‌شود [مانند سوره های

اعراف، آیات ۹۴ و ۹۶، هود، آیات ۱۱۷ و...؛

ب) استعمال واژه «اهل» برای مردان [مانند سوره های هود، آیات ۴۵ - ۴۶، یوسف، آیه ۱۰۹،

طه، آیه ۲۹ و...؛

ج. استعمال واژه «اهل» برای زنان [مانند سوره های هود، آیه ۷۳، قصص، آیات ۱۲ و ۲۹،

عنکبوت، آیه ۳۳ و...؛

د. استعمال واژه «اهل» به معنای ویژه خاندان نبوت و رسالت [مانند سوره های طه، آیه ۱۳۲ و

احزاب، آیه ۳۳.

بنابراین، واژه «اهل البیت» بر اساس استعمال قرآنی و نیز بر اساس استعمال لغوی، حدیثی و

عرفی، یک واژه عام است که می‌تواند شامل مردان و زنان و کودکان شود و کسی نمی‌تواند منکر

این مطلب باشد و جناب سمرقندی و نیز جناب سالوس در این خصوص سخن تازه ای نگفته‌اند، اما

دلیل و استدلال آنها نیازمند نقد و بررسی است.

مسئله اصلی این است که آیا ما می‌توانیم به دلیل عام بودن معنای «اهل البیت»، در مقابل

شواهد تاریخی، قرآنی و حدیثی بایستیم و منظور از اهل البیت در آیه تطهیر را علاوه بر خمسة طيبة

(ع)، همسران پیامبر نیز بدانیم. آیا چنین کاری تفسیر به رأی نیست و آیا این کار مغالطه به حساب نمی‌آید؟ و...

۲. از آیه ۷۳ سوره هود به هیچ وجه نمی‌توان استفاده کرد که این کلام «علیکم اهل البیت» صرفاً خطاب به همسر حضرت ابراهیم (ع) گفته شده است؛ چون در زبان عربی «علیکم» برای گروه مردان استعمال می‌شود. بنابراین، یا این قسمت آیه [سلام فرشتگان] شامل همسر ابراهیم که سارا نام داشت، نمی‌شود و یا علاوه بر سارا شامل حضرت ابراهیم (ع) یا جمعی دیگر - حضرت اسحاق، یعقوب و اسماعیل که بعداً به آنها ملحق خواهند شد - می‌شود. در این صورت، استعمال ضمیر جمع مذکر «علیکم» از باب تغلیب کاملاً صحیح است.

۳. استدلال جناب سالوس به روایت انس بن مالک به هیچ وجه منطقی و درست نیست، زیرا هیچ کس در صحت به کارگیری واژه اهل برای زنان تردید ندارد. همان گونه که از استعمال قرآنی، حدیثی، لغوی و عرفی به دست می‌آید، این واژه دارای معنای عام و فراگیر است و شامل همه - اعم از زن و مرد و کودک - می‌شود. در واقع، استدلال جناب سالوس به آیات و روایت مذکور، مانند مثال ذیل بسیار مضحک و شگفت آور است. در قرآن کریم می‌خوانیم:

و جاء من اقصى المدينة رجل یسعی قال یا قوم اتبعوا المرسلین: ۱۱

و مردی از دورترین نقطه شهر با شتاب فرا رسید و گفت: ای قوم من از فرستادگان [خدا] پیروی کنید.

بر اساس روایت و دیدگاه مفسران، منظور از «رجل» - مردی - در این آیه «حبیب نجار» است. حال اگر کسی در یک آیه دیگر قرآن کریم واژه «رجل» را بیابد و ادعا نماید که منظور از مردی که در آیه بیستم سوره یس از آن سخن گفته شده، همین مرد است که مثلاً در جای دیگر قرآن استعمال شده است، هر شنونده فهمیم در شگفتی قرار می‌گیرد و قبل از هر چیز بر ناآگاهی مدعی گواهی خواهد داد. کار جناب سالوس نیز چنین است؛ چون درباره شأن نزول آیه تطهیر روایات صحیح و متواتر داریم که قابل پذیرش فریقین است و این روایات به طور کامل منظور از «اهل البیت» در آیه تطهیر را روشن ساخته است. بنابراین، چنین کاری هم بیهوده و سست و هم نوعی تفسیر به رأی و اجتهاد در برابر نص صریح نبوی (ص) به شمار می‌آید.

۴. چنان که قبلاً ذکر شد، بر اساس ادله، شواهد و قرائن ذیل، آیه تطهیر به هیچ وجه شامل همسران پیامبر اکرم (ص) نمی‌شود:

الف) برخی از همسران پیامبر اکرم (ص) در قرآن کریم، سرزنش شده‌اند:

ب) راه اندازی جنگ جمل، به رهبری ام المؤمنین، عایشه انجام شده و به کشته شدن هزاران مسلمان انجامیده است.

طهری

۱۱
۱۲
۱۳
۱۴

▽

۱۴۲

د) در طول تاریخ به جز امامان معصوم (ع) کسی درباره اختصاص آیه تطهیر به خود ادعا و احتجاج نکرده است.

ح) همچنین ظاهر آیه تطهیر با توجه به استعمال ضمائر مذکر - بر خلاف آیات قبل و بعد خود - دلالت آن بر همسران رسول خدا (ص) را انکار می‌کند. با وجود این، چرا و چگونه است که پس از گذشت قرن‌ها، افرادی این همه ادله، شواهد و قرائن را زیر پا می‌نهند و با ادعای دلالت آیه تطهیر بر همسران پیامبر اکرم (ص) دست به هر کاری می‌زنند؟...

۴. آیه تطهیر و مسئله «تغلیب»

چنان که گذشت، یکی از ادله مذهب اهل بیت (ع) درباره اختصاص آیه تطهیر به خمس طیبه (ع)، اختلاف ضمائر آیه تطهیر با ضمائر آیات قبل و بعد است. اما مخالفان این دیدگاه اصیل، جهت انکار آن مسئله «تغلیب» را مطرح کرده‌اند. از جمله آنها محمد بن احمد قرطبی در این خصوص می‌نویسد:

از آیه روشن می‌شود که شامل همه اهل بیت اعم از همسران و غیره است و اینکه «یطهرکم» گفته، به خاطر این است که رسول خدا (ص)، علی، حسن، و حسین در میان آنها بودند و هرگاه مذکر و مؤنث در یک جا جمع شوند، مذکر غالب می‌شود [و ضمایر و افعال مذکر استعمال می‌گردد]. بنابراین، مقتضای آیه این است که همسران پیامبر نیز از اهل بیت به حساب می‌آیند.^{۱۱۱}

نقد و بررسی

۱. آیه تطهیر بر اساس روایات متواتر و صحیح فریقین، اختصاص به خمس طیبه دارد و حتی برخی از همسران رسول اکرم (ص) نیز که امثال قرطبی و سالوس که بر شمولیت آیه تطهیر به آنها تأکیدات سست و بی‌منطق می‌ورزند، بر اختصاص آیه تطهیر به خمس طیبه (ع) اعتراف و حتی احتجاج نموده‌اند.

۲. ما زمانی می‌توانیم در خصوص آیه تطهیر مسئله «تغلیب» را بپذیریم که محرز شود هیچ یک از دو طرف در نظر گوینده خصوصیتی ندارد و او در شمول حکم همگان را اراده کرده است و از طرف دیگر قرینه‌ای هم برخلاف آن وجود نداشته باشد؛ در حالیکه این مسئله در خصوص آیه تطهیر کاملاً بر عکس است.^{۱۱۲}

۳. اگر در ظاهر آیات هفت گانه (۲۸ - ۳۴) سورة احزاب توجه و دقت لازم شود، این شبهه متزلزل و تضعیف خواهد شد؛ چون به جز قسمت اخیر آیه ۳۳، در آیات قبل و بعد، خطابات از نوعی عتاب و تهدید آکنده است، اما آیه تطهیر از نوعی لطف و مهربانی حکایت دارد.^{۱۱۳}

۴. همچنین علاوه بر مطالب مذکور - همان گونه که در پاسخ شبهه اول به صورت مفصل ذکر شد - آیه تطهیر بنا بر ادله، شواهد و قرائن محکم، مانند نص صریح قرآن کریم، روایات متواتر و صحیح، و گواهی انکار ناپذیر تاریخ، به هیچوجه شامل همسران پیامبر اکرم (ص) نمی شود.

۵. گفتنی است که اصل مسئله «تغلیب» بر اساس قواعد زبان عربی مورد قبول و پذیرش است، و ما مسئله «تغلیب» را در خصوص پنج تن آل عبا (ع) می پذیریم، ولی در اینجا آنچه مورد قبول نیست، پذیرش مسئله تغلیب درباره همسران پیامبر اکرم (ص) و انضمام آنان به خمسه طیه (ع) است.

۵. آیه تطهیر و صلوات بر همسران پیامبر اکرم (ص)

مخالفان دیدگاه مذهب اهل بیت (ع) در خصوص آیه تطهیر، جهت اثبات ورود همسران رسول خدا (ص) به محدوده آیه تطهیر به طرز گویش صلوات استدلال نموده اند. جناب علی احمد سالوس در کتاب خود، در این خصوص دو روایت از پیامبر اکرم (ص) نقل می کند که گویا بر اساس آنها باید مسلمانان به پیامبر اسلام (ص) چنین صلوات بفرستند:

اللهم صلی علی محمد و علی ازواجه و ذریته... و یا اللهم صل

علی محمد النبی و ازواجه امتهات المؤمنین و اهل بینه... خداوند! بر محمد و

همسران و فرزندان او صلوات بفرست...؛ و یا خداوند! بر محمد پیامبر و

همسران او - که مادران مؤمنان هستند - و اهل بیت او صلوات بفرست...^{۱۱۴}

نقد و بررسی

۱. قبل از هر چیز در صحت و انتساب این روایات به رسول اکرم (ص) تردید وجود دارد، چون امثال این روایات در صحیح بخاری^{۱۱۵} نقل شده است که از نظر سندی برای ما قابل قبول نیست و راویان آن - مانند عبد الله بن مسلمه، مالک بن انس، عبد الله بن ابی بکر - از نظر کتب رجالی ما مجهول شمرده می شوند و اگر هم از آنان نامی برده شده باشد، بدون جرح یا تعدیل از کنار آنها گذشته اند.

از طرف دیگر، برخی از راویان این احادیث از دیدگاه برادران اهل سنت نیز مورد قبول نیست. به عنوان مثال، ذهبی درباره عمرو بن سلیم ذرقی که در سند هر دو طریق روایت اول حضور دارد، از ابن خراش نقل می کند که در حدیث وی اختلاط وجود دارد.^{۱۱۶} و نیز درباره عبدالله بن یوسف که در

طهری

شماره ۸ و ۹

▽

۱۴۴

سلسله سند یکی از طرق روایت حضور دارد، از بدگویی ابن عدی درباره وی سخن گفته است.^{۱۱۷} بنابراین در صحت این روایات مشکل اساسی وجود دارد و نمی‌توان آنها را به رسول خدا (ص) نسبت داد.

۲. آنچه در خصوص طرز صلوات فرستادن به پیامبر عظیم الشان اسلام (ص) از طرف فریقین مورد قبول واقع شده، با صورت مذکور فرق می‌کند و در آنها خبری از همسران پیامبر اکرم (ص) نیست در اینجا به ذکر دو روایت اکتفا می‌کنیم:

(الف) ابو عبد الله محمد بن اسماعیل بخاری در کتاب صحیح البخاری چنین نقل می‌کند:

... عن كعب بن عجرة فقال: سألتنا رسول الله (ص) فقلنا: يا رسول الله! كيف الصلاة عليكم أهل البيت؟ فان الله قد علمنا كيف نسلم قال: قولوا: اللهم صل على محمد و علي آل محمد كما صليت على إبراهيم و علي آل إبراهيم انك حميد مجيد. اللهم بارك على محمد و علي آل محمد، كما باركت على إبراهيم و علي آل إبراهيم انك حميد مجيد؛^{۱۱۸}

... كعب بن عجرة نقل می‌کند که از پیامبر خدا (ص) پرسیدم: ای پیامبر خدا، بر شما اهل بیت چگونه صلوات بفرستیم؟ همانا خداوند به ما سلام دادن را یاد داده است. حضرت (ص) فرمود: [چنین] بگویید: خداوند، بر محمد و آل محمد صلوات فرست. همان گونه که بر ابراهیم و آل ابراهیم صلوات فرستادی؛ همانا تو ستوده و والا هستی. خداوند، به محمد و آل محمد برکت ده، همان گونه که به ابراهیم و آل ابراهیم برکت دادی، همانا تو ستوده و والا هستی.

۲. ابوالحسن مسلم بن حجاج نیشابوری در صحیح خود از ابو مسعود انصاری و او از بشیر بن سعد نقل می‌کند که از پیامبر اکرم (ص) پرسید: خداوند متعال به ما دستور داده است بر تو صلوات بفرستیم، اما چگونه باید بر شما صلوات بفرستیم؟... حضرت پیامبر (ص) فرمود:

قولوا: اللهم صلي على محمد و علي آل محمد، كما صليت على آل إبراهيم و بارك على محمد و علي آل محمد كما باركت على آل إبراهيم في العالمين، انك حميد مجيد.^{۱۱۹}

[چنین] بگویید: خداوند، بر محمد و آل محمد صلوات فرست، همان گونه که بر آل ابراهیم صلوات فرستادی و به محمد و آل محمد برکت ده، همان گونه که در جهانیان بر آل ابراهیم برکت دادی؛ همانا تو ستوده و والا هستی.

با توجه به اینکه روایات مذکور از دیدگاه مذهب اهل سنت کاملاً صحیح و مورد اعتماد است و از طرف دیگر در آنها اثری از همسران پیامبر خدا (ص) مشاهده نمی‌شود، دو روایت قبلی بار دیگر تضعیف و اعتبار آنها متزلزل می‌شود.

۳. بر اساس برخی روایات موجود در منابع حدیثی برادران اهل سنت، پیامبر اکرم (ص) در خصوص نزول آیه تطهیر و اختصاص آن به اهل کسا (ع) دعا و صلواتی را بیان فرموده اند که در آنها نیز اثری از همسران پیامبر خدا (ص) دیده نمی‌شود و در نوع خود بر اختصاص آیه تطهیر به خمس طیبه (ع) تأکید می‌ورزد که در اینجا به دو روایت اشاره می‌کنیم:

الف) موفق بن احمد خوارزمی و نیز حسام الدین الیهندی در کتب خود چنین نقل کنند:

لما جمع رسول الله (ص) علیاً فاطمة و الحسن و الحسين علیهم

السلام تحت ثوبه، قال: اللهم قد جعلت صلواتك و رحمتك و مغفرتك و

رضوانك علی ابراهیم و آل ابراهیم، اللهم ائهم منی و انا منهم فاجعل

صلواتك و رحمتك و مغفرتك و رضوانك علی و علیهم.^{۱۲۰}

هنگامی که پیامبر خدا (ص) علی، فاطمه، حسن و حسین (ع) را زیر لباس خود گرد آورد، گفت: خداوند، همانا تو صلوات، رحمت، و مغفرت و رضوان خود را برای ابراهیم و آل ابراهیم قرار داده ای، خداوند، همانا آنها [اهل کسا] از من و من نیز از آنان هستیم. پس صلوات، رحمت، مغفرت و رضوان خود را برای من و آن‌ها قرار ده.

ب) ابو عبدالله حاکم نیشابوری (م ۴۰۵ هـ) در کتاب خود چنین نقل می‌کند:

لما نظر رسول الله (ص) الی الرحمة هابطة. قال أذعو الی، أذعو الی.

فقالت صغیة: من یا رسول الله؟ قال: اهل بیتی علیاً و فاطمة و الحسن و

الحسین. فجئنی بهم فألتقی علیهم النبی (ص) کساء ثم رفع یدیه ثم قال:

اللهم هؤلاء آلی فصل علی محمد و علی آل محمد. و انزل الله عزوجل: (انما

یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً)^{۱۲۱}

و هنگامی که پیامبر خدا (ص) رحمت الهی را در حال نزول دید، فرمود:

به سوی من بخوانید، به سوی من بخوانید، صغیه گفت: ای رسول خدا، چه

کسی را [بخوانیم]؟ رسول خدا (ص) فرمود: اهل بیتم علی، فاطمه، حسن و

حسین را. آنان را آوردند. رسول خدا (ص) کسای خود را روی آنان انداخت.

سپس دستانش را بالا برد و عرض کرد: «خداوند، اینان (آل خاندان) من

هستند، پس بر محمد و آل محمد رحمت بفرست. در این هنگام، خداوند

طهر

شماره ۸ و ۹

▽

۱۴۶

عزوجل این آیه را نازل فرمود: خدا فقط می‌خواهد هر گونه پلیدی را از شما
اهل بیت بزدايد و شما را كاملاً پاکیزه گرداند.

گفتنی است که حاکم نیشابوری پس از ذکر این حدیث چنین گفته است: « هذا حدیث
صحیح الاسناد». ^{۱۲۲} یعنی این حدیث دارای سند صحیح است.

۴. اگر روایات مذکور جناب قرطبی و سالوس صحیح و مورد پذیرش همگان نیز باشند، به
«اهل البیت» مورد اشاره در آیه تطهیر هیچ ارتباطی نخواهد داشت؛ چون در آن روایات هیچ
تصریحی به «اهل البیت» نشده و از طرف دیگر بسیار واضح است که صلوات بر کسی به معنای
دخول وی در مدلول آیه تطهیر نیست.

۵. اگر بر اساس روایات مذکور بتوان منظور از «اهل البیت» در آیه تطهیر را بیان کرد، آن وقت
بر اساس تعدادی از آیات قرآنی، باید همه مؤمنان را نیز از اهل بیت به حساب بیاوریم. چون خداوند
متعال در تعدادی از آیات نورانی قرآن کریم، از صلوات خود، فرشتگان الهی و پیامبر خدا (ص) به
مؤمنان خبر می‌دهد؛ ^{۱۲۳} در حالی که نه تا کنون کسی چنین ادعایی کرده و نه در صورت وجود چنین
ادعایی کسی آنرا نخواهد پذیرفت؛ زیرا چون این استدلالی مغالطه آمیز و سست است.

۶. صریح آیات قرآن کریم، روایت متواتر و صحیح، و حقایق انکار ناپذیر تاریخی، به طور جدی
همسران پیامبر اکرم (ص) را از مدلول آیه تطهیر خارج می‌سازد.

۷. اصولاً بسیار جای شگفتی است که برخی با وجود نص صریح قرآنی و نبوی (ص) دست به
استدلالهای عجیب و در عین حال بی‌منطق و سست می‌زنند و بدین وسیله در مقابل نص اجتهاد
می‌کنند!

۶. آیه تطهیر: همسران پیامبر (ص)، آل علی (ع)، آل عقیل، آل جعفر و آل عباس!

برخی از دانشمندان اهل سنت برای اثبات ورود همسران پیامبر اکرم (ص) و نزدیکان نسبی آن
حضرت (ص) در مفاد آیه تطهیر به حدیث منقول از زید بن ارقم - صحابی معروف پیامبر اکرم (ص)،
استدلال کرده اند.

مضمون این روایت چنین است که زید بن ارقم بخشی از خطبه معروف پیامبر اکرم (ص) در

غدیر خم را نقل می‌کند که پیامبر اکرم (ص) در آن خطبه به قرآن و اهل بیت خود سفارش می‌کند

که به نام حدیث ثقلین معروف شده است. در این هنگام حصین بن سبرة که در آن مجلس حضور

داشت، از زید پرسید که منظور از اهل بیت پیامبر چه کسانی هستند. زید بن ارقم در جواب او

می‌گوید منظور از اهل بیت پیامبر (ص)، همسران آن حضرت (ص) و به ویژه کسانی هستند که

صدقه بر آنها حرام گشته است و آنها عبارت‌اند از: آل علی، آل عقیل، آل جعفر و آل عباس... ^{۱۲۴}

نقد و بررسی

۱. نباید فراموش کرد که اگر سخن ما مربوط به تفسیر آیه تطهیر می‌شود، رسول مکرم اسلام (ص) اولین و حقیقی‌ترین مفسر این آیه و سایر آیات قرآن کریم است و طبق احادیث صحیح و متواتر فریقین، آن حضرت (ص) منظور از اهل بیت در آیه تطهیر را در مراحل و موارد متعدد به خوبی تفسیر نموده و نشان داده است که آیه شریفه صرفاً شامل افراد خاص - غیر از همسران و نزدیکان نسبی آن حضرت - می‌شود.

با وجود این، هیچ نیازی به تفسیر اصحاب آن حضرت (ص) در این مورد به نظر نمی‌رسد و زید بن ارقم هر چه گفته باشد، در درجه نخست دیدگاه شخصی وی محسوب می‌شود و از دیدگاه ما، اجتهاد صحابه تا کاشف از قول، فعل و تقریر معصوم نباشد، حجیت ندارد.

۲. عجیب این است که در کتاب صحیح مسلم همین روایت به صورت دیگر نقل می‌شود که طبق روایت یزید بن حیان آنها از معنای اهل البیت می‌پرسند و سؤال می‌کنند که آیا همسران اهل بیت او هستند. زید بن ارقم در پاسخ آنها قسم می‌خورد که همسران از اهل بیت نیستند، چون زن مدتی با مرد زندگی می‌کند و سپس مرد او را طلاق می‌دهد و بدین وسیله نزد پدر و قوم خود می‌رود. اهل بیت [پیامبر] اصل و عصبه او هستند که پس از آن حضرت از صدقه محروم شدند.^{۱۲۵} بنابراین، می‌توان چنین نتیجه گرفت که این سخن اجتهاد و نظر شخصی زید بن ارقم بوده است و چنان که قبلاً گفته شد، اجتهاد و قول صحابه تا زمانی که کاشف از قول، فعل و تقریر معصوم نباشد، هیچ گونه حجیتی نخواهد داشت.

۳. اگر سخن زید بن ارقم را به عنوان نظر شخصی وی قبول نکنیم، باید بگوییم که احتمالاً وی معنای لغوی و عرفی «اهل البیت» را بیان نموده است که بر اساس معنای لغوی و عرفی آن فرزندان، زنان، برادران و سایر نزدیکان، اهل بیت و خاندان به حساب می‌آیند. ولی نباید فراموش کرد که منظور از «اهل البیت» در حدیث ثقلین و به ویژه آیه تطهیر، خاندان و اهل بیت نبوت و رسالت است و به هیچ وجه شامل زنان و نزدیکان نسبی نمی‌شود.

۴. اشکال دیگری که می‌توان به سخن زید بن ارقم گرفت، این است که تنها آل علی (ع)، آل عقیل، آل جعفر و آل عباس پس از پیامبر اسلام (ص) از صدقه محروم نشدند، بلکه بنی عبدالمطلب نیز در محرومیت از صدقه با آنان شریک‌اند.^{۱۲۶}

۵. اگر منظور از اهل البیت در حدیث ثقلین و آیه تطهیر نزدیکان نسبی پیامبر باشد، امت اسلامی در سردرگمی و حیرت فرو می‌رود؛ چون آل عباس با آل علی (ع) اختلاف داشتند و تعدادی از فرزندان آل علی (ع) به دست عباسیان به شهادت رسیدند. از طرف دیسگر، در میان آل عباس، آل جعفر و آل عقیل افراد بسیاری منحرف شدند و دست به گناه و ظلم و ستم زدند که همه اینها بر عدم دلالت آیه تطهیر به نزدیکان نسبی پیامبر اسلام (ص) تأکید می‌ورزد.

طهر

تاریخ
۱۳۰۸
۹



۱۴۸

بنابراین، دیگر دیدگاه زید بن ارقم در این خصوص و در برابر این همه ادله روشن آن چنان اهمیتی نخواهد داشت.

۷. آیه تطهیر و پرهیزکاران

یکی از دیدگاهها درباره مصداق اهل البیت در آیه تطهیر، این است که منظور از آن «اهل بیت الله الحرام» است.^{۱۳۷} در قرآن کریم می‌فرمایند: *ان اولیاءه الا المتقین*^{۱۳۸} سرپرستان آن [مسجد الحرام] فقط پرهیزگاران هستند. شاید بتوان روایت وائله بن اسقع را دلیل مهم برای طرفداران این دیدگاه به شمار آورد وی چنین نقل می‌کند:

من در نزد رسول خدا (ص) بودم که ناگهان علی، فاطمه، حسن و حسین آمدند و پیامبر (ص) کسای خود را روی آنان انداخت و سپس گفت: خداوند! اینان اهل بیت من هستند. [خداوند!] پلیدی را از آنان دور کن و آنها را کاملاً پاکیزه گردان.

در این موقع گفتم: ای رسول خدا! آیا من هم؟ حضرت (ص) فرمود: تو نیز.^{۱۳۹}

بر اساس روایتی دیگر چنین می‌خوانیم: «...من [وائله] از گوشه خانه گفتم: ای رسول خدا! آیا من نیز از اهل [بیت] تو هستم؟ حضرت فرمود: تو نیز از اهل [بیت] من هستی.»^{۱۴۰}

نقد و بررسی

۱. این دیدگاه و استدلال بدون منطق و سست است و در نوع خود از بارزترین نمونه های تفسیر به رأی به شمار می‌آید. چون بحث از «بیت الله الحرام» در آیه ای از آیات نورانی قرآن کریم، به هیچ وجه مستلزم آن نیست که مراد از «اهل البیت» در آیه تطهیر نیز اهل بیت الله الحرام باشد. در واقع، اشتباه اصلی طرفداران این دیدگاه، خلط بین اهل خانه خدا و اهل خانه نبوت و رسالت است که فرق بین این دو مانند فرق میان زمین و آسمان است.

۲. بر اساس روایات صحیح و متواتر فریقین، منظور از اهل البیت در آیه تطهیر، اهل خانه رسالت و نبوت است که پیامبر گرامی اسلام (ص) هنگام نزول آیه تطهیر آنها را در زیر عبای خود جمع نمود و برایشان دعا فرمود.

۳. دیدگاه مذکور با صریح آیات نورانی قرآن کریم، احادیث و تاریخ گذشته و حال مخالف دارد. چون تاریخ نشان می‌دهد که پرهیزکاران امت اسلامی هیچ گاه در برابر گناهان و پلیدیها مصونیت نداشته‌اند و در مواقعی در دام خطا، اشتباه و گناه فرو افتاده اند و حتی خود وائله بن اسقع نیز از این موضوع مستثنا نیست و این با منطوق و مفهوم آیه تطهیر کاملاً مغایرت دارد.

۴. قسمت آخر روایت واثله با روایات متواتر و صحیح فریقین مخالفت دارد. در آن روایات پیامبر اکرم (ص) در پاسخ به ام المؤمنین ام سلمه (ره) جواب متفی داده و بر عدم تعلق آیه تطهیر به وی تأکید نموده است.

حال اگر چنین چیزی مجاز بود، حتماً رسول اکرم (ص) قبل از واثله به همسر گرامی خود ام سلمه (رض) جواب مثبت می‌داد.

۵. حاکم نیشابوری در کتاب المستدرک علی الصحیحین از واثله بن اسقع روایت مربوط به آیه تطهیر را در دو مورد نقل می‌کند. در هیچ یک از آنها نیز از قسمت اخیر روایت - جواب مثبت به واثله و پذیرفته شدن وی به عنوان جزئی از اهل بیت - خبری نیست.^{۱۳۱} با توجه به دو روایت موجود در آن کتاب می‌توان سبب مطلب مذکور را یکی از دو علت نامید:

الف) این مطلب، یعنی پاسخ مثبت پیامبر اکرم به واثله بن اسقع قبلاً در منابع روایی و حدیثی وجود نداشته و بعدها دیگران یا طور سهو و یا عمدان را جعل کرده‌اند.

ب) این مطلب را ابتدا خود واثله بن اسقع جعل کرده است تا برای خود فضیلت تراشی نماید. در این صورت، ممکن است حاکم نیشابوری که در عصر خود از بزرگان حدیث به شمار می‌رفت، به علت مخالفت قسمت آخر حدیث با روایات متواتر و صحیح، آن قسمت را نقل نکرده باشد.

۶ موفق بن احمد خوارزمی در کتاب المناقب روایتی را در همین خصوص از واثله بن اسقع نقل می‌کند که پیامبر اکرم (ص) پس از جمع نمودن علی، فاطمه، حسن و حسین (ع) در زیر عبای خود، برای آنها دعا نمود و از خداوند برای آنها صلوات و رحمت در خواست کرد. واثله می‌گوید: من در آن هنگام عرض کردم: ای رسول خدا! آیا [این صلوات و رحمت و دعا] برای من هم هست؟ رسول اکرم (ص) فرمود: خداوندا! بر واثله [نیز رحمت فرست].^{۱۳۲} بنابراین، اگر این روایت صحت داشته باشد، هیچ ربطی به ورود امثال واثله به دایره آیه تطهیر ندارد؛ چون وی تنها تقاضای دعا و صلوات کرده است.

۷. برای پاسخ نهایی به این شبهه بهتر است که نگاهی به شخصیت واثله بن اسقع داشته باشیم. وی در شام، مرکز حکومت معاویه، سکونت داشته و از یاران بتی امیه به حساب می‌آمد.^{۱۳۳}

روایاتی نقل کرده است که در جعلی بودن آنها هیچ شبهه‌ایی وجود ندارد. در یکی از آنها افراد امین در نزد خدا سه نفر معرفی شده‌اند که یکی از آنها پیامبر، دیگری جبرئیل و سومی معاویه است!^{۱۳۴} بنابراین، قسمت عمده روایت واثله را که مطابق با سایر روایات متواتر و صحیح فریقین است، می‌پذیریم، ولی قسمت اخیر آن را به جهت شخصیت متزلزل وی و نیز به علت مخالفت با شواهد و ادله صریح قرآنی، حدیثی و تاریخی و... مردود می‌دانیم و کنار می‌گذاریم.

طهری

۱۳۱
۱۳۲
۱۳۳

▽

۱۵۰

۸. آیه تطهیر: اراده تکوینی یا تشریحی؟

یکی دیگر از شبهات یا سؤالات مربوط به دیدگاه مذهب اهل بیت (ع) در خصوص آیه تطهیر، به واژه «برید» در این آیه باز می‌گردد. خداوند متعال با این واژه از اراده خود سخن می‌گوید. اراده الهی را نیز می‌توان به دو نوع تشریحی و تکوینی تقسیم نمود. اراده تشریحی به فعل دیگری تعلق می‌گیرد و باید شخص آن فعل را با اختیار خود انجام دهد و این اراده خداوند شامل احکام و دستورهای الهی می‌شود.

با وجود این، اراده تشریحی ممکن است از طرف بندگان نقض شود و شخص یا اشخاصی بر خلاف آن عمل نمایند که در این مورد می‌توان از بسیاری از احکام شریعت اسلامی نام برد. از طرف دیگر، نباید فراموش کرد که اگر منظور از اراده الهی در آیه تطهیر، اراده تشریحی باشد، چنین اراده‌ای بر اساس آیات قرآنی شامل همه امت اسلامی است. در قرآن کریم می‌خوانیم:

برید الله لیطهرکم و لیتیم نعمته علیکم لعلکم تشکروُن؛^{۱۳۵}

خداوند می‌خواهد شما را پاک سازد و نعمتش را به شما تمام کند، شاید شکرش را به جای آورید.

بنابراین، در این صورت نمی‌توان در خصوص برتری اهل بیت (ع) سخنی منطقی و اساسی ارائه داد. اما منظور از اراده تکوینی اراده‌ای است که به فعل خود مرید و به تکوین و ایجاد آن تعلق می‌گیرد. بدون شک این نوع از اراده الهی هرگز توسط دیگران نقض نمی‌شود و مسئله‌ای تخلف ناپذیر است. خداوند می‌فرماید:

انما امره اذا اراد شیاً ان یقول له کن فیکون؛^{۱۳۶} فرمان [خداوند]

چنین است که هر گاه چیزی را اراده کند، تنها به او می‌گوید: موجود باشد. آن بی‌درنگ موجود می‌شود.

همان گونه که ملاحظه می‌شود، در این نوع از اراده، نوعی جبر وجود دارد و اگر مراد از اراده در آیه تطهیر را اراده تکوینی بدانیم، در آن صورت به تطهیر اجباری اهل بیت اعتراف نموده ایم که چنین تطهیر و عصمتی آن چنان فضیلتی را برای آنان به ارمغان نمی‌آورد. با این حساب، مراد از اراده الهی در آیه تطهیر، چه نوع اراده‌ایی است؟^{۱۳۷}

نقد و بررسی

پیش از این در این باره سخن گفته‌ایم.

پاسخ اصلی ما در اینجا این است، که منظور از اراده الهی در آیه تطهیر نه اراده تشریحی صرف و نه اراده تکوینی صرف است. چون هر دو نوع اراده مذکور اشکالاتی را در خصوص آیه تطهیر ایجاد

می‌کند که در جای خود قابل تأمل است. به نظر ما منظور از اراده الهی در آیه تطهیر، اراده «لطفیه» است این نوع اراده مبتنی بر دو رکن اساسی است:

اول: شایستگی افراد در رعایت تقوای الهی، کسب هدایت الهی و تلاش مخلصانه در راه خداوند متعال؛

دوم: فیوضات و الطاف و کمکهای خداوند و هدایت هر چه بیشتر آنان.

به عنوان مثال، در قرآن کریم می‌خوانیم:

الذین اهتدوا زادهم هدی و آتاهم تقواهم؛^{۱۳۸}

و کسانی که هدایت یافته اند، [خداوند] بر هدایت آنها می‌افزاید و به

آنان روح تقوا می‌بخشد.

در جای دیگر می‌فرماید:

والذین جاهدوا فینا لنهدينهم سبلنا و ان الله مع المحسنين؛^{۱۳۹}

و آنها که در راه ما [با خلوص نیت] جهاد و تلاش کنند، قطعاً به

راههای خود هدایتشان خواهیم کرد و خداوند با نیکوکاران است.

آنچه در این آیات شریفه ملاحظه می‌شود، از یک طرف شایستگی افراد و تلاش مخلصانه آنان و از طرف دیگر عنایات و فیوضات الهی است که به جهت همان شایستگی و تلاش مخلصانه شامل آنها می‌شود. مراد از اراده الهی در آیه تطهیر نیز همین گونه است. از طرفی شایستگی و لیاقت اهل بیت مورد خطاب در آیه و از طرف دیگر عنایات هر چه بیشتر الهی، تطهیر آنها از همه گناهان و پلیدیها و بدیها را مهیا نموده است. با این حساب، دیگر شبهه یا سؤال اساسی در خصوص اراده الهی و نوع آن در آیه تطهیر باقی نمی‌ماند. و اما در پاسخ به اینکه چرا خداوند چنین مقام و شایستگی را نه به دیگران، بلکه تنها به اهل بیت عنایت نموده است و آیا در این مورد جبری وجود ندارد؟ باید بگوییم که اصل آفرینش انسان (مرد یا زن بودن او و ...) نیز حاکی از نوعی جبر است و ما به همین خاطر نمی‌توانیم در خصوص مقام برتر اهل بیت (ع) اشکال تراشی نموده و سخنان سست و بی پایه را به زبان برانیم. چون به طور کلی پذیرفتن چنین جبری در مورد اهل بیت (ع) هیچ لطمه‌ای به مقام رفیع آنها وارد نمی‌سازد.

طهر

۱۳۸
۱۳۹
۱۴۰
۱۴۱
۱۴۲

۹. آیه تطهیر و دعای پیامبر اسلام (ص) درباره اهل بیت (ع)

یکی دیگر از شبهات مطرح شده در خصوص دیدگاه مذهب اهل بیت (ع) درباره آیه

تطهیر، به دعای پیامبر اسلام (ص) در حق اهل کسا مربوط می‌شود. علی احمد سالدوس در

کتاب خود می‌نویسد:



در احادیث آمده است که پیامبر خدا (ص) اهل کسا را جمع نمود و جهت دوری آنها از گناه و پلیدی و نیز پاکیزگی آنها دعا کرد. اگر اهل کسا [قبلاً] از گناهان و پلیدیها پاک و پاکیزه بودند، پس چه حاجتی به دعا کردن بود؟^{۱۴۰}

همچنین برخی دیگر مانند عبد العزیز دهلوی ادعا کرده اند که آیه تطهیر از ابتدا به همسران پیامبر (ص) تعلق داشت، ولی آن حضرت (ص) با دعای خود، اهل کساء را نیز در آن شریک نمود!^{۱۴۱}

نقد و بررسی

۱. در مباحث گذشته روشن شد که نص صریح قرآن کریم، روایات متواتر و صحیح و سایر شواهد و قراین قابل توجه، تعلق آیه تطهیر به همسران پیامبر اکرم (ص) را به طور شدید و مؤکد انکار می‌کند و بنابراین هیچ جایی برای ادعای امثال عبد العزیز دهلوی باقی نمی‌ماند.

۲. نباید فراموش کرد که دعا همیشه به معنای طلب تحقق کار یا حالتی نیست و در مواردی به معنای درخواست استمرار تداوم کار یا حالتی است. خود رسول خدا (ص) هر روز مکرر در نماز از خداوند چنین درخواست می‌نمود: «اهدنا الصراط المستقیم - [خداوند!] ما را به راه مستقیم هدایت فرما.» آیا این دعا - نعوذ بالله - به معنای عدم هدایت آن حضرت (ص) قبل از دعا کردن است؟ قطعاً هیچ شخص یا فرقه و مذهبی تا کنون چنین ادعایی نداشته است.

آری، منظور آن حضرت (ص) استمرار و تداوم راه هدایت و صراط مستقیم بوده است. دعای آن حضرت (ص) در خصوص اهل کسا نیز به معنای استمرار و تداوم تطهیر و عصمت الهی است.

۳. علامه مجلسی (ره) در این مورد می‌نویسد:

واژه اذهاب [از بین بردن و زدودن] همان طور که درباره از بین بردن چیز موجود به کار می‌رود، درباره منع از ورود چیزی بر محلی که قابلیت پذیرش آن را دارد، نیز استعمال می‌شود؛ مانند «و كذلك لنصرف عنه السوء و الفحشاء»^{۱۴۲} این چنین کردیم تا بدی و فحشا را از او [یوسف] دور کنیم.^{۱۴۳}

۴. علامه مجلسی (ره) در این خصوص می‌فرماید: «بر اساس برخی روایات، آیه تطهیر پس از دعای پیامبر اکرم (ص) نازل شده است.»^{۱۴۴} بدون شک در این صورت، اشکالات مذکور متزلزل می‌شود و از بین می‌رود؛ زیرا از بین بردن پلیدیها و تطهیر اهل بیت(ع) قبل از دعای پیامبر اکرم(ص) بیان شده است.

۵. بر اساس روایات متواتر و دیدگاه دانشمندان فریقین، شخص پیامبر اکرم (ص) داخل در مدلول آیه تطهیر است. در این صورت، آیا کسی می‌تواند پیامبر اسلام (ص) را قبل از نزول آیه

تطهیر - نعوذ بالله - غیر پاکیزه بدانند؟ و به هیچ وجه امکان ندارد که آیه تطهیر یک بار به معنای دفع درباره پیامبر اسلام (ص) و بار دیگر به معنای رفع درباره اهل کسا (ع) نازل شده باشد.

۶ علاوه بر آن، هنگام نزول آیه تطهیر، دو تن از اصحاب کسا یعنی امام حسن و امام حسین (ع) خردسال و بی گناه بودند و رفع گناه از کودک خردسال هیچ معنایی ندارد.^{۱۴۵}

اما روایاتی که دعای پیامبر اکرم (ص) درباره اهل کسا پس از نزول آیه تطهیر بیان می کنند، بدون شک مبین این مسئله است که جمع کردن آنها در زیر کسا و دعا برای آنها با عین الفاظ آیه تطهیر، به خاطر تفسیر آیه و بیان مصادیق اهل بیت برای همه امت اسلامی بوده است. آن حضرت (ص) در سایر موارد - مانند سلام دادن به آنها و تلاوت آیه تطهیر قبل از اقامه نماز - نیز همین کار را انجام داده است.

بنابراین، دعای پیامبر اسلام (ص) درباره اهل کسا به هیچ وجه به معنایی نیست که جناب سالوس و یا عبد العزیز دهلوی ادعای آن را دارند.

۱۰. آیه تطهیر و منظور از اراده الهی

برخی کوشیده اند منظور از اراده خداوند در تطهیر اهل بیت (ع) را به صورت غیر واقعی تبیین کنند و بدین وسیله فضیلت و برتری اهل بیت (ع) را از بین ببرند. جناب علی احمد سالوس در این خصوص می گوید:

آیه تطهیر در میان آیاتی قرار گرفته است که در آنها امر و نهی وجود دارد که بدین وسیله اراده الهی در خصوص انجام طاعات و اجتناب از معصیتهای را تأیید می کند تا به وسیله آن، دور کردن پلیدیها و حادث شدن تطهیر حاصل شود.^{۱۴۶}

وی جهت اثبات ادعای خود، ابتدا به روایات تسلیم استدلال می نماید و سپس دو حدیث از کتاب المسند نقل می کند که ما یکی از آن دو را به نقل از صحیح بخاری ارایه می دهیم:

«... (امام) علی بن الحسین از امام علی بن ابی طالب نقل می کند که پیامبر خدا (ص) نزد او و دخترش فاطمه (ع) آمد و فرمود: آیا نماز نمی خوانید؟ علی گفت: من نیز! گفتم: ای پیامبر خدا! همانا جان ما در دست خداست؛ پس هر گاه بیداری ما را خواست، ما را بیدار می کند. پیامبر خدا (ص) پس از شنیدن این جواب دست خود را بر رانش می زد و چنین می گفت: انسان بیش از هر چیز به مجادله می پردازد.^{۱۴۷}

جناب سالوس پس از نتیجه گیری این مطلب که پیامبر اسلام (ص) به رفع پلیدیها از اهل بیت و تطهیر کامل آنها حریص بوده است، به سخن ابن تیمیه تمسک می جوید که وی گفته است:

طهر

تفسیر
۱۰ و ۹

▽

۱۵۴

«... منظور از اراده در «آیه تطهیر»، متضمن امر، محبت و رضایت است و ملتزم وقوع مراد نیست...» ابن تیمیه در ادامه سخن خود به دعای پیامبر اسلام (ص) درباره اهل بیت نیز تمسک جسته است.^{۱۴۸}

نقد و بررسی

۱. چنان که گذشت، عدم تناسب سیاق آیه تطهیر با آیات قبل و بعد خود، هیچ مشکلی را ایجاد نمی‌کند، بنابراین، آیه تطهیر که متضمن امر و محبت و رضایت است، از قدیمی‌ترین توجیهاات بی اساس به شمار می‌رود و برخی از دانشمندان همین توجیهاات نادرست را در خصوص آیه ولایت (مانده، آیه ۵۵) و یا حدیث صحیح و متواتر «غدیر» ارایه داده اند.

۲. اما این ادعا در مورد آیه تطهیر، خنده آور و پوچ است و همچنین تفسیر به رأی و اجتهاد در مقابل نص صریح قرآنی و نبوی (ص) به حساب می‌آید. آیه تطهیر به صورت صریح و روشن بر تعلق اراده الهی به دفع هر گونه پلیدی و گناه از اهل بیت و تطهیر کامل آنها دلالت داد و این حقیقتی است که در درجه نخست از ظاهر آیه تطهیر به دست می‌آید.

۳. ادعای یاد شده با آن دسته از روایات فریقین مخالفت دارد که پیامبر عظیم الشان اسلام (ص) در آنها خود و اهل بیت خود را معصوم معرفی می‌کند.^{۱۴۹}

۴. روایات تسلیم که مورد استدلال جناب سالوس است نیز اصلاً قابل استدلال نیست. چون بر اساس روایات صحیح و متواتر فریقین، پیامبر اکرم (ص) به مدت چند ماه به در خانه علی و فاطمه (ع) می‌آمد و پس از فراخوانی آنها به نماز، آیه تطهیر را تلاوت می‌نمود. این کار بر اساس دستور الهی و نیز معرفی اهل بیت خود به امت اسلامی صورت گرفته است و استدلال جناب سالوس به این روایات به هیچ وجه قابل قبول نیست.

۵. اما دعای پیامبر اسلام (ص) درباره اهل بیت (ع)، همان گونه که گذشت، به معنای معرفی اهل بیت مورد اشاره در آیه تطهیر و نیز تقاضای استمرار و تداوم عنایت الهی در تطهیر آنها بوده است که در این خصوص نیز در پاسخ شبهه نهم، مطالب لازم ارایه شده است. بنابراین، استدلال جناب سالوس و ابن تیمیه به این مسئله نیز کاملاً بی اساس و بدون دلیل منطقی است.

۶. در خصوص روایت مذکور در کتاب صحیح البخاری نیز باید گفت:

(الف) رفتار مؤلفان صحیحین با اهل بیت عصمت و طهارت (ع) کاملاً عجیب و مشکوک است

و این مسئله در صحیح بخاری بیشتر به نظر می‌رسد.

بخاری در کتاب خود از خوارج و ناصبیه‌ها احادیث فراوان می‌آورد، اما از اهل بیت (ع) اصلاً حدیثی را نقل نمی‌کند. وی حتی از عمران بن حطان که از بزرگان، فقها و خطبای خوارج به حساب می‌آید، به نقل حدیث می‌پردازد، اما از امام باقر یا امام صادق (ع) حدیثی را نقل نمی‌کند. در حالیکه

بخاری از نظر زمانی به امام صادق (ع) نزدیک بوده و تقریباً صد سال بعد از آن حضرت (ع) وفات یافته است. همچنین وی از کسانی که از امام صادق (ع) حدیث نقل کرده اند، حدیث روایت می‌کند، ولی از خود امام صادق (ع) حدیث یا روایتی را نقل نمی‌کند... و اگر احياناً بخاری حدیثی را از اهل بیت (ع) نقل نماید، معمولاً ضعیف و جعلی است که حدیث منسوب به امام علی بن الحسین (ع) یکی از نمونه‌های آن است.

۷. روایت موجود در کتب المسند و صحیح بخاری، با روایات متواتر و صحیح فریقین به طور کامل مخالفت دارد که بر اساس آنها، پیامبر اکرم (ص) به مدت چند ماه به در خانه علی و فاطمه می‌آمد و پس از سلام دادن، آنها را به نماز فرا می‌خواند و سپس آیه تطهیر را تلاوت می‌نمود. در هیچ یک از آنها اشاره‌ای به اعتراض امام علی (ع) و یا - نعوذ بالله - جواب تند آن حضرت (ع) به پیامبر اکرم (ص) وجود ندارد.^{۱۵۰}

۸. همچنین این روایات با روایات متواتر و صحیح خود مذهب اهل سنت و نیز مذهب اهل بیت (ع) مخالفت شدید دارد که در آن روایات، علی بن ابی طالب (ع) به عنوان اولین مرد مؤمن و مسلمان و نماز گزار معرفی شده است، عبد الله بن عباس درباره امام علی (ع) چنین می‌گوید:

هو اول عربی و اعجمی صلی مع رسول الله (ص)؛^{۱۵۱} او (علی بن

ابی طالب) اولین عرب و غیر عرب بود که با پیامبر خدا (ص) نماز گزارد.

جهت ملاحظه این نوع روایات می‌توانید به منابع ذیل مراجعه کنید:

۱. کتاب السنة، ابن ابی عاصم شیبانی، ص ۵۸۴، حدیث ۱۳۲۴.
۲. خصائص امیرالمؤمنین، نسایی، ص ۲۹، ح ۷؛ ص ۲۵ - ۲۶، ح ۲؛ ص ۳۰، ح ۸؛ ص ۲۶، ح ۳.
۳. مناقب علی بن ابی طالب، ابن مغزلی، ص ۱۴ ح ۱۸؛ ص ۱۵ - ۱۶، ح ۲۲.
۴. المناقب، خوارزمی، ص ۵۶، ح ۲۲؛ ص ۵۲، ح ۱۵.
۵. المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۱۱۲ و ۱۳۶.
۶. شواهد التنزیل، حاکم حسکائی، ج ۱، ص ۹۰، ح ۱۲۷.
۷. مناقب علی بن ابی طالب، ابن مردویه، ص ۱۸۶، ح ۲۴۹ و ...

از طرف دیگر، بر اساس ادله قرآنی، حدیثی، تاریخی و اعتراف همه اصحاب و تابعین، علی بن ابی طالب (ع) برترین، بهترین و با تقوا ترین صحابه پیامبر اسلام (ص) بوده است. با این حال، چگونه ممکن است که این شخصیت بزرگ، به پیامبر اسلام (ص) بی حرمتی کند و موجب تعجب وی باشد؟

طهری

شماره ۸ و ۹

▽

۱۵۶

۹. همچنین گفتنی است که روایات موجود در کتب المسند و صحیح بخاری از دیدگاه مذهب

اهل بیت(ع)، احادیث و روایات صحیح به شمار نمی‌آید. چون راویان این روایات از دیدگاه دانشمندان رجالی ما توثیق نشده‌اند و مجهول به شمار می‌آیند و اگر احیاناً نامی از آنها برده شده است، بدون هیچ جرح و تعدیل است.

یکی از این راویان، محمد بن مسلم بن عبید الله معروف به زهری یا ابن شهاب است که او هم وضع چندان خوبی ندارد. بر اساس گفته ابو جعفر رشید الدین محمد بن علی بن شهر آشوب (م ۵۸۸هـ) «زهری از عاملان و خادمان بنی امیه بود و به خاطر کشتن مردی از بنی امیه از آنها گریخت و به غاری پناه برد. پس از چند سال امام زین العابدین(ع) او را در مراسم حج دیده و مورد لطف خود قرار داد و دیه کامل مرد مقتول را به وی پرداخت نمود که پس از این واقعه زهری از اصحاب آن حضرت شد و در این موقع برخی از بنی مروان او را به تمسخر گرفتند.»^{۱۵۲}

با توجه به مطلب مذکور می‌توان چنین نتیجه گرفت که محمد بن مسلم زهری یا ابن روایات را در زمان خدمت به بنی امیه جعل نموده است. و یا پس از پیوستن زهری به امام سجاد(ع) دشمنان اهل بیت(ع)، یعنی بنی امیه و بنی مروان، این روایات را از زبان زهری جعل نموده و وارد روایات اسلامی کرده‌اند.

۱۱. آیه تطهیر و عصمت اهل بیت(ع)

آیه تطهیر به همراه روایات مربوط به آن، بر عصمت اهل بیت مورد خطاب در آن دلالت می‌کند، ولی قبول این حقیقت نیز بعضی را بر آن واداشته است که تا برای انکار این حقیقت سخنانی را مطرح کنند. جناب علی احمد سائوس در همین خصوص می‌نویسد:

عصمت و دوری از هر گونه گناه بزرگ و کوچک و عمدی و سهوی از ابتدای عمر تا روز وفات، امری است که با طبیعت بشر منافات دارد و عقل آن را قبول نمی‌کند مگر به وسیله دلیل قطعی از روایات، در حالیکه این آیه [تطهیر] عصمتی را برای امامان ثابت نمی‌کند.^{۱۵۳}

نقد و بررسی

۱. ادعای منافات عصمت با طبیعت بشری و عدم دلالت آیه تطهیر بر عصمت امامان(ع)، از شخصی مانند جناب سالوس بسیار شگفت‌انگیز است. چون در مورد مسئله عصمت، ادله^{۱۵۴} محکم عقلی، قرآنی، روایی و نیز سایر شواهد و قراین تاریخی ... وجود دارد. در اینجا به صورت خلاصه، دو دلیل عقلی را ارایه می‌کنیم:

دلیل اول

۱. خداوند متعال برای هدایت انسانها پیامبرانی را فرستاده و برای آنها جانشینانی قرار داده است؛
۲. اگر یکی از پیامبران یا جانشینان آنها کاری را برخلاف دستور الهی انجام دهد و یا دچار اشتباه و خطایی شود، اعتماد مردم از آنها سلب می‌شود؛
۳. اگر یکی از پیامبران یا جانشینان آنها دچار خطاء اشتباه یا فراموشی شود، در رساندن دستور واقعی الهی به مردم خلل پدید می‌آید و در نتیجه، مردم به جای هدایت، گمراه می‌شوند که این هم با فلسفه ارسال رسل و انزال کتب الهی کاملاً منافات دارد.
۴. بنابراین، عصمت پیامبران و جانشینان آنها کاملاً ضروری و لازم است.

دلیل دوم

۱. انسان موجودی اجتماعی و دارای ویژگیهایی همچون شهوت، غضب و... است؛
 ۲. هر زندگی اجتماعی نیازمند قانون و مجری شایسته است و نبود قانون و مجری شایسته موجب هرج و مرج و فساد جامعه انسانی خواهد شد؛
 ۳. بدون شک تعیین قانون و رهبر شایسته از عهده انسانها خارج است و تنها خالق انسان که از نیازهای مادی و معنوی او آگاهی کامل دارد، قادر به تعیین آن دو است و بنابراین اصل نبوت و رسالت اثبات می‌شود؛
 ۴. برای دریافت این قانون کامل از طرف خداوند متعال باید شخصی وجود داشته باشد که از هر گونه گناه، خطا و فراموشی پیراسته و در دریافت و ابلاغ آنها به مردم معصوم باشد. همچنین لازم است جانشینان واپسین پیامبر نیز همچون او، دارای ویژگی عصمت باشند. چون آنها ادامه دهنده راه پیامبر (ص) هستند.
 ۲. تعدادی از آیات نورانی قرآن کریم نیز بر عصمت پیامبران الهی دلالت دارد که در اینجا به طور گذرا به آنها اشاره می‌کنیم:
- در سوره حجر، آیات ۳۴ - ۴۲، خداوند متعال از سرکشی شیطان در برابر دستور خود و عدم سجده به آدم (ع) و اخراج او و فرصت دادن به شیطان تا روز معین و اعتراف شیطان به فریبندگان الهی - به جز افراد «مخلص» - سخن می‌گوید. در سوره یوسف، آیه ۲۴، سوره مریم، آیه ۵۱ و سوره ص، آیات ۴۵ - ۴۶، خداوند متعال، حضرت یوسف (ع)، موسی (ع)، ابراهیم (ع)، اسحاق (ع) و یعقوب (ع) را بندگان مخلص و خالص شده معرفی می‌کند.
- در قرآن کریم واژه «مخلص» تنها در مورد پیامبران الهی به کار رفته است و با توجه به اینکه گناه، خطا، اشتباه و... از مصادیق فریب شیطان به حساب می‌آید، شیطان قادر به فریب پیامبران نیست.

طهر

تعمیر
۷
۹

▽

۱۵۸

در سوره بقره، آیه ۱۲۴، خداوند متعال از نصب ابراهیم (ع) به عنوان امام سخن گفته و بر عدم واگذاری این پیمان الهی به افراد ظالم تأکید می‌ورزد. این در حالی است که در آیه سیزدهم سوره لقمان، شرک و در آیه ۲۲۹ سوره بقره، تعدی و تجاوز از حدود الهی ظلم و ستمکاری معرفی شده است. بنابراین، عصمت رهبران الهی خود به خود ثابت می‌شود.

۳. در روایات فریقین هم با روایاتی مواجه می‌شویم که به طور صریح و روشن بر عصمت پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت آن حضرت (ص) دلالت آشکار دارد.

۴. بدون شک سخن جناب سالوس ناشی از آیاتی شده است که از ظاهر آنها گناهکار و خطاکار بودن تعدادی از پیامبران الهی فهمیده می‌شود، در حالی که همه این آیات توجیهاً و تفاسیر منطقی و مورد قبول دارد که در کتب مختلف مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.^{۱۵۴}

۵. همچنین آیه تطهیر نیز با توجه به مباحث و مطالب مطرح شده در بخش اول به صورت روشن بر عصمت اهل بیت مورد خطاب در آیه دلالت دارد.

با وجود این، با کدام دلیل و قرینه اساسی می‌توان ادعا کرد که آیه تطهیر بر عصمت اهل بیت دلالت ندارد و مسئله عصمت با طبیعت بشری منافات دارد؟ بنابراین، شبهه مذکور نیز اهمیت و استحکام ندارد و از بین می‌رود.

۱۲. آیه تطهیر و ذکر نشدن اسامی امامان (ع) در قرآن کریم

یکی دیگر از مهم‌ترین شبهات و سؤالات مربوط به دیدگاه مذهب اهل بیت (ع) در خصوص آیه تطهیر، عدم ذکر نام امامان (ع) در آیه تطهیر و یا در سایر آیه‌های قرآن کریم است. می‌گویند: اگر نام امامان در آیه تطهیر یا آیات دیگر قرآنی ذکر می‌شد، در طول قرن‌ها شاهد این همه اختلاف در میان امت اسلامی نبودیم...

نقد و بررسی

۱. قرآن کریم به پیامبر عظیم‌الشان اسلام (ص) نازل شده و آن حضرت صاحب شریعت اسلامی به حساب می‌آید. با وجود این، نام آن حضرت (ص) در قرآن کریم تنها پنج مرتبه ذکر شده است.^{۱۵۵}

۲. پیامبر اسلام (ص) دارای همسران متعددی بود و حضرت خدیجه (ره) بهترین آنان به حساب می‌آمد ولی نام هیچ‌یک از آنها حتی یک بار هم در قرآن کریم ذکر نشده است.

۳. همچنین آن حضرت (ص) هزاران صحابه داشتند، ولی در قرآن کریم جز نام زید بن حارثه^{۱۵۶} - فرزند خوانده آن حضرت (ص)، - و آن هم تنها یک بار، ذکر نشده است.

از این موارد می‌توان نتیجه گرفت که روش قرآن کریم ذکر نام اشخاص نیست و ذکر نام اشخاص از جزئیات به حساب می‌آید که آن نیز هم توسط مفسر حقیقی قرآن کریم، رسول اکرم

(ص)، انجام گرفته است و روایات متواتر و صحیح فریقین است که در مورد آیه تطهیر و مصادیق آن سخن می‌گویند.

۴. خداوند متعال در قرآن کریم پیامبر اسلام (ص) را به عنوان مبین و روشن ساز آیات قرآنی^{۱۵۷} معرفی نموده است و در جای دیگر در مورد تبعیت از دستوره‌های پیامبر اسلام (ص) تأکید می‌ورزد.^{۱۵۸} آن حضرت (ص) نیز علاوه بر تفسیر و تبیین مصادیق اهل البیت در آیه تطهیر، اهل بیت خود را بر اساس آیات نورانی قرآن کریم و روایات متعدد معرفی نموده است و در این خصوص دیگر هیچ شبهه و مسئله‌ای پنهان باقی نمانده است.

در خصوص آیات قرآنی می‌توان از آیات «اولی الامر» - نساء، آیه ۵۹ - «مباهله» - آل عمران، آیه ۶۱ - «مع الصادقین» - توبه، آیه ۱۹ - «اهل الذکر» - نحل، آیه ۴۳ - «مودت» - شوری، آیه ۲۳ - «تبلیغ و اکمال» - مائده، آیات ۳ و ۶۷ - «ولایت» - مائده، آیه ۵۵، و از میان احادیث می‌توان از احادیث «ثقلین»، «تعداد امامان»، «لزوم شناخت و بیعت با امام زمان»، «سفینه»، «امان» «منزلت» و ... نام برد. این احادیث علاوه بر اینکه در منابع فریقین موجودند، دارای سند صحیح و احیاناً متواترند و در آنها به امامت و رهبری امامان معصوم از اهل بیت (ع) تصریح شده است. حال این مشکل امت اسلامی است که با وجود این همه ادله و شواهد روشن، مقام مفسری پیامبر اکرم (ص) را فراموش نموده و درباره سخنان آن حضرت (ع) در خصوص معرفی اهل بیت خود سهل انگاری کرده‌اند.

۵. در حدیث صحیحی از کتاب اصول کافی، به این شبهه یا سؤال پاسخی مفصل داده شده است. که چنین است:

عن ابی بصیر قال: سألت أبا عبد الله (ع)... إن الناس يقولون: فما له لم يسم علياً و أهل بيته عليهم السلام في كتاب الله عزوجل؟ قال: فقال: قولوا لهم: إن رسول الله (ص) نزلت عليه الصلوة و لم يسم الله لهم ثلاثاً و لا اربعاً. حتى كان رسول الله (ص) هو الذي فسر ذلك لهم و نزلت عليه الزكوة و لم يسم لهم من كل اربعين درهماً درهم حتى كان رسول الله (ص) هو الذي فسر ذلك لهم و نزل الحج فلم يقل لهم: طوفوا اسبوعاً حتى كان رسول الله (ص) هو الذي فسر ذلك لهم و نزلت (اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منكم) و نزلت في علي و الحسن و الحسين فقال رسول الله (ص) في علي: من كنت مولاه فعلي مولاه و قال (ع): اوصيكم بكتاب الله و اهل بيته، فإني سألت الله عزوجل أن لا يفرق بينهما حتى

طهری

تفسیر
عزوه
۲۰

▽

۱۶۰

یوردهما علی الحوض، فأعطانی ذلك و قال: لا تعلموهم فهم اعلم منکم، و قال: إنهم لن یخرجوکم من باب هدی و لن یدخلوکم فی باب ضلالة. فلو سکت رسول الله (ص) فلم یبین من اهل بیته، لادعاهآ آل فلان و آل فلان و لکن الله عزوجل انزله فی کتابه تصدیقاً لنبیه (ص) انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهریکم تطهیراً) فكان علی و الحسن و الحسین و فاطمة علیهم السلام، فأدخلهم رسول الله (ص) تحت الکساء فی بیت ام سلمة ثم قال: اللهم إن لكل نبی اهلأ و ثقلأ و هؤلاء اهل بیتی و ثقلی، فقالت ام سلمة: الست من اهلك؟ فقال: انک الی خیر و لکن هؤلاء اهلی و ثقلی...»^{۱۵۹}

ابوبصیر می گوید: از امام صادق (ع) پرسیدم: مردم می گویند: چرا نام علی و خانواده اش در قرآن برده نشده است؟ حضرت (ع) فرمود: «به آنها بگویند: آیه نمار بر پیامبر نازل شده و از سه رکعتی و چهار رکعتی آن نام برده نشد، تا اینکه پیامبر خدا (ص) خود برای مردم بیان کرد؛ و آیه زکات بر آن حضرت (ص) نازل شد و نام برده نشد که زکات از هر چهل درهم یک درهم است، تا اینکه خود پیامبر (ص) آن را برای مردم شرح داد؛ و امر به حج نازل شد، ولی به مردم نگفت که هفت دور طواف کنید، تا اینکه خود پیامبر خدا (ص) برای [مردم] توضیح داد؛ و آیه «اطاعت کنید از خدا و اطاعت کنید از پیامبر و صاحبان امر از خودتان» (نساء ۹۵)، نازل شد و درباره علی، حسن و حسین هم نازل شد [چون هنگام نزول آیه تنها همین سه نفر از ائمه حاضر بودند]. پس پیامبر (ص) درباره علی (ع) فرمود: هر کس من مولای او هستم، علی مولای او است؛ و نیز فرمود: درباره کتاب خدا و اهل بیتم به شما سفارش می کنم، من از خدای - عزوجل - خواسته ام که میان آنها جدایی نیندازد تا آنها را کنار حوض به من برساند، خدا [هم] خواسته مرا اعطا کرد؛ و نیز فرمود: شما چیزی را به آن ها نیاموزید که آنها از شما داناترند؛ و نیز فرمود: آنها شما را هرگز از در هدایت بیرون نمی کنند و هرگز شما را به در گمراهی وارد نمی سازند. اگر پیامبر خدا (ص) خاموشی می گزید و اهل بیت خود را معرفی نمی کرد، آل فلان و آل فلان آن را برای خود ادعا می کردند؛ ولی خدای عزوجل برای تصدیق پیامبرش (ص) آن را در کتاب خود نازل فرمود: «خدا فقط می خواهد پلیدی را از شما اهل بیت دور کند و شما را کاملاً پاکیزه گرداند». [آن موقع در خانه ام سلمه علی، حسن، حسین و فاطمه (ع) بودند. پیامبر خدا (ص) آنها را در خانه ام سلمه زیر کسا گرد آورد و سپس گفت: خدایا، هر پیامبری دارای اهل و خاندانی است و اینان اهل بیت و خاندان من هستند. ام سلمه گفت: من از اهل

بیت شما نیستیم؟ [پیامبر خدا] فرمود: همانا تو بر خیر و نیکی هستی؛ ولیکن اینان اهل و خاندان من هستند.

ع به عنوان سخن پایانی درباره این شبهه یا سؤال باید بگوییم که شاید ذکر نام امامان معصوم (ع) در قرآن کریم مشکلات دیگری را به دنبال داشته. یکی از آنها می‌توانست احتمال تحریف قرآن کریم در صورت ذکر نام امامان معصوم (ع) باشد.

با وجود اینکه پیامبر اسلام (ص) مصادیق اهل بیت در آیه تطهیر را به صورت روشن بیان فرموده و این روایات مورد قبول و پذیرش فریقین است ولی در طول تاریخ شاهد بوده‌ایم که برخی افراد در خصوص آیه تطهیر، دیدگاهها و اجتهاداتی غیر واقعی را مطرح کرده و برای تحریف سخن پیامبر اسلام (ص) و یا نادیده گرفتن آن کوشش نموده‌اند.

حال اگر نام امامان (ع) در قرآن کریم ذکر می‌شد، شاید امثال همین اشخاص به کارهایی خطرناک تر از این دست می‌یازیدند و تنها خداوند می‌داند که در آن صورت چه اتفاقی می‌افتاد...

۱۳. آیه تطهیر و سایر امامان از اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام)

یکی دیگر از شبهات، سؤالات و ابهامات موجود درباره آیه تطهیر، ادعای عدم تعلق آیه تطهیر به سایر امامان (ع) اهل بیت پیامبر اسلام (ص) است. جناب علی احمد سالوس در همین خصوص می‌نویسد:

اگر آیه تطهیر را به پنج تن منحصر بدانیم، پس چگونه است که [طرفداران مذهب اهل بیت] آن را شامل سایر امامان دوازده گانه نیز می‌دانند؟^{۱۶۰}

طهر

نقد و بررسی

قبل از پاسخ به این شبهه یا سؤال درباره چند بحث علوم قرآنی مطالبی به اختصار بیان می‌کنیم:

الف) جریان قرآن کریم در همه زمانها و مکانها؛

یکی از علوم مسلم قرآنی که قرآن پژوهان آن را در کتب تفسیری و علوم قرآنی مطرح کرده اند، بحث جری و انطباق و شمولیت قرآن کریم بر همه زمانها و مکانهاست. چنین نیست که قرآن کریم برای یک زمان، مکان و قوم خاص نازل شده باشد و دیگران را شامل نشود. در این مورد روایات متعددی از اهل بیت (ع) نقل شده که مهم ترین آنها عبارت‌اند از:

۱
۲
۳
۴

▽

۱۶۲

روایت اول

قال الامام الباقر (ع): إن القرآن حي لا يموت، و الآية حية لا تموت، فلو كانت الآية اذا نزلت في الاقوام، ماتوا، ماتت الآية لمات القرآن ولكن هي جارية في الباقيين كما جرت في الماضين؛^{۱۶۱} حضرت امام باقر (ع) فرمود: همانا قرآن زنده است و نمی میرد و آیه [نیز] زنده است و نمی میرد. اگر یک آیه [قرآن] درباره اقوام [خاصی] نازل می شد، با مردن آن اقوام، آیه و قرآن نیز می میرد. قرآن، همان گونه که درباره گذشتگان جاری بود، درباره بقیه نیز در جریان است.

روایت دوم

قال الامام الصادق (ع): إن القرآن حي لا يموت و إنه يجرى كما يجرى الليل و النهار و كما يجرى الشمس و القمر و يجرى على آخرنا كما يجرى على اولنا؛^{۱۶۲} حضرت امام صادق (ع) فرمود: همانا قرآن زنده است [و] نمی میرد و همانا قرآن مانند جریان شب و روز و مانند جریان خورشید و ماه در جریان است و همان گونه که در مورد اول ما در جریان بود، درباره آخر ما نیز جریان دارد.

روایت سوم

شخصی از امام صادق (ع) پرسید: «ما بال القرآن لا يزداد على النشر و الدرس إلا غضاضة؛ چه شد که قرآن کریم با این همه نشر و درس [کهنه نمی شود و همواره] طراوت و نو بودن آن بیشتر می گردد؟»
فقال (ع): لأن الله تبارك و تعالى لم يجعله لزمان دون زمان و لالناس دون ناس، فهو في كل زمان جديد و عند كل قوم غض إلى يوم القيامة؛^{۱۶۳} حضرت امام صادق (ع) فرمود: چون خداوند تبارک و تعالی [قرآن را] مخصوص یک زمان و یک قوم [خاص] قرار نداده است. پس [قرآن] تا روز قیامت در هر زمانی جدید و نزد هر قومی با طراوت و نو است.

همان گونه که از روایات مذکور به دست می آید، قرآن کریم تنها برای یک زمان و ملت خاص نازل نشده و تا روز قیامت همچون خورشید و ماه برای همه زمانها و مکانها و ملتها در جریان است.
(ب) تاویل قرآن کریم

موضوع تاویل از مسایل مهم علوم قرآنی به حساب می آید که دانشمندان علوم قرآنی و مفسران آن را در مقابل «تنزیل» قرار داده اند و منظور از آن، تبیین معانی آیات متشابه به وسیله

آیات محکم و نیز بیان معانی نهفته در یک آیه است که در مقابل معانی ظاهری قرآن کریم قرار دارد. بنابراین، معانی قرآن کریم تنها به ظاهر آنها منحصر نبوده، بلکه علاوه بر معانی ظاهر، معانی غیر ظاهری نیز از حقایق قرآنی به حساب می‌آید که بوسیله تأویل روشن می‌شود.

ج) باطن قرآن کریم

موضوع باطن قرآن کریم در مقابل ظاهر قرآن کریم قرار دارد و منظور از آن، معانی نهفته در داخل آیات الهی است که از ظاهر کلام به دست نمی‌آید. رسول اکرم (ص) در این خصوص می‌فرماید:

ان للقرآن ظهراً و بطناً و لبطنه بطن اى سبعة ابطن^{۱۶۴} همانا برای

[آیات] قرآن، ظاهر و باطنی است و برای باطن آن، تا هفت [مرحله] باطن

وجود دارد.

همچنین حضرت امام باقر (ع) در پاسخ شخصی که از معانی ظاهری و باطنی قرآن کریم می‌پرسید، چنین فرمود: «ظهره تنزیله و بطنه تأویله»^{۱۶۵}... ظاهر قرآن تنزیل [معانی ظاهری و نازل شده] آن است و باطن قرآن، تأویل آن به شمار می‌آید.»

بنابراین، نباید همه حقایق قرآنی را در ظاهر الفاظ آن دنبال کرد، بلکه علاوه بر ظاهر، معانی باطنی نیز وجود دارند. با اینکه هنگام نزول آیه تطهیر تنها پنج نفر حاضر بودند و آیه تطهیر آنها را مورد مخاطب قرار داده بود، ولی بر اساس موضوعات «جری و انطباق»، «تأویل» و «باطن» آیات قرآنی، این آیه شامل سایر امامان از اهل بیت پیامبر اسلام (ص) نیز می‌شود.

۲- درباره شمولیت و تعلق آیه تطهیر به سایر امامان (ع) روایاتی موجود می‌باشد که به دو نمونه از آنها اشاره می‌کنیم:

روایت اول

«... عبد الرحیم بن روح القصیر عن ابی جعفر (ع) فی قول الله

عزوجل (التی اولى بالمؤمنین من انفسهم و ازواجه امهاتهم و اولوا

الارحام بعضهم اولى ببعض فی کتاب الله) فیمن نزلت؟ فقال: نزلت فی

الامرأة إن هذه الایة جرت فی ولد الحسین علیه السلام من بعده فتحن اولى

بیمر و برسول الله (ص) من المؤمنین و المهاجرین و الانصار. قلت: فولد

جعفر لهم فیها نصیب؟ قال: لا، قلت: فولد العباس فیها نصیب؟ فقال: لا،

فعددت علیه بطون بنی عبد المطلب، کل ذلك یقول: لا. قال: و نسیت ولد

طهر

شماره ۸ و ۹

▽

۱۶۴

الحسن (ع)، فدخلت بعد ذلك عليه، فقلت له: هل لولد الحسن قبيها نصيب؟ فقال: لا، والله يا عبدالرحيم، ما محمدى فيها نصيب غيرنا؛^{١٦٦}

... عبد الرحيم بن روح القصير نقل می کند که از امام باقر (ع) درباره این آیه سؤال کردم: «پیامبر نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است و همسران او مادران آنها [مؤمنان] شمرده می شوند و خویشاوندان نسبت به یکدیگر از مومنان و مهاجران در آنچه خدا مقرر داشته، اولی هستند این حکم در کتاب خدا نوشته شده است». پرسیدم که درباره چه کسی نازل شده است. حضرت (ع) فرمود: [این آیه] درباره امر ولایت و رهبری نازل شده است. این آیه پس از حسین (ع) در میان فرزندان جاری شد. پس ما به پیامبر و امر امامت، از مؤمنان، مهاجران و انصار سزاوارتریم. گفتیم: آیا فرزندان جعفر [بن ابی طالب] از امامت بهره ای دارند؟ فرمود: نه. گفتیم: آیا برای فرزندان عباس [بن عبد المطلب] بهره ای هست؟ فرمود: نه. سپس من تمام شعبه های فرزندان عبد المطلب را برای آن حضرت (ع) شمردم [و] درباره همه می فرمود: نه؛ ولی من فرزندان حسن (ع) را در آن مجلس فراموش کردم. بعداً که خدمت آن حضرت (ع) رسیدم، پرسیدم: آیا برای فرزندان حسن (ع) از امامت بهره ای هست؟ حضرت (ع) فرمود: نه، به خدا سوگند ای عبدالرحيم! برای هیچ فردی که به محمد (ص) منسوب است، جز ما از آن [امامت و رهبری] بهره ای نیست».

راویت دوم

... عن عيد الرحمن بن كثير: قلت لابي عبدالله (ع): ما عني الله عزوجل بقوله: (انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت و يطهركم تطهيراً)؟ قال: نزلت في النبي و امير المؤمنين و الحسن و الحسين و فاطمة عليهم السلام فلما قبض الله عزوجل نبيه، كان امير المؤمنين، ثم الحسن، ثم الحسين عليهم السلام، ثم وقع تأويل هذه الآية (و اولوا الارحام بعضهم اولى ببعض في كتاب الله) و كان علي بن الحسين عليهم السلام اماماً، ثم جرت في الائمة من ولده الاوصياء عليهم السلام قطاعتهم طاعة الله، و معصيتهم معصية الله عزوجل؛^{١٦٧}

... عبد الرحمن بن كثير نقل می کند که به امام صادق (ع) گفتم: خداوند - عزوجل - با قول خود «خدا فقط می خواهد پلیدی را از شما اهل بیت دور کند و شما را کاملاً پاکیزه سازد» چه چیزی را قصد نموده است؟ حضرت (ع)

فرمود: [این آیه] درباره پیامبر، امیرالمؤمنین، حسن و حسین و فاطمه (ع) نازل شده است. چون خداوند پیامبرش را به لقای خویش فرا خواند، [نوبت] به امیر المؤمنین، سپس حسن و سپس حسین (ع) رسید، پس از آن تأویل این، آیه «و خویشاوندان نسبت به یکدیگر در کتاب خدا سزوارترند» واقع شد و [بر اساس آن] علی بن الحسین (ع) امام شد و پس از آن درباره سایر امامان از فرزندان او که اوصیا (ع) بودند، جاری گشت. پس اطاعت از آنها از اطاعت خداوند و معصیت آنها معصیت خداوند - عزوجل - است.

بر اساس این روایات و روایات مشابه آن، آیه تطهیر و امر امامت و رهبری به سایر امامان (ع) نیز دلالت دارد. نتیجه می‌گیریم که قرآن کریم برای همه زمانها و مکانها و ملتها نازل شده و آیه تطهیر به طور روشن شامل همه امامان معصوم (ع) از اهل بیت پیامبر اکرم (ص) می‌شود. ۳ همان گونه که در پاسخ به شبهه دوازدهم ذکر شد، پیامبر اکرم (ص) در احادیث متواتر و صحیحی همچون «ثقلین» و «سقیته» و... درباره اهل بیت خود سفارش نموده و بر اطاعت امت اسلامی از آنها تأکید ورزیده‌اند که این هم در نوع خود با در نظر گرفتن شرایط امامت و رهبری، بر تعلق آیه تطهیر به سایر امامان (ع) دلالت می‌کند.

در حدیثی می‌خوانیم که حضرت امام رضا (ع) در شهر مرو و در مجلس مأمون که جماعتی از علمای عراق و خراسان در آنجا حضور داشتند، حضور یافت. مأمون پرسید: منظور از عترت طاهره چیست؟ حضرت امام رضا (ع) فرمود:

«الذین وصفهم الله فی کتابه فقال جل و عز: انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یرحمکم تطهیراً. و هم الذین قال رسول الله (ص): انی محلف فیکم الثقلین: کتاب الله و عترتی اهل بیتی...»^{۱۶۸} منظور از عترت طاهره همان کسانی است که خداوند متعال آنها را در کتاب خود وصف نموده و فرموده است: همانا خداوند می‌خواهد گناه و پلیدی را از شما اهل بیت دور کند و شما را کاملاً پاکیزه گرداند. و [نیز] آنها کسانی اند که رسول خدا (ص) [درباره آنها] فرموده است: همانا من در میان شما دو چیز [گرانبها] می‌گذارم: کتاب خدا [قرآن] و عترت من که اهل بیت من هستند...

۴. جالب تر اینکه در تعدادی از احادیث شریف که در منابع فریقین موجود است، پیامبر اکرم (ص) امامان پس از خود را دوازده تن و همگی آنها را معصوم و مطهر از گناهان و پلیدیها معرفی کرده است، که در اینجا دو روایت را می‌آوریم:

الف) قال رسول الله (ص): الائمة بعدی اثنا عشر عدد نقباء بنی اسرائیل کلهم امناء اتقیاء معصومون؛^{۱۶۹} پیامبر اکرم (ص) فرمود: امامان

پس از من، به عدد نقبا و رهبران بنی اسرائیل، دوازده نفرند که همگی آنها امین، با تقوا و معصوم هستند.

ب) قال رسول الله (ص): انا و علی و الحسن و الحسين و تسعة من ولد الحسين مطهرون معصومون؛^{۱۷۰} پیامبر اکرم (ص) فرمود: من علی، حسن و حسین و نه [امام] از فرزندان حسین [از همه گناهان و پلیدیها] مطهر و معصوم هستیم.

همان گونه که قبلاً بیان شد، مهم ترین دلیل اثبات عصمت اهل بیت (ع) آیه شریف تطهیر است. معرفی شدن امامان دوازده گانه با ویژگی «مطهر» و «عصمت» در این روایات، نشان دهنده آن است که آیه «تطهیر» علاوه بر «پنج تن آل عبا» (ع) سایر امامان دوازده گانه را نیز شامل می شود.

۵. پیش تر در مورد ضرورت عصمت امامان و رهبران امت اسلامی، دلایل عقل را ارائه نمودیم که، این ادله در خصوص همین شبهه نیز کاربرد دارد.

۶. احتجاج امامان (ع) به آیه تطهیر، معرفی خود به عنوان مصداقی از مصداق آن، قرینه محکم دیگری است که تعلق آیه تطهیر به سایر امامان از اهل بیت پیامبر اکرم (ص) را تأیید می کند.^{۱۷۱}

۷. همچنین شهادت تاریخ نیز از سوی دیگر، امامان (ع) را پاکیزه و معصوم و مطهر معرفی می کند، بر اساس اعتراف برادران مذهب اهل بیت و اهل سنت، امامان دوازده گانه اهل بیت پیامبر اکرم (ص)، برترین، با تقواترین، داناترین و زاهدترین اشخاص زمان خود بوده اند. بنابراین، بی تردید آیه شریفه تطهیر، سایر امامان (ع) را شامل می شود و در این مورد هیچ شبهه ای باقی نمی ماند.

بخش پایانی: نتایج کلی مباحث گذشته

آنچه از مطالب و مباحث گذشته به دست می آید عبارت است

۱. منظور از اهل بیت و اهل بیت پیامبر اسلام (ص)

بر اساس مباحث گذشته، منظور از «اهل البیت»، پیامبر عظیم الشان اسلام (ص)، امام علی (ع)، حضرت فاطمه (س)، امام حسن (ع)، امام حسین (ع)، و به دنبال آنها، امام زین العابدین (ع)، امام باقر (ع)، امام صادق (ع)، امام کاظم (ع)، امام رضا (ع)، امام جواد (ع)، امام هادی (ع)، امام حسن عسکری (ع)، و امام مهدی (عج) است.

۱۶۷ اما اهل بیت پیامبر اسلام (ص)، شامل امام علی (ع)، حضرت فاطمه (س)، امام حسن (ع)، امام حسین و نه تن از اولاد معصوم آن حضرت می شود. بنابراین: کلمه «اهل البیت» یک اصطلاح قرآنی و حدیثی است و به هیچ وجه نباید معنای آن را با معانی عرفی و لغوی اشتباه گرفت.



۲. دلالت صریح آیه تطهیر بر عصمت اهل البیت (ع)

آیه تطهیر با توجه به واژه ها و ادات به کار رفته در آن و نیز بر اساس روایات متواتر و صحیح و شواهد و قراین دیگر، به طور صریح بر عصمت اهل البیت مسورد اشاره در آیه دلالت دارد و به معنای دوری و پاکی اهل البیت از هر گونه گناهان بزرگ و کوچک و اشتباه و فراموشی و... عمدی و سهوی است. بنابراین، در آیه تطهیر دو نوع انحصار وجود دارد: ۱. انحصار اراده الهی در دفع پلیدیها و نقصانها از اهل البیت (ع)؛ ۲. انحصار و اختصاص این عصمت در اهل البیت (ع)؛

۳. استمرار اراده خداوند در تطهیر اهل البیت (ع).

اراده الهی در آیه تطهیر، شامل یک زمان خاص نیست، بلکه همواره استمرار و تداوم دارد. سایر اراده‌های الهی مانند اراده نکردن ظلم و ستم به بندگان خود، اراده بیان حقیقت و هدایت همه انسانها و...^{۱۷۲} نیز مختص به یک زمان خاص نبوده، بلکه شامل همه زمانها و دورانهاست. بنابراین، زمانی که حتی یکی از اهل بیت (ع) در قید حیات است، این اراده الهی تداوم و استمرار خواهد داشت.

۴. اهل بیت (ع)، یگانه آشنایان واقعی با قرآن کریم

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

انه لقرآن کریم فی کتاب مکنون لا یمسه الا المطهرون؛^{۱۷۳} «همانا آن

قرآنی کریم است که در کتابی محفوظ جای دارد و جز پاکان [تطهیر شدگان]

نمی‌توانند به آن دست زنند [دست یابند].

مفسران درباره «المطهرون» دیدگاه‌های مختلفی ارائه داده اند:^{۱۷۴}

۱. منظور از آن فرشتگان الهی هستند؛

۲. در دیدگاه عده‌ای دیگر، منظور از آن افراد با طهارت اند که مجاز به مس قرآن کریم‌اند و

دیگران [افراد بدون طهارت] مجاز به مس آن نیستند.

۳. در یک دیدگاه هم منظور از آن تطهیر شدگان از گناهان پلیدیها و کسانی مانند پیامبران،

فرشتگان و بندگان مقرب الهی‌اند. در این صورت، منظور از مس قرآن، دستیابی به حقایق قرآنی و

درک واقعی مراتب عالی آن است.

با توجه به اینکه در برخی روایات برای دیدگاه سوم تأکیدی وجود دارد،^{۱۷۵} و از طرف دیگر آیه

تطهیر از تطهیر شدن اهل البیت (ع) خبر می‌دهد نتیجه می‌گیریم که اهل البیت (ع) یگانه آشنایان و

درک کنندگان واقعی قرآن کریم در میان امت اسلامی به حساب می‌آیند، اما در عین حال ممکن

است منظور از آیه، شامل همه معانی مذکور نیز باشد.

طهر

۳۳
۸
۹

▽

۱۶۸

۵. برتری اهل بیت (ع) در رهبری و امامت همه جانبه امت اسلامی

اهل بیت (ع) که از همه گناهان و پلیدیها و اشتباهات و نواقص دور و پاکیزه‌اند، و غیر از آنها کسی در میان انسانها دارای چنین ویژگی الهی نیست، برای رهبری و امامت همه جانبه امت اسلامی و حتی امتها و ملت‌های دیگر لیاقت و برتری ویژه دارند. در این صورت، آیا عقلانی و منطقی است که این گروه پاک و معصوم کنار گذاشته شوند و در خصوص مسایل رهبری امت، حاکمیت، قضاوت و تفسیر قرآن و... به سراغ افراد غیر معصوم و فاقد چنین ویژگی الهی برویم؟ این پرسشی است که باید پاسخ آن را افراد و عالمان منصف و آگاه در زمانهای حال و آینده ارائه نمایند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. احزاب، آیه ۳۳.
۲. انعام، آیه ۱۹.
۳. نگاه کنيد سوره های توبه، آیه ۶۰ كهف، آیه ۱۱۰، حج، آیه ۴۹، جن، آیه ۲۰، ملك، آیه ۲۶، عنكبوت، آیه ۵۰، نور، آیه ۵۱.
۴. سيد محمد حسين طباطبائي، الميزان في تفسير القرآن، ج ۱۶، ص ۳۰۹، مؤسسه مطبوعاتي اسماعيليان، قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۲ هـ.
۵. راغب اصفهاني، مفردات الفاظ القرآن، ص ۳۷۱، تحقيق صفوان عدنان داودي، دارالقلم، دمشق، چاپ اول، ۱۹۹۶ م.
۶. سيد علي اكبر قرسي، قاموس قرآن، ج ۲، ص ۱۴۴ - ۱۴۶، دار الكتب الاسلاميه، چاپ ششم، ۱۳۷۲ ش.
۷. احمد بن محمد الفيومي، المصباح المنير، ج ۱، ص ۲۱۹، مؤسسه دار الهجرة، قم، چاپ اول، ۱۴۰۵ هـ.
۸. راغب اصفهاني، مفردات الفاظ القرآن، ص ۳۴۲.
۹. خليل بن احمد الفراهيدي، كتاب العين، ج ۲، ص ۹۷، انتشارات اسوه، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ هـ.
۱۰. مفردات الفاظ القرآن، ص ۵۲۵.
۱۱. سيد جعفر مرتضى عاملی، اهل البيت في آية التطهير، ص ۴۸، ترجمه محمد سپهری، مركز انتشارات دفتر تبليغات اسلامي، قم، چاپ دوم، ۱۳۷۹ ش.
۱۲. عنكبوت، آیه ۶۹.
۱۳. نصر بن محمد بن مسعود بن عياش السمرقندي، تفسير العياشي، ج ۱، ص ۱۲، المكتبة الاسلاميه، تهران، ۱۳۸۰ هـ.
۱۴. محمد بن جرير الطبري، جامع البيان عن تأويل آي القرآن، ج ۱۲، جزء ۲۲، ص ۸، دارالفكر، بيروت، ۱۹۸۸ م؛ اسماعيل بن كثير الدمشقي، تفسير القرآن العظيم، ج ۳، ص ۴۹۱، دار المعرفة، بيروت، چاپ دوم، ۱۹۸۷ م؛ جلال الدين سيوطي، الدر المنثور في التفسير المأثور، ج ۶ ص ۶۰۲ - ۶۰۳، دار الفكر، بيروت، ۱۹۹۳ م.
۱۵. تفسير القرآن العظيم، ج ۳، ص ۴۹۱ - ۴۹۲.
۱۶. رك: اهل البيت في آية التطهير، ص ۲۱، به نقل از الصواعق المحرقة، ابن حجر عسقلاني.
۱۷. محمد بن احمد القرطبي، الجامع لاحكام القرآن، ج ۱۴، ص ۱۸۲، دار احياء التراث العربي، بيروت، ۱۹۸۵ م.
۱۸. همان، ص ۱۸۳.
۱۹. ن.ك: اهل البيت في آية التطهير، ص ۲۱.
۲۰. همان، ص ۲۱.

٢١. ابو على الفضل بن الحسن الطبرسي، مجمع البيان في تفسير القرآن، ج ٨، ص ٥٥٩، دار المعرفة، بيروت، ١٩٨٦ م؛ طباطبائي، الميزان في تفسير القرآن، ج ١٦، ص ٣١٠.

٢٢. همان.

٢٣. اهل البيت في آية تطهير، ص ٢٢؛ آية التطهير في احاديث الفريقين، ج ١ و ٢.

٢٤. الميزان في تفسير القرآن، ج ١٦، ص ٣١١.

٢٥. نحل، آيه ٤٤.

٢٦. حشر، آيه ٧.

٢٧. احمد بن موسى ابن مردويه، مناقب على بن ابي طالب (ع)، ص ٣٠١، شماره ٤٧٥، جمع و ترتيب: عبدالرزاق محمد حسين حرز الدين، دار الحديث، قم، چاپ اول، ١٤٢٢ هـ لازم به ذكر است كه محدث مذهب اهل سنت حاكم حسانى (م ٤٧١ هـ) در كتاب شواهد التنزيل تعداد اين روايات و احاديث را فراوان بيان کرده است. شواهد التنزيل، ج ٢، ص ١٠.

٢٨. مولى محسن فيض كاشانى، تفسير الصافي، ج ٤، ص ١٨٩، تحقيق حسين الاعلى، مؤسسة الاعلمى للمطبوعات، بيروت، چاپ دوم، ١٩٨٢ م.

٢٩. البحرانى، سيد هاشم، غاية المرام، ج ٣، ص ١٧٣ - ٢١١، تحقيق سيد على عاشور، مؤسسة التاريخ العربى، بيروت، چاپ اول، ٢٠٠١ م.

٣٠. طباطبائي، الميزان في تفسير القرآن، ج ١٦، ص ٣١١.

٣١. كلينى، محمد بن يعقوب، الاصول من الكافي، ج ١، ص ٢٨٦ - ٢٨٧؛ مجلسى، محمد باقر، بحار الانوار، ج ٣٥، ص ٢١١.

٣٢. شيخ طوسى، الامالى، ص ٣٦٨ و ٧٨٣؛ غاية المرام، ج ٣، ص ٢٠١.

٣٣. جامع البيان عن تأويل آي القرآن، ج ١٢، جزء ٢٢، ص ٦٠؛ رازى، ابن ابى حاتم، تفسير القرآن العظيم، ج ٩، ص ٣١٣١، حديث ١٧٦٧٣؛ ابن كثير، تفسير القرآن العظيم، ج ٣، ص ٤٩٤؛ نيشابورى، على بن

احمد، اسباب النزول، ص ٢٩٥؛ سيوطى، جلال الدين، الدر المنثور في التفسير المأثور، ج ٤، ص ٦٠٤

٣٤. نيشابورى، ابو عبدالله حاكم، المستدرک على الصحيحين، ج ٢، ص ٤١٦، دار المعرفة، بيروت، بى تا. همان.

٣٥. شيخ صدوق، السامالى، ص ٣٨٢، حديث ٥، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بيروت، چاپ پنجم، ١٩٩٠ م.

٣٦. شيخ طوسى، السامالى، ص ٣٥١ - ٣٥٢، حديث ٧٢٦، مؤسسة البعثة دار الثقافة، قم، چاپ اول، ١٤١٤ هـ و نیز نگاه كنيد: شيخ صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ١٧٩، ح ٥٤٠٤؛ مجلسى، بحار الانوار، ج

٣٥، ص ٢١٠، ح ١١.

٣٨. الترمذى، سنن الترمذى، ج ٥، ص ٦٩٩ ح ٣٨٧١، دار احياء التراث العربى، بيروت، بى تا.

٣٩. همان.

٤٠. النيشابوري، صحيح مسلم، ص ١٠٢٩، ح ٢٤٢٢٤، دار احياء التراث العربي، بيروت، چاپ اول، ٢٠٠٠ م؛
الحسكاني، شواهد التنزيل، ج ٢، ص ٣٦، ح ٤٨٠ مؤسسة الاعلمى للمطبوعات، بيروت، چاپ اول،
١٩٧٤ م. و نیز نگاه كنيد: المستدرک على الصحيحين، ج ٢، ص ٤١٦ و ج ٣، ص ١٣٣؛ نسائي،
خصائص امير المؤمنين، ص ٥٣، حديث ٢٤.
٤١. شيخ طوسي، الامال، ص ٨٩، حديث ١٣٨.
٤٢. فرات بن ابراهيم، تفسير فرات الكوفي، ص ٣٣٨، حديث ٤٦١؛ مجلسي، بحار الانوار، ج ٣٥، ص ٢١٣، ح ١٦.
و نیز نگاه كنيد: الامال، شيخ صدوق، ص ١٢٤، حديث ١٤؛ مجمع البيان في تفسير القرآن، ج ٧، ص ٥٩.
٤٣. ترمذي، سنن الترمذي، ج ٥، ص ٣٥٢، ح ٣٢٠٦؛ حاكم نيشابوري، المستدرک على الصحيحين، ج ٣،
ص ١٥٨؛ ابن مردويه، مناقب علي ابن ابي طالب (ع)، ص ٣٠٤، ح ٤٨٨؛ سيوطي، الدر المنثور في التفسير
المأثور، ج ٤، ص ٤٠٥.
٤٤. ترمذي، سنن الترمذي، ج ٥، ص ٣٥٢، ح ٣٢٠٦.
٤٥. حاكم نيشابوري، المستدرک على الصحيحين، ج ٣، ص ١٥٨.
٤٦. طبري، جامع البيان، ج ١٢، جزء ٣٢، ص ٤٦؛ ابن مردويه، مناقب علي بن ابي طالب (ع)، ص ٣٠٤، ح ٤٨٩.
٤٧. حاكم حسكاني، شواهد التنزيل، ج ٢، ص ٢٧، ح ٤٦٥؛ خوارزمي، المناقب، ص ٤٠، ح ٢٨.
و نیز نگاه كنيد: شواهد التنزيل، ج ٢، ص ٢٧ - ٢٩، ح ٤٦٥ و ٤٦٨؛ كنز العمال، ج ١٣، ص ٤٤٦.
ح ٣٧٤٣٣، مؤسسة الرسالة، بيروت، ١٩٨٩ م؛ الدر المنثور في التفسير المأثور، ج ٤، ص ٤٠٦.
٤٨. شيخ صدوق، عيون اخبار الرضا (ع)، ج ١، ص ٤٤، ح ٣٠، طوس، قم، چاپ دوم، ١٣٤٣ ش.
٤٩. شعيري، تاج الدين، جامع الاخبار، ص ١٩، مؤسسة الاعلى للمطبوعات، بيروت، ١٩٨٦ م. و نیز نگاه
كنيد: مجمع البيان في تفسير القرآن، ج ٩، ص ٢٠٧، الامالي، شيخ صدوق، ص ٤٦٧، ح ٢٦؛ الخصال،
ص ١٣٩، ح ١٥٨؛ تأويل الآيات الظاهرة، ص ٤٥٠؛ مجلسي، بحار الانوار، ج ٢٥، ص ٢١٣ - ٢١٤،
ح ٤، بحراني، البرهان في تفسير القرآن، ج ٤، ص ٢٦٠ - ٢٦١، ح ١٦؛ الامالي، شيخ طوسي، ص ٥٦٢،
ح ١١٧٤؛ كليني، الاصول من الكافي، ج ٢، ص ١٨٢، ح ١٦ و ج ٢، ص ٤٠٠، ح ٥.
٥٠. الدر المنثور في التفسير المأثور، ج ٤، ص ٤٠٥ - ٤٠٦.
٥١. الديلمي، ابو شجاع شيرويه، الفردوس بمأثور الخطاب، ج ١، ص ٥٤، ح ١٤٤، دارالكتب العلمية، بيروت،
چاپ اول، ١٤٠٦ هـ.
٥٢. ابن ابي حاتم، تفسير القرآن العظيم، ج ٩، ح ٣١٣٣، ح ١٧٤٨٠؛ سيوطي، الدر المنثور في التفسير المأثور،
ج ٤، ص ٤٠٦؛ نیز نگاه كنيد: فرائد السمطين، ج ٢، ص ١٣٣، ح ٤٣٠ و ج ٢، ص ١٨٠؛ ينابيع المودة،
ج ٣، ص ٥٠٤، باب ٧٧، ج ٢، ص ٢٣٠، باب ٥٦.

طبري

تاريخ
الرسالة
١٠٠٠

▽

١٧٢

٥٣. استر آبادي، تأويل الآيات الظاهرة، ص ٤٥٠؛ مجلسي، بحار الانوار، ج ٢٥، ص ٢١٣ - ٢١٤، ح ٤.
- بحراني، البرهان في تفسير القرآن، ج ٤ ص ٢٦٠ - ٢٦١، ح ١٦.
٥٤. شيخ صدوق، الخصال، ص ٥٥٠، ح ٣٠؛ مشهدي قمي، تفسير كنز الدقائق، ج ١٠، ص ٣٧٥؛ فيض كاشاني، تفسير الصافي، ج ٤، ص ١٨٨.
٥٥. الخصال، ص ٥٦١، ح ٣١؛ تفسير كنز الدقائق، ج ١٠، ص ٣٧٥؛ تفسير الصافي، ج ٤، ص ١٨٨؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ٤ ص ٢٥٦، ح ١٠.
٥٦. شيخ طوسي، الامالي، ص ٥٦٤، ح ١١٧٤؛ بحراني، غاية المراد، ج ٣، ص ٢٠٦، ح ٢٦؛ مجلسي، بحار الانوار، ج ١٠، ص ١٤١ - ١٤٢، ح ٥؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ٤ ص ٢٦٩ - ٢٧٠، ح ٢٦.
٥٧. شيخ صدوق، الامالي، ص ١٤١، ح ٣؛ بحار الانوار، ج ٤٥، ص ١٥٥، ح ٣.
٥٨. كوفي، تفسير فترات الكوفي، ص ٣٣٦ - ٣٣٧، ح ٤٥٨؛ بحار الانوار، ج ٣٥، ص ٢١٦، ح ٢٢.
٥٩. قمي، علي بن ابراهيم، تفسير القمي، ج ٢، ص ١٩٣، مطبعة النجف، نجف اشرف، ١٣٨٧ هـ.
٦٠. حاكم نيشابوري، المستدرک على الصحيحين، ج ٣، ص ١٧٢.
٦١. ابن ابي حاتم، تفسير القرآن العظيم، ج ٩، ص ٣١٣٢، ح ١٧٧٦؛ ابن كثير دمشقي، تفسير القرآن العظيم، ج ٣، ص ٤٩٥؛ حاكم حسكاني، شواهد التنزيل، ج ٢، ص ١٨، ح ٦٥٠ و ٦٥١ و ص ١٩، ح ٦٥٢؛ علي بن محمد ابن مغازلي، مناقب علي بن ابي طالب (ص)، ص ٣٨٣، ح ٤٣١؛ قندوزي الحنفي، ينابيع المودة، ج ١، ص ١٢٦.
٦٢. ابن كثير، تفسير القرآن العظيم، ج ٣، ص ٤٩٥؛ جامع البيان عن تأويل آي القرآن، ج ٢، ص ٢٢، ح ٨.
٦٣. حاكم حسكاني، شواهد التنزيل، ج ٢، ص ٨٧ - ٨٨، ح ٧٦٤.
٦٤. طبري، جامع البيان، ج ١٢، جزء ٢٢، ص ٦ - ٧؛ تفسير القرآن العظيم، ج ٣، ص ٤٩٢.
٦٥. نسائي، خصائص امير المؤمنين (ع)، ص ٥٠ - ٥٣، ح ٢٤ و نیز كتاب السنة، ص ٥٨٨ - ٥٨٩، ح ١٣٥١، ابن ابي عاصم الضحاك، المكتب الاسلامي، بيروت، چاپ سوم، ١٩٩٣ م.
٦٦. نسائي، خصائص امير المؤمنين (ع)، ص ٣٣ - ٣٥، ح ١١.
٦٧. شيخ طوسي، التبيان في تفسير القرآن، ج ٨، ص ٣٣٩ - ٣٤١.
٦٨. القمي، تفسير القمي، ج ٢، ص ١٩٣ - ١٩٤.
٦٩. شيخ طبرسي، مجمع البيان في تفسير القرآن، ج ٨، ص ٥٨٨ - ٥٦٠.
٧٠. مغنیه، التفسير الكاشف، ج ٤ ص ٢١٦ - ٢١٨، دارالعلم للملایین، بیروت، چاپ چهارم، ١٩٩٠ م.
٧١. طباطبائي، الميزان في تفسير القرآن، ج ١٦، ص ٤٦٥.
٧٢. طبري، جامع البيان عن تأويل آي القرآن، ج ١٢، جزء ٢٢، ص ٥ - ٨.

٧٣. رازي، تفسير الفخر الرازي، ج ٢٥، ص ٢١٠، دار الفكر، بيروت، چاپ سوم، ١٩٨٥ م.
٧٤. القرطبي، الجامع لاحكام القرآن، ج ١٤، ص ١٨٣، دار احياء التراث العربي، بيروت، ١٩٨٥ م.
٧٥. ابن كثير، تفسير القرآن العظيم، ج ٣، ص ٤٩١ - ٤٩٤، دار المعرفة، بيروت، چاپ دوم، ١٩٨٧ م.
٧٦. بياضوي، تفسير البياضوي، ج ٢، ص ٣٤٥، دار الكتب العلمية، بيروت، چاپ اول، ١٩٨٨ م.
٧٧. الرازي، تفسير القرآن العظيم، ج ٩، ص ٣١٣٢، ح ١٧٦٧٥؛ دمشقى، تفسير القرآن العظيم، ج ٣، ص ٤٩١؛ الدر المنثور، ج ٤ ص ٦٠٢؛ الواحدي، اسباب النزول، ص ٣٩٦؛ الجامع لاحكام القرآن، ج ١٤، ص ١٨٢.
٧٨. طبري، تفسير الطبري، ج ١٢، جزء ٢٢، ص ٨؛ دمشقى، تفسير القرآن العظيم، ج ٣، ص ٤٩١؛ الرازي، تفسير القرآن العظيم، ج ٩، ص ٣١٣٢، ح ١٧٦٧٥؛ الجامع لاحكام القرآن، ج ١٤، ص ١٨٢.
٧٩. سيوطي، الدر المنثور، ج ٤ ص ٦٠٣.

٨٠. ر.ك: اهل البيت في آية التطهير، ص ١٠٧ - ١٠٨.

٨١. جهت اطلاع بيشتر ر.ك: محمد بن جرير طبري، جامع البيان، ج ١٤، جزء ٢٨، ص ١٦٠ - ١٦٤؛ نصر بن محمد سمرقندي، تفسير السمرقندي، ج ٣، ص ٣٧٨ - ٣٨١؛ محمد بن احمد قرطبي، الجامع لاحكام القرآن، ج ١٨، ص ١٨٨ - ١٩٤؛ ابن ابي حاتم، تفسير القرآن العظيم، ج ١٠، ص ٣٣٦٢، ح ١٨٩٢٠؛ محمد بن الحسن طوسي، التبيان في تفسير القرآن، ج ١٠، ص ٤٤ - ٤٩؛ ابو على الفضل طبرسي، مجمع البيان في تفسير القرآن، ج ١٠، ص ٤٧١ - ٤٧٥؛ اسماعيل بن كنير دمشقى، تفسير القرآن العظيم، ج ٤، ص ٤١٢ - ٤١٦؛ عبدالله بن محمد بياضوي، تفسير البياضوي، ج ٢، ص ٥٠٥ و ٥٠٦؛ عبد الرحمن بن محمد ثعالبي، تفسير الثعالبي، ج ٥، ص ٤٥٠ - ٤٥٢؛ جلال الدين سيوطي، الدر المنثور في التفسير المأثور، ج ٨، ص ٢١٣ و ٢٢٤؛ فيض كاشاني، تفسير الصافي، ج ٥، ص ١٩٣ - ١٩٥؛ مكارم شيرازي، تفسير نمونه، ج ٢٤، ص ٢٧١ و ٢٧٢.

٨٢. ر.ك: تفسير السمرقندي، ج ٣، ص ٢٦٤؛ مجمع البيان في تفسير القرآن، ج ٩، ص ٢٠٢ - ٢٠٣؛

الجامع لاحكام القرآن، ج ١٦، ص ٣٢٦؛ تفسير نمونه، ج ٢٢، ص ١٧٧.

٨٣. كليني، الاصول من الكافي، ج ١، ص ٩، ح ١ و ٣١ و نيز ر.ك: كثر العمال، ج ١، ص ١٧٩، ح ٩٠٧؛

الجامع الصغير، ص ٧٤، ح ١١٥١.

٨٤. تاريخ الامم و الملوك، ج ٣، ص ٥٨، دار الكتب العلمية، بيروت، چاپ دوم، ١٩٨٨ م.

٨٥. البداء و التاريخ، ص ٢٢٤، دارالكتب العلمية، بيروت، چاپ اول، ١٩٧٧ م.

٨٦. مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ٢، ص ٣٥١، دار الهجرة، قم، چاپ دوم، ١٩٨٤ م.

٨٧. المنظم في تواريخ الملوك و الامم، ج ٣، ص ٣٤٠، دار الفكر، بيروت، ٢٠٠٠ م.

٨٨. الكامل في التاريخ، ج ٣، ص ٣٤٦، مؤسسة التاريخ العربي، بيروت، چاپ اول، ١٩٨٩ م.

طهرى

١٧٤

▽

١٧٤

٨٩. تاريخ الخلفاء، ص ٢٠٧، دار صادر، بيروت، چاپ اول، ١٩٩٧ م.
٩٠. جهت آشنایی بیشتر با این روایات ر.ک: بخش دوم مقاله، آیه تطهیر از دیدگاه فریقین.
٩١. جهت ملاحظه این روایت ر.ک: محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ٣٧، ص ٣٥، ح ٢؛ عبد الحسین احمد امینی، الغدير في الكتاب و السنة و الأدب، ج ١، ص ٥٠؛ التستري، قاموس الرجال، ج ٤ ص ٦٠٣ و ٦٠٤؛ حاکم ابو عبدالله نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ٣، ص ١٣٢ و ١٣٣؛ سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی، ینابيع المودة، ج ١ ص ٢١؛ سیوطی، الدر المنثور في التفسیر المأثور، ج ٤ ص ٦٠٥ و ٦٠٦؛ احمد بن شعیب، خصائص امیر المؤمنین (ع)، ص ٥٠ - ٥٣، ح ٢٤؛ عمرو بن ابی عاصم شیبانی، کتاب السنّة، ص ٥٨٨ و ٥٨٩، ح ١٣٥١.
٩٢. الدر المنثور، ج ٦ ص ٦٠٣؛ اسباب النزول، ص ٢٩٥ - ٢٩٦.
٩٣. ر.ک: الغارات، ابراهیم بن محمد ثقفی کوفی، ج ٢، ص ٥٧٦ - ٥٧٧، شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ٤، ص ١٠٢.
٩٤. میزان الاعتدال، محمد بن احمد الذهبی، ج ٣، ص ٩٣ - ٩٦؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ٥، ص ٧٦؛ قاموس الرجال، ج ٤ ص ٣٢٧.
٩٥. ر.ک: التفسیر و المفسرون، شیخ محمد هادی معرفت، ج ١، ص ٣٣٨ - ٣٦٢، الجامعة الرضویة للعلوم الاسلامیة، مشهد مقدس، چاپ اول، ١٤١٨ هـ.
٩٦. ر.ک: تفسیر الفخر الرازی، ج ٢٥، ص ٢١٠؛ الجامع لاحکام القرآن، ج ١٤، ص ١٨٣؛ تفسیر القرآن العظیم، ج ٣، ص ٤٩٤؛ تفسیر الثعالبی، ج ٤، ص ٣٤٦.
٩٧. ر.ک: الجامع لاحکام القرآن، قرطبی، ج ١٤، ص ١٨٣؛ مناقب علی بن ابی طالب (ع)، ابن مغزالی، ص ٣٠٦، ح ٣٥١؛ المناقب، الخوارزمی، ص ٦١، ح ٣٠؛ تفسیر فرات الکوفی، ص ٣٣٥، ح ٤٥٦؛ بحار الانوار، ج ٤٥، ص ١٩٩، ح ٣٨.
٩٨. ر.ک: تفسیر العیاشی، ج ١، ص ١١، ح ٢؛ البرهان في تفسیر القرآن، ج ١، ص ٥٠، ح ٧.
٩٩. مجمع البیان في تفسیر القرآن، ج ٨، ص ٥٦٠.
١٠٠. تفسیر نمونه، ج ١٧، ص ٢٩٥.
١٠١. در این خصوص نگاه کنید: سوره های واقعه، آیه ٧٦؛ لقمان، آیه ١٣ - ١٩؛ مائده، آیه ٣؛ یوسف، آیه ٢٨ - ٢٩.
١٠٢. الدر المنثور في التفسیر المأثور، ج ٤ ص ٦٠٤.
١٠٣. ر.ک: میزان الاعتدال، ذهبی، ج ٢، ص ٢٦٩، شماره ٣٦٩٦ و تقریب التهذیب، عسقلانی، ج ١، ص ٤١٨، شماره ٢٧٩٤.
١٠٤. ر.ک: المستدرک علی الصحیحین، ج ٢، ص ٤١٦ و ج ٣، ص ١٤٦.
١٠٥. ر.ک: تفسیر فرات الکوفی، ص ٣٣٥، ٤٥٦؛ بحار الانوار، ج ٤٥، ص ١٩٩، ح ٣٨.

١٠٦. تفسير السمرقندي، ج ٣، ص ٥٠.
١٠٧. عقيدة الإمامة، على احمد سالوس، ص ٥٩ - ٦٠ دار الاعتصام، قاهره، چاپ اول، ١٩٨٧ م.
١٠٨. صحيح البخارى، محمد بن اسماعيل البخارى، ص ٨٨٨ ح ٤٧٩٣، دار الكتب العلمية، بيروت، چاپ اول، ٢٠٠١ م.
١٠٩. عقيدة الإمامة، ص ٦١.
١١٠. يس، آيه ٢٠.
١١١. الجامع لاحكام القرآن، ج ١٤، ص ١٨٣ و نیز عقيدة الامامة، ص ٧٢.
١١٢. رك: اهل البيت في آية التطهير، ص ٦٣.
١١٣. رك: بحار الانوار، ج ٣٥، ص ٢٣٥.
١١٤. رك: عقيدة الامامة، ص ٦٠ - ٦١.
١١٥. رك: صحيح البخارى، باب ٣٣، حديث ٦٣٦٠ و باب ١٠، حديث ٣٣٦٩.
١١٦. ميزان الاعتدال، ج ٣، ص ٢٦٣، شماره ٣٦٨٠.
١١٧. همان، ج ٢، ص ٥٢٨، شماره ٤٧١٢.
١١٨. صحيح البخارى، ص ٦١٨ ح ٣٣٧٠ و ص ٨٨٩ ح ٤٧٩٧ و ٤٧٩٨، و ص ١١٦٢ ح ٦٣٥٧.
- صحيح مسلم، ص ٢٠٨، ح ٤٠٦.
١١٩. صحيح مسلم، ص ٢٠٨، حديث ٤٠٥.
١٢٠. المناقب، خوارزمي، ص ٦٣ ح ٣٢: كز العمال، ج ١٢، ص ٦٠٣ ح ٣٧٥٣٤ و ج ١٢، ص ١٠١ ح ٣٤١٨٦.
١٢١. المستدرک على الصحيحين، ج ٣، ص ١٤٨.
١٢٢. همان.
١٢٣. رك: احزاب، آيه ٤٣؛ بقره، آيه ١٥٧؛ توبه، آيه ١٠٣.
١٢٤. صحيح مسلم، ص ١٠٣٣، حديث ٢٤٠٨ و نیز رك: عقيدة الامامة، ص ٦٩ - ٧٠.
١٢٥. صحيح مسلم، ص ١٠٤٦.
١٢٦. رك: اهل البيت في آية التطهير، ص ١٠٥.
١٢٧. رك: مجمع البيان في تفسير القرآن، ج ٨، ص ٥٥٩، الميزان في تفسير القرآن، ج ١٦، ص ٣١٠.
١٢٨. انفال، آيه ٣٤.
١٢٩. جامع البيان عن تأويل آي القرآن، ج ١٢، جزء ٢٢، ص ٦ - ٧؛ شواهد التنزيل، ج ٢، ص ٤٦ - ٤٧، ح ٦٩٣ با كمى تفاوت.
١٣٠. جامع البيان عن تأويل آي القرآن، ج ١٢، جزء ٢٢، ص ٧؛ شواهد التنزيل، ج ٢، ص ٤٥، ح ٦٩١ با كمى تفاوت.
١٣١. المستدرک على الصحيحين، ج ٣، ص ١٤٧ و ج ٢، ص ٤١٦.

طبر

تاريخ
١٠ و ٨

▽

١٧٦

۱۳۲. المناقب، ص ۶۳ ح ۳۲ و نیز ر.ک: فرائد السمطين، ابراهيم بن محمد الجوينى، ج ۱، ص ۲۳ - ۲۴، مؤسسة المحمودى، بيروت، ۱۹۷۸ م.

۱۳۳. تقريب التهذيب، ج ۲، ص ۲۷۹، شماره ۷۴۰۵: اهل البيت في آية التطهير، ص ۱۲۷.

۱۳۴. ر.ک: اللآئى المصنوعة في احاديث الموضوعه، ج ۱، ص ۳۸۱ - ۳۸۲، جلال الدين سيوطى، دار الكتب العلميه، بيروت، چاپ اول، ۱۹۹۶ م.

۱۳۵. مائده، آيه ۶: نساء، آيه ۲۶.

۱۳۶. يس، آيه ۸۲

۱۳۷. گفتنى است كه در كتاب عقيدة الامامة، ص ۷۸ - ۷۹، قسمت اول اين شبهه كه به ارادة تشريعى مربوط است، ذكر شده است.

۱۳۸. محمد (ص)، آيه ۱۷.

۱۳۹. عنكبوت، آيه ۶۹

۱۴۰. عقيدة الامامة، ص ۷۶.

۱۴۱. ر.ک: اهل البيت في آية التطهير، ص ۹۲ (به نقل از مختصر التحفة الاثني عشرية، عبد العزيز دهلوى، ص ۵۱)

۱۴۲. يوسف، آيه ۲۴.

۱۴۳. بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۳۳۶.

۱۴۴. همان، ج ۳۵، ص ۳۳۴.

۱۴۵. ر.ک: اهل البيت في آية التطهير، ص ۱۴۰ - ۱۴۱.

۱۴۶. عقيدة الامامة، ص ۷۶ - ۷۸.

۱۴۷. صحيح البخارى، ص ۱۳۲۸، حديث ۷۳۴۷ و ص ۲۱۱، حديث ۱۱۲۷.

۱۴۸. عقيدة الامامة، ص ۷۸ (به نقل از كتاب المنتقى، ابن تيميه)

۱۴۹. جهت ملاحظه اين روايات ر.ک: بخش دوم مقاله، رواياتى كه بر عصمت اهل بيت (ع) دلالت مى كند.

۱۵۰. جهت ملاحظه اين روايات رجوع كنيد: بخش دوم، روايات تسليم.

۱۵۱. المستدرک على الصحيحين، ج ۳، ص ۱۱؛ شواهد التنزيل، ج ۱، ص ۹۱ ح ۱۲۸.

۱۵۲. مناقب آل ابى طالب، ج ۴، ص ۱۵۹ - ۱۶۰، مؤسسة انتشارات علامه، قم، بى تا؛ معجم رجال الحديث،

ج ۱۶، ص ۱۸۲، شماره ۱۰۹۶۰، سيد ابوالقاسم خويى، دار الزهراء (س)، بيروت، چاپ چهارم، ۱۹۸۹ م.

۱۵۳. عقيدة الامامة، ص ۸۴

۱۵۴. جهت اطلاع بيشتر ر.ک: تزيه انبياء، آيت الله شيخ محمد هادى معرفت.

۱۵۵. ر.ک: صف، آيه ۶: آل عمران، آيه ۱۴۴؛ احزاب، آيه ۴۰؛ محمد (ص)، آيه ۳؛ فتح، آيه ۲۹.

۱۵۶. احزاب، آيه ۳۷.

۱۵۷. نحل، آيه ۴۴.

١٥٨. حشر، آية ٧.
١٥٩. الاصول من الكافي، ج ١، ص ٢٨٦ - ٢٨٧، ح ١؛ بحار الانوار، ج ٣٥، ص ٢١١، ح ١٢. (ابن حديد شريف دارى سند صحيح است).
١٦٠. عقيدة الامامة، ص ٧٥.
١٦١. بحار الانوار، ج ٣٥، ص ٤٠٣ - ٤٠٤، ح ٢١.
١٦٢. همان.
١٦٣. همان، ج ٨٩، ص ١٥.
١٦٤. تفسير الصافي، ج ١، ص ٣١.
١٦٥. همان، ج ١، ص ٢٩؛ البرهان في تفسير القرآن، ج ١، ص ٥٠، ح ١٠.
١٦٦. الاصول من الكافي، ج ١، ص ٢٨٨، ح ٢. ابن حديد شريف از احاديث صحيح كافي است.
١٦٧. علل الشرائع، ص ٢٠٥، ح ٢؛ الاصول من الكافي، ج ١، ص ٢٨٧، ح ١.
١٦٨. عيون اخبار الرضا (ع)، ج ١، ص ٢٢٩، ح ١؛ الامالى، شيخ صدوق، ص ٤٢٢، ح ١.
١٦٩. جامع الاخبار، شعبرى، فصل ٧، ص ١٩.
١٧٠. فرائد السمطين، ج ٢، ص ١٣٣، ح ٤٣٠؛ بناييع المودة، ج ٣، ص ٥٠٤؛ كمال الدين و تمام النعمة، ص ٢٤٦، ح ٢٨؛ عيون اخبار الرضا (ع)، ج ١، ص ٢٤٤، ح ٣٠.
١٧١. جهت ملاحظه اين روايات رك: آية التطهير في احاديث الفريقين، سيد على موحد ابطحسى، ج ١، ص ٢٩٥ - ٤٠٣ و نیز بخش دوم همین مقاله.
١٧٢. رك: آل عمران، آيه ١٠٨؛ نساء، آيه ٢٦؛ قصص، آيه ٥؛ غافر، آيه ٣١.
١٧٣. واقعه، آيات ٧٧ - ٧٩.
١٧٤. رك: التبيان في تفسير القرآن، ج ٩، ص ٥١٠؛ مجمع البيان في تفسير القرآن، ج ٩، ص ٣٤١؛ جامع البيان عن تأويل آي القرآن، ج ١٣، جزء ٢٧، ص ٢٠٥ - ٢٠٧؛ الدر المنثور في التفسير المأثور، ج ٨، ص ٢٨؛ الميزان في تفسير القرآن، ج ١٩، ص ٢٣٦ - ٢٣٩.
١٧٥. مجمع البيان في تفسير القرآن، ج ٩، ص ٣٤٨؛ الدر المنثور في التفسير المأثور، ج ٨، ص ٢٨.

طهر

تفسير
١٧٨

